یا لثارات الحسین (ع)

پنج‌شنبه
۲ مهر ۱۴۰۵
۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۲۴ سپتامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۴۶
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



«آگاه» در پرونده ویژه خود به مناسبت هفته دفاع مقدس به تبیین اندیشه‌های راهبردی و دفاعی رهبر شهید پرداخته است

پرونده ویژه

# فرمانده دفاع ملی



رئیس جمهور در هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد:
بمب اتم در اسرائیل است اما بازرسان در ایران!

## امنیت یا برای همه یا برای هیچ‌کس

- ایران نمی‌پذیرد دانش هسته‌ای، امتیاز انحصاری چند کشور باشد
- برای دفاع، از جنگ نمی‌ترسیم و برای صلح از مذاکره نمی‌گریزیم
- ایران را نمی‌توان با جنگ وادار به تسلیم کرد

**مسعود پزشکیان، رئیس جمهور کشورمان عصر روز گذشته، یکم مهر در جریان سخنرانی در هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گفت: دیروز رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود ایران را تروریست اعلام کرد در حالی که ما قربانی تروریسم هستیم. وی افزود: من از ایرانی می‌آیم که رهبر ما را [آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها] بدون هیچ دلیلی قانونی ترور کردند. من از ایرانی می‌آیم که آنها مدرسه‌ای را بمباران کردند و دانش‌آموزان ما را با اسلحه آمریکایی و اسرائیلی کشتند، در حالی که هیچ گناهی نداشته و هیچ جرمی مرتکب نشده بودند.**

رئیس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل با اشاره به جنایت‌های آمریکا در جنگ ۴۰ روزه علیه ایران گفت: لامرد یکی از شهرهای ایران است. آنها سالن ورزشی را که بچه‌ها در آن ورزش می‌کردند از بین بردند. آمریکا آنجا را با بمب‌های خوشه‌ای که به چند هزار تکه تقسیم می‌شد بمباران کرده و فرزندان ایران را کشت. همچنین دانشمندان، مردم، زنان، بچه‌ها و کودکان بی‌گناه را که هیچ گناهی مرتکب نشده بودند را بمباران کرده و کشت. کسانی که تروریسم هستند و تروریسم را تربیت می‌کنند به ما می‌گویند که شما تروریست هستید در حالی که از خودمان دفاع می‌کنیم و تروریست نیستیم. پزشکیان تاکید کرد: مردم بی‌گناه ما آماج حملات ناجوانمردانه‌ای هستند که آنها به کشور ما تحمیل کرده‌اند و ما با قدرت از خود دفاع کردیم. وی ادامه داد: آمریکا و اسرائیل با آخرین فناوری و تجهیزات به ما حمله کردند و مردم ما با قدرت ایستادند و مقابله کردند، اما ما در مقابل آنها سر خم نکردیم و پاسخ دادیم. با این حال، ما مردم غیر نظامی را هدف قرار ندادیم.

آنها از سرزمین هایی که آمده بودند، به مدرسه ما، بیمارستان ما، دانشگاه ما، پل‌ها و زیرساخت‌های ما حمله کردند و تمام این اقدامات خلاف قوانین بین المللی است. پزشکیان عنوان کرد: وقتی مسئولیت را بر عهده گرفتم، در روز اول اسماعیل هنیه را در تهران ترور کردند. اسرائیل هر حکومت، هر دولت و هر منطقه‌ای را که دلش می‌خواهد، بمباران و ترور می‌کند. در غزه بیش از ۸۰ هزار انسان بی‌گناه را قتل عام کرده‌اند و بیش از چند صد هزار انسان آواره هستند. نسل‌کشی انجام می‌دهند و از ابزارها و فناوری‌هایی که در اختیار دارند استفاده می‌کنند، اما سپس می‌گویند دیگران تروریست و عامل ناآرامی هستند.

پزشکیان در ادامه بیان کرد: آیا ما عامل ناآرامی هستیم؟ ما که می‌خواهیم مستقل زندگی کنیم و نمی‌خواهیم سر خم کنیم، ناآرام هستیم؟ اگر کسانی که ترور می‌کنند، می‌کشند و جنایت می‌کنند، عامل امنیت و صلح هستند، این چه منطقی است؟ آنها اصلا هیچ یک از قوانین بین المللی را رعایت نمی‌کنند. این همان چیزی است که ما با آن مواجه هستیم. رئیس جمهور گفت: ما چیزی نمی‌خواهیم و پاسخ خودمان را یافته‌ایم. ما قدرت لازم را می‌خواهیم؛ زیرا ملتی که نتواند از خودش دفاع کند، در این دنیا او را له می‌کنند. دنیایی است که قدرتمندان آن به جای اینکه به فکر مردم، انسانیت، عدالت و دموکراسی باشند، عامل ویرانی، تخریب و نابودی هستند و هر کسی را که بخواهند تخریب کنند، نام تروریست بر او می‌گذارند. وی با تاکید بر صلح‌طلبی تاریخی ایرانیان، افزود: ایران در ۲۰۰ سال گذشته به هیچ کشوری حمله نکرده و همیشه از خودمان دفاع کرده‌ایم، اما اکنون باید متهم شویم که ما تروریست و عامل ناامنی در منطقه هستیم! این موضوع باعث شده است راهبردی که برای خودمان انتخاب می‌کنیم این باشد که قدرت می‌خواهیم تا از خودمان دفاع کنیم؛ قدرت نمی‌خواهیم که تجاوز کنیم.

پزشکیان ادامه داد: انرژی هسته‌ای را برای توسعه می‌خواهیم، برای ساختن بمب، تخریب و تهدید جوامع نمی‌خواهیم و برای امنیت و مشارکت می‌خواهیم. رئیس جمهور عنوان کرد: ملت ایران در هفت ماه گذشته، هرشب در خیابان بودند تا از ایران ما دفاع کنند و اجازه ندهند کسانی که آمریکا و اسرائیل به آنها سلاح داده بودند، بیایند و ناامنی را در داخل کشور ایجاد کنند. هفت ماه مردم ایران شبانه روز در خیابان بودند. مردم، قدرت ما هستند و ما با قدرت مردم ایستادیم. وی بیان کرد: ایران باید آن قدر قدرتمند باشد که بقا و پیشرفتش را تهدید نکنند؛ آن قدر مسئول باشد که قدرتش را برای سلطه به کار نگیرد و آن قدر دوراندیش باشد که امنیت خود را در ناامنی همسایگان جست و جو نکند. پزشکیان اظهار کرد: درباره دفاع ایران، ما سامانه دفاعی خود را برای آن ساخته‌ایم که هیچ‌کس تصور نکند بمباران شهرهای ایران بی‌پاسخ خواهد ماند. قدرت نظام ایران برای دفاع است، اما روشن می‌گوییم ما برای دفاع از کشورمان از هیچ‌کس اجازه نمی‌گیریم. وی افزود: انرژی را برای توسعه می‌خواهیم. سال‌هاست درباره برنامه هسته‌ای ایران با زبان سانتریفیوژ، غنی‌سازی، تحریم و بمب سخن می‌گویند، اما برای ملت ما فناوری هسته‌ای بخشی از حق توسعه است. انرژی هسته‌ای برای بیماران ما درمان، برای کشاورزی امنیت غذایی، برای صنعت فناوری و برای آینده، برق پایدار است. رئیس جمهور گفت: ایران نمی‌پذیرد دانش هسته‌ای امتیاز انحصاری چند کشور باشد. ایران سلاح هسته‌ای را عامل امنیت نمی‌داند، اما از حق خود برای علم، صنعت و انرژی صلح‌آمیز صرف نظر نخواهد کرد. وی ادامه داد: به صراحت می‌گوییم نه سلاح هسته‌ای و نه محرومیت از دانش هسته‌ای؛ موضع هسته‌ای ایران در میدان جنگ حل نمی‌شود؛ راه‌حل، توافقی است که به اطمینانی معتبر از صلح‌آمیز بودن برنامه ایران و به ملت ایران اطمینان از حفظ حقوقش بدهد. پزشکیان عنوان کرد: اصل سوم، مشارکت برای امنیت است. ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که جنگ مرز نمی‌شناسد و بحران یک کشور به همسایگانش سرایت می‌کند. از همین رو، ایران همسایگان خود را رقیب امنیت خویش نمی‌بیند. ما همسایگان خود را قوی می‌خواهیم. وی بیان کرد: در آبراهی که تنگه هرمز است، نمی‌توانیم بپذیریم همه از این آبراه بهره ببرند و همزمان نگهبان تاریخی آن آبراه، بر اثر تحریم‌های ظالمانه، از استفاده از آزادی کشتیرانی حتی در آب‌های خودش محروم باشد. رئیس جمهور با اشاره به محاصره دریایی کشورمان توسط آمریکایی‌ها، گفت: راه را بر ما می‌بندند، بعد اسلحه و مواد منفجره و موشک و انرژی برای نابودی کشورها را از همان آبراه منتقل می‌کنند. این امکان‌پذیر نیست و نمی‌توانند این کار را انجام دهند. چون ما اجازه نخواهیم داد که چنین اتفاقی در کشور ما رخ دهد. وی با اشاره به استقرار ناوگان آمریکایی‌ها در آب‌های منطقه غرب آسیا، گفت: استقرار دائمی ناوگان‌های متخاصم و گسترش جنگ، امنیت نمی‌آورد. امنیت کشتیرانی را نمی‌توان با امنیت کشورهای ساحلی به هم ریخت.

رئیس جمهور در رابطه با فلسطین اظهار کرد: فلسطین همچنان زخمی بر پیکر وجدان جامعه جهانی است و غزه همچنان نماد شکست سازوکارهای بین‌المللی در جلوگیری از رنج غیرنظامیان است. ده‌ها هست که قطعنامه‌ها صادر می‌شوند، اما اشغال و خشونت ادامه دارد. وی افزود: ما نمی‌توانیم از صلح سخن بگوییم، اما فلسطین را نادیده بگیریم. صلح پایدار در غرب آسیا بدون عدالت برای فلسطین پایدار نخواهد ماند. تا زمانی که اشغال، تجاوز و بی‌عدالتی در جهان باشد، مقاومت تداوم خواهد یافت. وی ادامه داد: تا زمانی که تجاوز و بی‌عدالتی در جهان باشد، مقاومت تداوم خواهد یافت. اگر شکلی از آن آسیب ببیند، به اشکال دیگر و چه‌بسا نیرومندتر، بار دیگر ظهور پیدا خواهد کرد. پزشکیان با اشاره به کشتار در غزه، اظهار کرد: غزه با وجود کشتار بی‌وقفه و ویرانی گسترده، ایمان مردم را آشکار ساخت که مقاومت را نمی‌توان با بمب و محاصره وادار به تسلیم کرد. این ذات طبیعت انسان است. اگر یک انسان را از سرزمینش بیرون کنند، مقاومت می‌کند. اگر یک انسان، خانه و کاشانه‌اش را بمباران کنند، مقاومت می‌کند. [اگر] مقاومت نکند پس چه کند؟ بپذیرد که قلدری کند؟ بپذیرد که او را از خانه و کاشانه بیرون کنند و او در مقابل این تجاوز ساکت بماند و اگر خواست از خودش دفاع کند، بگویند اینها تروریست هستند؟ رئیس جمهور گفت: ادبیات جدید در دنیایی که امروز ما در آن زندگی می‌کنیم، معلوم است؛ مسائل منطقه ما پیش از آنکه به بهانه جنگ قدرت‌های دوردست بدل شود، در خود منطقه و توسط کشورهای منطقه مجال حل دارد. استقلال راهبردی یعنی رابطه با هیچ قدرت خارجی به امکان جنگ علیه همسایه تبدیل نشود. وی در سخنی خطاب به همه کسانی که در تصمیم‌گیری، طراحی و اجرای حمله به سرزمین ایران مسئول بودند، گفت: ملت ما قدرت نظامی و آثار تصمیم‌های مخرب آنها را از نزدیک تجربه کرد و آنها تاب‌آوری ایران را آزموده‌اند و اکنون به خوبی می‌دانند که ایران را نمی‌توان با جنگ وادار به تسلیم کرد. پزشکیان عنوان کرد: ایران هیچ‌گاه آغازگر هیچ جنگی نبوده است و همواره پایبندی خود را به میز مذاکره نشان داده است. جنگ را بر ما تحمیل کردند، اما ما ثابت کردیم که برای دفاع از خود از جنگ نمی‌ترسیم و برای صلح از مذاکره نمی‌گریزیم و تا پای جان برای دفاع از ایران ایستاده‌ایم.

رئیس جمهور با بیان آنکه موضوع این اجلاس بازسازی اعتماد است، اظهار کرد: اعتماد با حرف نمی‌شود، بلکه نیازمند پرهیز از معیارهای دوگانه است. بمب اتم و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی این منطقه در دست رژیم اسرائیل است، اما بازرسی‌ها از ایران درخواست می‌شود. وی افزود: اسرائیل ۷۰ هزار نفر را در غزه قتل‌عام کرد، اما ایران در پشت میز مذاکره بمباران شد. اسرائیل بمب اتم دارد، عضو ان پی تی نیست، در تمام عمر ننگینش یک بازرس را به سرزمینش راه نداده، اما میلیاردها دلار سلاح رایگان پاداش می‌گیرد و مصونیت دارد که هر پایتختی را که خواست بمباران کند. پزشکیان تاکید کرد: بمب اتم در اسرائیل است، اما بازرسان در ایران. اسرائیل می‌کشد، ولی ایران تحریم می‌شود و این تراژدی است که به هر کسی بگویی، خنده‌اش می‌گیرد. او (آمریکا) می‌کشد و تحریم می‌کند و بعد تحریم، فقرا، بیماران و مردم بی‌گناه را در حقیقت نشانه می‌گیرد و این کاری است که آمریکا می‌خواهد با کشورها و به‌خصوص با ایران بکند که مردم را در حقیقت قربانی کند.

رئیس جمهور عنوان کرد: اگر در پی عدالت هستیم، دوست و رقیب باید با یک معیار محاسبه شود. حقوق بشر ابزار رقابت ژئوپلیتیک نیست. ایران امتیاز ویژه نمی‌خواهد؛ حقوق برابر می‌خواهد و مسئولیت آن را می‌پذیرد. وی افزود: ایران در تاریخ طولانی خود یک حقیقت را به روشنی آموخته است؛ جهان بدون داشتن قدرت خطرناک است، اما جهانی که فقط زبان قدرت را بفهمد، امنیت پایدار نخواهد داشت. پزشکیان اظهار کرد: اگر حقوق بین‌الملل فقط زمانی اجرا شود که با منافع قدرتمندان سازگار باشد، کشورهای بیشتری به این نتیجه خواهند رسید که برای تامین امنیت خود تنها به قدرت خویش متکی باشند. این، آغاز جهانی خطرناک‌تر برای همه ما خواهد بود.

رئیس جمهور گفت: نباید اجازه دهیم که قرن بیست‌ویکم به دوران بازگشت به سیاست زورمندان و حکومت زورمداران تبدیل شود. نباید جهانی بسازیم که در آن قدرت نظامی جای مشروعیت، تحریم جای دیپلماسی، ترور جای سیاست و جنگ جای گفت‌وگو را بگیرد. وی ادامه داد: ایران به سوی جهان دست همکاری دراز می‌کند. ما جهان را نه به جنگ دیگر، بلکه به صلح و عدالت فرا می‌خوانیم؛ نه از سر ضعف، بلکه از سر اعتماد به قدرت خود و فهم این حقیقت که هیچ‌کس در این منطقه به تنهایی امنیت نخواهد داشت؛ یا امنیت را با یکدیگر خواهیم ساخت یا ناامنی را با یکدیگر تحمل خواهیم کرد. پزشکیان عنوان کرد: ما به ساختن آینده می‌اندیشیم که در آن امنیت، عدالت و کرامت انسانی، حقوقی سلب‌ناشدنی و مشترک برای همه ملت‌ها باشد؛ آینده‌ای که در آن هیچ ملتی به حاشیه رانده نشود، هیچ صدایی در هیاهوی قدرت گم نشود و هیچ قدرتی حق نداشته باشد آینده دیگران را به جای آنان رقم بزند.

رئیس جمهور گفت: نظمی که شایسته نظام بین‌المللی باشد، باید بر پایه برابری ملت‌ها، عدالت، انصاف و اراده مشترک بشریت استوار شود؛ زیرا صلحی که برای همه نباشد، صلح نیست و عدالتی که شامل همه نشود، عدالت نیست. وی ادامه داد: کلام آخر اینکه سخنان دیروز رئیس جمهور آمریکا نزد افکار عمومی دنیا، اندیشمندان، سیاستمداران و حقوقدانان، نشانه بارزی از خوی قلدری و منطق زور و مغایر با نص صریح منشور ملل متحد است. پزشکیان خطاب به رئیس جمهور آمریکا اظهار کرد: ایشان بداند که تهدید، ملت ما را منسجم‌تر می‌کند، قوی‌تر می‌کند و مقاومت ایرانیان را بیشتر می‌کند و ملت ایران در برابر زور، سر خم نخواهد کرد و متجاوزان را پشیمان خواهند کرد. رئیس جمهور گفت: اینها چیزی است که باید ترامپ و کسانی که می‌خواهند قلدری کنند، بفهمند. ما آماده گفت‌وگو هستیم، اما بدانند که زبان زور را نخواهیم پذیرفت.

**ملت ایران در هفت ماه گذشته، هرشب در خیابان بودند تا از ایران ما دفاع کنند و اجازه ندهند کسانی که آمریکا و اسرائیل به آنها سلاح داده بودند، بیایند و ناامنی را در داخل کشور ایجاد کنند. هفت ماه مردم ایران شبانه‌روز در خیابان بودند. مردم، قدرت ما هستند و ما با قدرت مردم ایستادیم**

## برش جدید در تاریخ دفاعی ایران



سیدمرتضی مفیدنژاد
روزنامه‌نگار

وقتی صحبت از نسبت رهبر انقلاب و هفته دفاع مقدس می‌شود، ذهن بی‌اختیار به سمت عکس‌ها و فیلم‌هایی می‌رود که ایشان در جبهه‌های حق حضور پیدا کردند. چه عکس‌هایی که با محاسن مشکی و در روزهای آغازین جنگ گرفته شده است و چه فریم‌هایی که در روزهای پایانی جنگ و همزمان با سفیدتر شدن محاسن ایشان ثبت شده است اما نگاه و اندیشه آن مرد الهی که در لباس سربازی حضوری فعال و بی‌بدیل داشت فراتر از حضور در میدان‌های نبرد و شرکت در طراحی‌های عملیاتی بود. اندیشه سیدعلی خامنه‌ای(ره) از آغازین روزهای پیروزی انقلاب بالا بردن قدرت دفاعی و ساختن یک ایران قوی در برابر دشمن پلید بود. او به خوبی می‌دانست که دشمنی‌های امپریالیسم جهانی علیه ایران کم نخواهد شد و آنها پس از جنگ تحمیلی هشت ساله هم باز به سراغ ما خواهند آمد. اینجا بود که دکترین نظامی رهبر شهید از سال‌های اولیه رهبری ایشان وارد بدنه نیروهای مسلح شد و اصل بر توسعه و افزایش توان نظامی قرار گرفت. صرفا به عنوان یک مثال، توصیه ایشان به سردار شهید حاجی‌زاده بود که تاکید کرده بودند «دقت موشک‌ها را در اولویت قرار بدهید.» مقوله‌ای که در جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه به وضوح اهمیت خود را نشان داد.

هر سه جنگ تحمیلی از جانب دشمن بود اما ایران اسلامی جانانه براساس منطق اسلامی دوران غیبت به دفاع برخاست و آنچه به عنوان دکترین تهاجمی جدید ایران از آن یاد می‌شود در همین چارچوب منطق دفاعی است. دکترینی که بالاترین حد دفاع را ارائه داده و در صورت ثمر دادن سایه جنگ را از کشور دور می‌کند. این یک ابتکار ناب جمهوری اسلامی ایران است که ماحصل تلاش و پیگیری رهبر شهید است. این راهبرد، ایران امروز را تبدیل به قدرتی نوظهور با مختصات کاملا متفاوت از تمامی قدرت‌های طول تاریخ کرده است که نه تسلیم می‌شود، نه جنگ‌طلبی می‌کند بلکه به صورت فعال بازدارندگی می‌کند و به منافع دشمن ضربه می‌زند و ایضا پرونده قضیه انتقام را پیگیری می‌کند ولو جنگ در ظاهر تمام بشود. کارت‌های بازی ایران در این روزها متعدد و متنوع است و باید توجه کرد که با فرماندهی داهیانه و تخصص‌محور، آنها را مورد استفاده قرار داد.

از سوی دیگر راهبردهای دفاعی و نظامی رهبر شهید باید بیش از گذشته در محافل آکادمیک مورد نظریه‌پردازی و بررسی قرار گیرد. برای تحقق درست این مهم تحلیل محتوا و اسناد (روش شناسی اسنادی)، مطالعات تطبیقی همچون مقایسه با مکاتب نظامی جهان، تبدیل کردن به واحدهای درسی و سرفصل‌های دانشگاهی و تشکیل کارگروه‌های پژوهشی در مراکز مطالعاتی نظامی و امنیتی، نیاز است.



عمار حکیم، رئیس جریان حکمت ملی عراق:
## تقویت حشدالشعبی برای حفظ امنیت عراق ضروری است



از سوی دادستانی تهران صورت گرفت
## صدور کیفرخواست پرونده انفجار پیجرها در لبنان

دادستان تهران اعلام کرد: کیفرخواست پرونده عملیات تروریستی انفجار پیجرهای مورد استفاده حزب‌الله لبنان در دادسرای تهران صادر شد.

علی صالحی اظهار کرد: این پرونده بر اساس شکوائیه سفیر وقت جمهوری اسلامی در بیروت و اعلام جرم وزارت امور خارجه علیه هفت نفر از سران و عوامل رژیم غاصب صهیونیستی از جمله بنیامین نتانیاهو تشکیل و پس از رسیدگی و صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شد. دادستان تهران یادآور شد: متهمان این پرونده به اتهام افساد فی‌الارض از طریق ایراد صدمه بدنی عمدی، شروع به قتل عمدی و تخریب و از کار انداختن و اخلال در داده‌ها با استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی در کشور لبنان، تحت پیگرد قرار گرفتند.

وی تصریح کرد: با توجه به اینکه آقای مجتبی امانی همدانی، سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، در جریان این حمله تروریستی در دفتر کار خود، از ناحیه دو چشم، صورت، انگشتان و کف هر دو دست و سینه و پا مجروح و ضمن از دست دادن بخشی از بینایی، دچار عوارض و اختلالات جسمانی غیرقابل جبران شده است؛ وزارت امور خارجه براساس شکوائیه نامبرده و به استناد قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح، درخواست تعقیب کیفری کلیه عاملین، آمرین، معاونین و شرکای این عمل مجرمانه را در دادسرا مطرح کرد.

به گفته دادستان تهران، طبق تحقیقات صورت گرفته، این عملیات تروریستی از ۱۰ سال قبل از اجرایی شدن، توسط عوامل رژیم صهیونیستی طراحی و پیجرهای منفجرشده در سرزمین‌های اشغالی تولید و با نشان یک شرکت تایوانی توسط یک شرکت صوری صهیونیستی واقع در کشور مجارستان به حزب‌الله فروخته شده بود.

حمله تروریستی انفجار پیجرهای حزب‌الله لبنان، در تاریخ ۱۷ و ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴ میلادی برابر با ۲۷ و ۲۸ شهریور ۱۴۰۳ صورت گرفت و طی آن چند هزار پیجر و صدها بیسیم واکی تاکی در دو موج جداگانه به صورت همزمان در لبنان منفجر و منجر به شهادت ده‌ها نفر از افراد غیرنظامی و از جمله تعداد زیادی کودک و مجروحیت شدید چند هزار نفر به ویژه در نواحی چشم، دست و صورت شد.

ستاد کل نیروهای مسلح:
## تهدیدهای ترامپ نشان‌دهنده بن‌بست آمریکاست

ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) به لفاظی ترامپ و سوءاستفاده از تریبون سازمان ملل متحد واکنش نشان داد.

در بیانیه ستاد کل در این راستا آمده است: اظهارات خصمانه و تهدیدهای مکرر رئیس جمهور آمریکا علیه ایران که با سوءاستفاده از تریبون سازمان ملل متحد جهت موجه جلوه دادن تجاوز، ایجاد ناامنی و راهزنی در جهان همراه شده است، پیش از آنکه متکی بر واقعیت‌های میدانی باشد، صرفا ابزاری برای تبلیغات داخلی است. این‌گونه سخنان، نشان‌دهنده بن‌بست راهبردی آمریکا در تجاوز علیه ملت ایران است.

بیانیه ستاد کل تصریح دارد که تکرار ادعاها و تهدیدهای بی‌اساس، با توجه به فرسودگی ارتش آمریکا، نه نشانه قدرت، بلکه نشان از استیصال راهبردی آنان دارد. ایران اسلامی همواره لنگرگاه امنیت در منطقه، به‌ویژه برای تجارت آزاد و بین‌المللی بوده است؛ در حالی که آمریکا با حضور نامشروع، غیرقانونی و تجاوزکارانه در منطقه غرب آسیا، منبع تهدید، ناامنی و بی‌ثباتی است و برای جبران شکست‌های پی‌درپی در اقدامات تجاوزکارانه علیه ایران و راهزنی دریایی، اقتصاد جهانی را به گروگان گرفته است.

در بیانیه مذکور تصریح شده که لفاظی‌های رئیس جمهور آمریکا تغییری در محاسبات قدرت ایجاد نمی‌کند و هرگز جایگاه تنزل‌یافته این کشور در نظم نوین جهانی و شکست‌های خفت‌بار آمریکا در جنگ علیه ایران و جبهه مقاومت را جبران نخواهد کرد.

پاسخ نیروهای مسلح توانمند و قدرتمند ایران اسلامی که از تجارب دفاع مقدس هشت ساله و جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم بهره می‌گیرند به یاوه‌گویی‌ها و تهدیدهای قاتل امام شهید امت، کودکان بی‌گناه و مظلوم مدرسه شجره طیبه میناب و لامرد و سایر شهدای والامقام کشور، آمادگی کامل جهت وارد کردن ضرباتی شدیدتر، خردکننده‌تر و غیرقابل پیش‌بینی به متجاوزان و سران آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌باشد. ان‌شاءالله رئیس جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران، پیام ملت شجاع و نیروهای مسلح قهرمان و اقتدار ایران قوی و شکست‌ناپذیر را در مجمع سازمان ملل متحد به گوش جهانیان خواهند رساند.

بزرگ‌نمایی آمریکایی‌ها پیرامون یک دیدار غیرمستقیم
# اصل ماجرای مذاکرات ایران و آمریکا در نیویورک چه بود؟



**بامداد روز چهارشنبه بود که منابع آمریکایی اعلام کردند دیداری میان مقامات این کشور با هیات جمهوری اسلامی ایران در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک برگزار شده است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا نیز در مورد این دیدار با خبرنگاران صحبت کرد و دیدار مذکور را موفقیت‌آمیز دانست. اما طرف ایرانی، روایت دقیق‌تری را از این دیدار ارائه داده است.**

در همین رابطه، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، طی مصاحبه‌ای درباره خبر مذاکره ایران و آمریکا در نیویورک اظهار کرد: تعامل صورت گرفته با طرف آمریکایی از طریق میانجی قطری بود. این تعامل با هدف ابلاغ شروط ایران، از جمله خاتمه جنگ در همه جبهه‌ها، توقف اقدامات تجاوزکارانه آمریکا، محاصره دریایی و جنگ اقتصادی، آزادی دارایی‌های ایران و غیره صورت گرفت.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران همچنین درباره دیدارها و نشست‌های وزیر امور خارجه و شرکت در هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل گفت: روز سه‌شنبه رسما اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با سخنرانی دبیرکل شروع شد و بعد از آن هم، تعداد قابل توجهی از مقامات کشورها، مواضع و نقطه نظرات کشورهای متبوعشان را بیان کردند. بقایی تصریح کرد: در حاشیه مجمع عمومی، دکتر عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، دیدارهای دوجانبه‌ای با تعدادی از مقامات کشورها انجام دادند و از این فرصت برای مرور روابط دو جانبه با این کشورها و همچنین مشورت و رایزنی در مورد تحولات منطقه و بین‌المللی استفاده شد. سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: اساسا یکی از کارویژه‌های نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد همین است که کشورها می‌توانند در رابطه با موضوعات دوجانبه و هماهنگی‌هایی که لازم است در رابطه با تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای انجام دهند با همدیگر گفت‌وگو و مشورت کنند.

### واکنش وزارت خارجه ایران به ادعاها و اتهامات رئیس جمهوری آمریکا

بقایی با بیان اینکه طبیعتا حواشی‌ای هم وجود دارد، در واکنش به سخنان ضدایرانی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا گفت: یکی از این حواشی، سخنرانی رئیس جمهوری آمریکا بود. حواشی به این دلیل که سخنانی که رئیس جمهوری آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد، ادعاها و اتهامات تکراری بود و اینجا هم واقعا برداشتی که دیپلمات‌ها و هیات‌های نمایندگی خیلی از کشورها داشتند، همین بود که این سخنان ناشی از اقتدار نیست، ناشی از استیصال است.

سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: اینکه شما مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بزرگ‌ترین مجمع بین‌المللی را تبدیل به صحنه‌ای برای بیان حرف‌هایی کنید که همه آن مطلقا غیرقانونی است، خلاف حقوق بین‌الملل و عرف دیپلماتیک است، اینها نشانه اقتدار نیست. بقایی گفت: اینکه کشوری را تهدید به حمله نظامی کنید، اعترافی است به ماهیت هیات حاکمه فعلی آمریکا و اعترافی است به ارتکاب جنایات بین‌المللی. هیات نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سطح وزیر امور خارجه در این نشست شرکت داشت. هیات جلسه را ترک کرد و طبق روال مرسوم یکی از دیپلمات‌های نمایندگی ایران نزد سازمان ملل که مباحث را پیگیری می‌کنند، در جلسه حضور داشت.

### صندلی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل، سنگر ماست

سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: بحث‌هایی مطرح شده که چرا هیات نمایندگی ایران، کامل جلسه را ترک نکرده است. برای دیپلمات‌ها صندلی ایران، قداست دارد. صندلی ایران در جایی مثل مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سنگر ماست و قطعا اگر قرار باشد ما به خاطر تندگویی و تندخویی و بدگویی دیگران بخواهیم این سنگر را ترک کنیم، حتما به وظیفه‌مان عمل نکرده‌ایم. سخنگوی وزارت خارجه گفت: من به همکار محترمم که مباحث مجمع عمومی را پوشش می‌دهد و امروز هم واقعا با صبر و متانت نشست‌ها را پیگیری کردند، خداقوت می‌گویم و از ایشان تقدیر می‌کنم. از دوستانی که خصوصا در فضای رسانه، غیرمنصفانه در این مورد قضاوت کردند، خواهش می‌کنم در نظر داشته باشند که همکاران ما باید در هر شرایطی وظیفه‌شان را انجام دهند. بقایی تاکید کرد: ما حتما باید در چنین فضایی، تحولات را رصد کنیم و رویکردها و واکنش‌های کشورهای مختلف را در نظر داشته باشیم و به هر حال این بخشی از وظیفه دیپلمات‌هاست که در چنین نشست‌هایی حضور مقتدرانه جمهوری اسلامی ایران را حفظ کنند و هر جا که لازم است، واکنش لازم را اتخاذ کنند.

### واکنش به فضاسازی رسانه غربی درباره درخواست تدابیر حفاظتی ویژه

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران همچنین گفت: نکته دیگری که در حاشیه مجمع عمومی مطرح شد، خبری بود که یکی از رسانه‌های غربی منتشر کرد، مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران درخواست تدابیر حفاظتی ویژه برای هیات وزیر امور خارجه کرده است. این هم از آن خبرسازی‌های عجیب و غریب بود؛ به‌خاطر اینکه آمریکا به‌عنوان دولت مقر سازمان ملل متحد وظایف روشنی طبق عهدنامه مقر دارد و کاری که در رابطه با حفاظت همه هیات‌های نمایندگی انجام می‌دهد، بخشی از وظایفش است و هر سال هم انجام داده است. بقایی گفت: در رابطه با ایران هم، هیچ درخواست خاصی نبود، صرفا به روال هر سال، ما اسامی و سطح هیات را به نمایندگی آمریکا اعلام کردیم و آنها هم طبق وظیفه‌ای که برعهده دارند، تدابیر لازم را اتخاذ کردند. بنابراین هیچ اتفاق خاصی در این رابطه نیفتاده است. در واقع، همان کاری که هر سال انجام می‌دادند را به عنوان وظیفه دولت آمریکا در چارچوب عهدنامه مقر سازمان ملل، رسانه‌ای کردند؛ گویا اتفاق خاصی افتاده است.

### هیات ایران شروط خود را صریح اعلام کرد

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران همچنین گفت: بحث دیگری که مطرح شد و خیلی در رسانه‌ها پیچید، موضوع دیدار هیات نمایندگی ایران با طرف آمریکایی بود. این هم خیلی روشن است. تعاملی که صورت گرفت، از طریق میانجی قطری بود. هیات نمایندگی ایران، دیدگاه‌ها و شروط خودش را به صورت خیلی صریح و روشن از طریق میانجی‌ها به طرف آمریکایی منعکس کرد.

بقایی خاطرنشان کرد: این هم بازمطلب جدیدی نبوده، قبلا هم در همین هفته اخیر، مواضع و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مباحث مرتبط با تنگه هرمز، امنیت منطقه، شروط ایران برای دیپلماسی بیان شده بود و از فرصت حضور هیات نمایندگی کشورمان در نیویورک استفاده شد برای اینکه خیلی روشن این موارد به طرف آمریکایی منعکس شود.

### تاکید وزیران امور خارجه عراق و ایران بر صیانت از امنیت مرزهای مشترک

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و فواد حسین، وزیر امور خارجه عراق، در حاشیه هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار، دو طرف ضمن بررسی روند همکاری‌های دو کشور در عرصه‌های مختلف از جمله اقتصادی، تجاری، کنسولی و امنیتی، بر تداوم تلاش‌ها برای توسعه روابط در همه زمینه‌های مورد علاقه دو کشور تاکید کردند.

وزرای امور خارجه ایران و عراق، صیانت از امنیت مرزهای مشترک را بسیار کلیدی دانسته و بر اهمیت اجرای توافق‌های صورت گرفته در این زمینه و مقابله موثر با تحرکات تروریستی تاکید کردند. وزیر امور خارجه ایران در این دیدار ضمن تشریح آخرین تحولات مربوط به وضعیت کشتیرانی در تنگه هرمز، از جمله تفاهم حاصله بین ایران و عمان برای تعیین مسیرهای ایمن کشتیرانی تجاری، تصریح کرد: ناامنی موجود در تنگه هرمز صرفا به دلیل اقدامات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی است و بازگشت امنیت به این تنگه مستلزم توقف اقدامات ناامن‌ساز آمریکا است.

عراقچی همچنین بر ضرورت پایبندی همه کشورهای منطقه به اصل حسن همجواری به‌ویژه ممانعت از استفاده طرف‌های متجاوز از قلمرو و امکانات آنها جهت تدارک و اجرای اقدامات غیرقانونی و تجاوزکارانه علیه ایران تاکید و خاطرنشان کرد که جمهوری اسلامی ایران در دفاع از حاکمیت و منافع ملی خود مصمم و جدی است.

### انتقاد از مواضع مداخله‌جویانه فرانسه در قبال ایران

سیدعباس عراقچی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل با ژان‌نوئل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار درباره تحولات مرتبط با مناسبات دیپلماتیک ایران – فرانسه و نیز تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو و تبادل نظر و با انتقاد از مواضع مداخله‌جویانه فرانسه در قبال ایران، بر ضرورت احترام سفارت فرانسه به قوانین و مقررات داخلی ایران تاکید شد.

وزیر امور خارجه همچنین مواضع فرانسه در قبال تحولات منطقه، به‌ویژه در رابطه با تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را غیرقابل قبول خواند و با اشاره به رویکردهای دوگانه فرانسه در قبال حقوق بشر خاطرنشان کرد: فرانسه نمی‌تواند مدعی دلسوزی برای حقوق بشر باشد در حالی که در قبال جنایات ضد بشری آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران و کشتار زنان و کودکان ایرانی سکوت کرد و در اجرای تحریم‌های غیرقانونی آمریکا علیه مردم ایران نیز همکاری کرده است. عراقچی تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران قائل به روابط مبتنی بر احترام و منافع متقابل با همه کشورها از جمله فرانسه است اما در دفاع از منافع و مصالح خود جدی و قاطع عمل خواهد کرد.

رهبران و نمایندگان ۱۹۳ عضو سازمان ملل متحد از روز سه‌شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۵ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۶) تا دوشنبه ششم مهر (۲۸ سپتامبر ۲۰۲۶) در هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در مقر این سازمان در نیویورک گردهم می‌آیند تا درباره مهم‌ترین تحولات بین‌المللی گفت‌وگو کنند. انتظار می‌رود نزدیک به ۱۳۰ رئیس کشور و رئیس دولت به صورت حضوری در اجلاس عالی‌رتبه مجمع عمومی شرکت کنند.

شعار رسمی هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی عبارت است از: بازسازی اعتماد، مدیریت تحول: سازمان ملل متحدی که برای همه نتیجه بخش باشد. این شعار بر ضرورت بازسازی اعتماد میان کشورها، تقویت همکاری‌های چندجانبه و سازگار کردن نهادهای بین‌المللی با چالش‌های جدید تاکید دارد. در این نشست موضوعاتی از جمله صلح و امنیت جهانی، حقوق بشر، توسعه پایدار، تغییرات اقلیمی، افزایش سطح آب دریاها، آمادگی در برابر همه‌گیری‌ها و حکمرانی هوش مصنوعی در دستور کار قرار خواهد داشت. در کنار سخنرانی‌های عمومی، نشست‌های سطح بالا و دیدارهای دوجانبه و چندجانبه نیز در حاشیه مجمع عمومی برگزار می‌شود؛ موضوعی که نیویورک را طی این هفته به یکی از مهم‌ترین مراکز رایزنی‌های دیپلماتیک جهان تبدیل خواهد کرد.

آقای عراقچی، داغ میناب هنوز تازه است
# مرثیه‌ای برای یک دیدار بلاوجه



دیدار انجام گرفته میان هیات ایرانی مستقر در نیویورک به ریاست عباس عراقچی، وزیر امور خارجه با نمایندگان رئیس جمهور جنایتکار آمریکا، یعنی استیو ویتکاف و جارد کوشنر، طی ۲۴ ساعت اخیر، در صدر اخبار محافل سیاسی و رسانه‌ای کشور بوده است.

بسیاری از نخبگان، صاحبنظران و دلسوزان، این دیدار را یک دیدار بلاوجه دانستند و تاکید کردند دیدار با هیات آمریکایی به هر بهانه و شیوه‌ای که انجام گرفته، اعم از مستقیم یا با واسطه، از اساس اشتباه، باطل و ناصواب بوده است و چنانچه وزیر امور خارجه، راسا و بدون کسب تکلیف و اذن از شورای عالی امنیت ملی، مبادرت به این کار کرده است، باید مورد برخورد و مواخذه قرار گیرد.

در شرایطی که در مقطع اول مهر و بازگشایی مدارس به سر می‌بریم، به نوعی سوگ و داغ کودکان دانش‌آموز مینابی برای مردم ما تازه شده است؛ از همین رو دیدار با قاتلان کودکان مینابی و قاتلان امام شهیدمان و هزاران فرزند وطن، دور از خرد، وجدان، غیرت و حمیت ایرانی بود.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که دیدار عراقچی با ویتکاف و کوشنر به صورت غیرمستقیم با میانجی قطری‌ها و برای ابلاغ شروط ایران بوده است؛ در این رابطه باید تصریح کرد که شروط حقه ایران را می‌شد با یک مکتوبه نیز تحویل میانجی قطری داد و ننگ و ذلت دیدار با آمریکایی‌های قاتل و متوحش را به جان نخرید. بدون تردید، اقدام عراقچی در دیدار با ویتکاف و کوشنر، چنانچه بدون اذن و اجازه مقامات بالادستی نظام بوده باشد، فراتر از یک خطای محاسباتی ساده، نشان‌دهنده نوعی سرگشتگی راهبردی در بدنه دیپلماسی فعلی است که با هر ترفند و بهانه‌ای، در پی مشروعیت بخشیدن به بازیگران جنایتکار است؛ در حالی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نه بر پایه امتیازدهی و تعارفات دیپلماتیک، بلکه استوار بر عزت و اقتدار ملی بنا شده است!

تاریخ نشان داده است که هرگونه نشست و برخاست با نمایندگان رژیم متجاوز، پیش درآمدی بر تهاجمات نظامی و اعمال فشار حداکثری بوده است؛ لذا تکرار این الگوی پرخطر، تنها به معنای بازکردن جبهه جدیدی برای دشمن است که هزینه‌اش را ملت ایران با خون و امنیت خود خواهد پرداخت.

وزارت امور خارجه، نه یک نهاد تصمیم‌گیر و مستقل در عرصه امنیت ملی، بلکه صرفا مجری فرامین شورای عالی امنیت ملی است؛ هرگونه خروج از چارچوب‌های تعیین‌شده و اقدام بدون اذن نهاد بالادستی، نه تنها مخل نظم سیاسی است، بلکه نوعی خودسری در عرصه سیاست خارجی محسوب می‌شود که مستوجب برخورد و بازخواست قانونی است.

در حالی که خاک میهن هنوز از خون بی‌گناهان و اشک سوگواران دانش‌آموزان قربانی‌شده در پی تجاوزات رژیم آمریکا خیس است، تلاش برای برقراری پل‌های ارتباطی با قاتلان این کودکان، با وجدان بیدار ملت و غیرت حمیت ایرانی در تضاد مطلق است.

در همین رابطه، ابراهیم رضایی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در مطلبی در فضای مجازی نوشت: وزارت امور خارجه مجری است نه سیاستگذار. وزیر امور خارجه باید توضیح دهد دیدار او با نماینده دشمن متجاوز بر اساس کدام مجوز و سیاستگذاری انجام شده است؟ شروط ایران به آمریکا ابلاغ شده و از ملاقات غیرقانونی به بهانه شروط چیزی جز علامت ضعف در نمی‌آید. سیاست خارجی و امنیت ملی عرصه خودسری نیست. در مجلس به وظیفه قانونی خود برای دفاع از منافع ملت ایران و برخورد با این خطای آشکار عمل خواهیم کرد.

برخی منابع مخالف دولت نیز پس از انتشار خبر دیدار عراقچی با نمایندگان رئیس جمهور جنایتکار آمریکا، به نقل از یک منبع آگاه اعلام کردند که ادعاهای برخی از کانال‌های نزدیک به تیم مذاکره‌کننده مبنی بر صدور مجوز از سوی نهادهای بالادستی برای دیدار مستقیم یا غیرمستقیم عراقچی با ویتکاف و کوشنر مورد تایید نیست.

علی عبدی، کارشناس مسائل ژئوپلیتیک نیز در خصوص دیدار عراقچی با کوشنر و ویتکاف در کانال تلگرامی‌اش نوشت: شمارش معکوس حمله مجدد آمریکا آغاز شد و جنگ بعدی از همین امشب و با مذاکره هیات ایرانی با کوشنر و ویتکاف شروع شد. عبدی دیدار وزیر امور خارجه کشورمان با نمایندگان دشمن متجاوز را تکرار مکرر خطاهای محاسباتی و راهبردی دانست. به طور کلی، از همان شامگاه سه‌شنبه که خبر دیدار عراقچی با ویتکاف و کوشنر منتشر شد، بسیاری از تحلیلگران و ناظران، از شروع جنگ تحمیلی چهارم علیه ایران سخن گفتند و یادآوری کردند که دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نیز درست بعد از دیدارهای عراقچی با ویتکاف و کوشنر، آغاز شد.

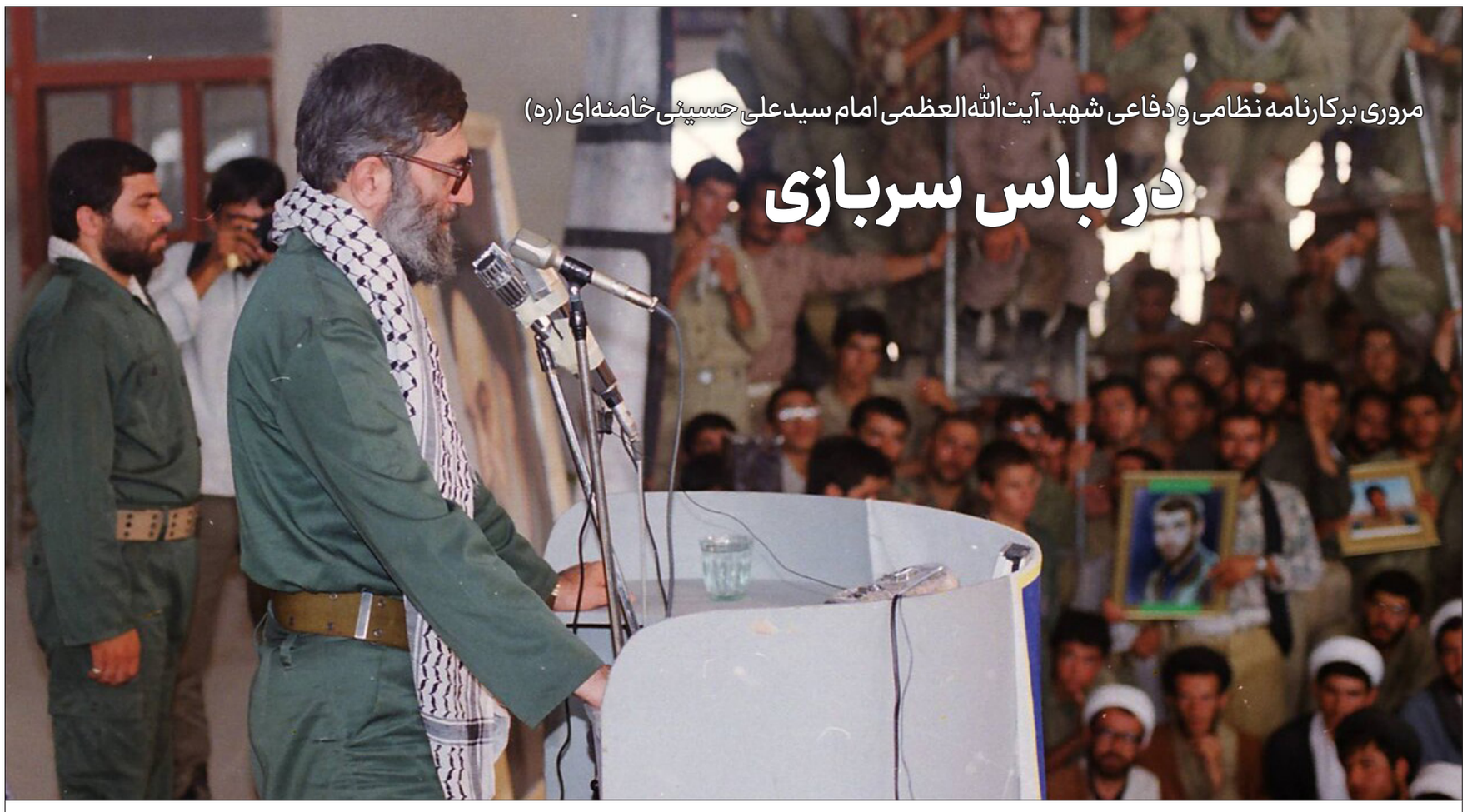
**بدون تردید، اقدام عراقچی در دیدار با ویتکاف و کوشنر، چنانچه بدون اذن و اجازه مقامات بالادستی نظام بوده باشد، فراتر از یک خطای محاسباتی ساده نشان‌دهنده نوعی سرگشتگی راهبردی در بدنه دیپلماسی فعلی است**



رئیسی، معاون وزیر بهداشت:

## ۶ ماه ذخیره واکسن داریم

پنج‌شنبـه/ ۲ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۶



مروری بر کارنامه نظامی و دفاعی شهید آیت‌الله‌العظمی امام سیدعلی حسینی خامنه‌ای (ره)

# در لباس سربازی

سجاد میرزایی
آگاه مسائل سیاسی

«درلباس سربازی» در اصل نام نمایشگاهی است درون مجموعه باغ موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تهران که در زمان حیات امام شهید و با هدف روایت زندگی و کارنامه ایشان به خصوص در عرصه نظامی افتتاح شد و حالا بعد از شهادت ایشان این مجموعه یکی از ده‌ها یادگار روایت‌کننده دوران حیات ایشان است. در اینجا مروری داریم بر بعد نظامی و دفاعی از زندگی و کارنامه امام شهید سیدعلی خامنه‌ای (ره).

### دفاع در مقابل طاغوت

شهید خامنه‌ای در دوران مبارزات انقلابی سهم مهمی در مبارزات انقلابی در مشهد و تهران داشته و بارها دستگیر و زندانی و شکنجه و تبعید شده است. او در این دوران جدای از تبلیغ و روشنگری آشکار و نهان علیه رژیم دست‌نشانده پهلوی و تدریس در حوزه‌های علمیه، اقدامات عملیاتی قابل توجهی را رقم زد. از پشتیبانی از گروه‌ها و فعالان انقلابی مثل موتلفه و شهید اندرزگو تا اقداماتی که صریحا نظامی نبودند ولی جنبه دفاعی و پدافندی داشتند مانند رویکرد جهادی در مواجهه با حوادثی مثل زلزله فردوس و سیل ایرانشهر. زندگی سراسر مبارزه و جهاد آن چیزی بود که خامنه‌ای شهید و یاران و شاگردانش در آن دوران به تمامه زیست کردند.

### آخوند نظامی

امام سید علی خامنه‌ای پس از پیروزی انقلاب تا قبل از ریاست جمهوری اقدامات مهمی داشت که کمتر روایت شده است. او در این دوران مناصب مختلفی را تجربه کرد؛ از جمله آنها: عضو شورای انقلاب، سرپرست مرکز اسناد انقلاب اسلامی، معاون وزیر دفاع، نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع، سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مشارکت در ستاد جنگ‌های نامنظم، امامت جمعه تهران و اوج آن در نمایندگی تهران در مجلس شورای اسلامی و ریاست کمیسیون دفاعی آن. رهبر شهید در آن دوران نقش مهمی در شکل‌گیری و تثبیت ارکان نظامی جمهوری اسلامی ایران یعنی سپاه و بسیج و جلوگیری از انحلال ارتش ایفا کرد.

### رئیس جمهور در میدان

امام شهید بعد از جانبازی در ترور نافرجام و بعد از حوادث تلخ تابستان ۱۳۶۰ به ریاست جمهوری رسید و در این دوران به عنوان رئیس جمهور نقش مهمی را در اداره مستقیم و غیرمستقیم جنگ از طریق شورای عالی دفاع و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) ایفا کرد. نه تنها خود بارها در جبهه حضور یافت بلکه فرزندان خویش را راهی جبهه‌ها کرد. سخنرانی ایشان در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۶۶ جلوه‌ای تمام‌عیار از دیپلماسی انقلابی و در خدمت میدان بود و ایشان از اختیارات آن روزهای رئیس جمهور برای پیشبرد سیاست خارجی دوران جنگ به خوبی استفاده کرد. همه اینها در دوران رهبری امام خمینی (ره) بود که با وجود محدودیت‌های آن روزها حتی وجبی از خاک کشورمان جدا نشد.

### «فرمانده کل قوا»یی در تراز تاریخ

از آنجا که مقام رهبری در ساختار جمهوری اسلامی ایران به عنوان فرمانده کل قوا نیز شناخته شده و بنابراین در مورد نیروهای مسلح شأن اجرایی دارد علاوه بر سیاستگذاری، شهید آیت‌الله خامنه‌ای دورانی ماندگار را در تاریخ نظامی ایران و اسلام و جهان رقم زد. شخصیتی که بیش از تمامی روحانیون و رجال دین در تاریخ با امور نظامی و دفاعی پیوند خورده بود، در این عرصه، هم زیرساخت و ساختار ساخت و کادرسازی کرد و هم بارها سایه جنگ را از کشور دور کرد. او این کار را با هر سختی که بود پیش برد، چه در زمان دولتی مثل شهید جمهور آیت‌الله رئیسی (ره) که همراهی و تمکین بالایی داشتند چه در زمان برخی دیگر از دولت‌ها که همراهی نداشته بلکه کارهایی را خلاف منویات ایشان انجام می‌دادند.

### میراث دفاعی خامنه‌ای(ره)

در عرصه هوافضا اعم از موشکی و پهپادی جهشی تاریخی رقم خورد تا جایی که کشورهای دیگر حتی دشمنان این مرز و بوم اقدام به کپی برداری از پهپاد شاهد ۱۳۶ کردند که جزو دستاوردهای معمولی نظامی ما محسوب می‌شود. این ثمره مجاهدت طهرانی مقدم‌ها و حاجی‌زاده‌ها و محمود باقری‌ها و... بود و این روزها این میراث در دستان سیدمجید موسوی است. صنعتی که بر نقطه‌زنی تاکید داشته و اصطلاح ضدانسانی «تلفات جانبی» را در قاموس خویش ندارد. عرصه دریایی نیز حاصل زحمات شمخانی‌ها و تنگسیری‌ها و... بود که این روزها به فرماندهی حاج علی عظمایی و امیر شهرام ایرانی تنگه هرمز را نگه می‌دارد. عرصه زمینی نیز با تلاش مجاهدانه پاکپورها رقم خورد و حالا به فرماندهی سردار کرمی آماده است تا به هرگونه غلط کاری زمینی دشمن پاسخ دهد آنچنان که در دشت مهیار پاسخ گرفتند. حاصل زحمات حاج قاسم سلیمانی و حاج اسماعیل قاآنی را در فراتر از مرزهای کشورمان در قالب جبهه مقاومت در این دو جنگ اخیر دیده‌ایم. فرماندهی عالی نظامی کشور نیز چهره‌هایی همچون باقری‌ها و رشیدها و سلامی‌ها و امیر موسوی‌ها را به خود دیده و حالا سرلشکر عبداللهی و سردار وحیدی و امیر حاتمی در این جایگاه به یاری رهبر رشید انقلاب می‌پردازند.

### نظریه دفاعی انقلاب اسلامی

نظریه دفاع تهاجمی از جمله ابتکارات انقلاب اسلامی است. نظریه‌ای که دچار ایده‌آلیسم‌ها و رئالیسم‌های رایج نیست و بر پایه فقه اسلامی به انواع روش‌های سخت و نرم برای دفاع از کشور و دین می‌پردازد و در مقابل دشمن انفعال ندارد. نظریه‌ای که میدان و دیپلماسی را با هم و در کنار هم دارد و از این لحاظ از برخی گروه‌ها جدا می‌شود. در چنین نظریه‌ای کلماتی مثل «تلفات جانبی» وجود ندارد و بر نقطه‌زنی نسبت به اهداف و منافع دشمن تاکید می‌شود. این نظریه شاخه‌ای است از نظریه نظام ولایی که منجر به ایران قوی می‌شود. این نظریه موفق شد با همه محدودیت‌ها منجر به خودکفایی بی‌نظیر نظامی ایران بشود و حتی در مواردی دست به صادرات تجهیزات نظامی بزند؛ خودکفایی‌ای که توانست کشور را در دوران جنگ بدون وابستگی به شرق یا غرب پیش ببرد. سردارانی همچون رشید و باقری و پاکپور و نصیرزاده و حاجی‌زاده و حیدری جزو نظریه‌پردازان نظامی محسوب می‌شوند.

### خامنه‌ای پسر، ادامه دهنده راه پدر

امام شهید علی خامنه‌ای بعد از تجربه مدیریت جنگ ۱۲ روزه کشور را با کمک فرماندهان برای هرگونه جنگ بعدی مهیا کرد- گرچه پیش از این هم مهیا بود- و به رغم حادثه تلخ شهادت ایشان و برخی فرماندهان در ساعات اولیه جنگ تحمیلی سوم، جمهوری اسلامی ایران از همان ساعات ابتدایی به دفاع در مقابل دشمن پرداخت؛ از بستن تنگه هرمز تا حمله به اهداف آمریکایی و اسرائیلی. در همین روزهای اول جنگ رهبر سوم انقلاب یعنی آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای انتخاب شد و زمام امور را در دست گرفت و تاکنون با وجود محدودیت‌های جاری لحظه‌ای در این راه از پای ننشسته است. ایشان که سال‌ها تحت مدیریت امام شهید به دستیاری ایشان در امور مختلف و از جمله در امور نظامی و محور مقاومت و... پرداخته است، مدیریت بی‌نظیری را به نمایش گذاشته است و به عنوان رهبری که به رغم مجروحیت و عزاداری و در اوج بحران مدیریت کشور را دست گرفته به خوبی از عهده امور برآمده و می‌آید و خواهد آمد. به امید شکست نهایی دشمن آمریکایی-صهیونی و بهره‌مندی هرچه بیشتر ما از محضر این ذخیره ارزشمند و میراث‌دار امامین راحل و شهید انقلاب و دیگر شهدای انقلاب اسلامی.

---

از ستاد جنگ‌های نامنظم تا تحقق پیش‌بینی شکست دشمن

## معماری اقتدار بازدارنده



سعید سپاهی
آگاه مسائل اندیشه

بررسی تاریخ تحولات دفاعی ایران پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که گذر از کشوری وابسته و فاقد توان بازدارندگی به یک قدرت موشکی و پهپادی منطقه‌ای، حاصل یک مهندسی دقیق فکری و راهبردی بوده است؛ مسیری پیوسته که رد پای اندیشه و کنشگری مستقیم رهبر شهید انقلاب در تمام نقاط عطف آن به چشم می‌خورد.

پیوند ایشان با مقوله امنیت ملی از نخستین روزهای دفاع مقدس و حضور در کسوت نماینده امام در شورای عالی دفاع و سازماندهی ستاد جنگ‌های نامنظم در کنار شهید چمران آغاز شد، تجربه‌ای میدانی که ضرورت حیاتی خودکفایی درون‌زا را پیش روی کشور قرارداد و بعدها با حمایت همه‌جانبه از چهره‌های پیشرو همچون شهید حسن طهرانی‌مقدم- که ایشان وی را «سردار عالی‌قدر، دانشمند برجسته و پارسای بی‌ادعا» نامیدند (پیام تسلیت، ۲۵ آبان ۱۳۹۰)- به پایه‌گذاری صنایع موشکی و تسلیحات دقیق بومی انجامید. این رویکرد بنیادین در مواجهه با سه جنگ تحمیلی (جنگ هشت‌ساله بعثی، نبرد ۱۲ روزه صهیونیستی و جنگ ۴۰ روزه ائتلاف غربی) ستون فقرات دکترین امنیت ملی ایران را شکل داد، دکترینی که بر پایه اصل قوی شدن استوار بود و ایشان در تبیین منطق عقلانی آن تصریح فرمودند: باید قوی بشویم تا جنگ نشود؛ قوی بشویم تا تهدید دشمن تمام بشود... ما نمی‌خواهیم به کسی تجاوز کنیم، اما اگر چنانچه اقتدار و قوت نداشته باشیم، دشمنان به ما تحمیل خواهند کرد.» (بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۹ بهمن ۱۳۹۸). در همین چارچوب، گذار تاریخی از دفاع واکنشی و ایستا به بازدارندگی فعال و تهاجمی رقم خورد تا قواعد نبرد به گونه‌ای بازتعریف شود که دشمن پیش از هرگونه دست‌اندازی، به فلج محاسباتی دچار شود.

از منظر مطالعات راهبردی و روابط بین‌الملل، این تفکر نمونه‌ای متعالی از رئالیسم تدافعی اخلاق‌محور است که با رئالیسم تهاجمی و سلطه‌جویانه غرب مرزبندی قاطعی دارد. در این مکتب، تسلیحات برای جهان‌گشایی یا تجاوز انباشته نمی‌شوند، بلکه ابزاری برای تحمیل هزینه غیرقابل تحمل بر متجاوزند. رهبر شهید این قاعده تغییرناپذیر را چنین صورت‌بندی کردند: «من در زمان رئیس جمهور قبلی آمریکا هم گفتم دوران بزن در رو تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و در می‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم.» (بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴). ایشان همچنین در برابر تهدیدات مکرر متجاوزان هشدار دادند: «دشمنان بدانند اگر بخواهند تعرضی به ملت ایران بکنند، با پاسخ سختی مواجه خواهند شد؛ اگر یکی بزنند، ۱۰ تا می‌خورند.» (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۴ خرداد ۱۳۹۶)

علاوه بر مهندسی سخت‌افزاری بازدارندگی، بخش مهمی از اقتدار دفاعی ایران بر پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه و مبتنی بر بینش الهی ایشان استوار بود، تحلیل‌هایی که فرسایش درونی بلوک سلطه و ناپایداری امنیتی رژیم صهیونیستی را بسیار پیشتر از وقوع به تصویر کشید. اعلام صریح اینکه رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید و در این مدت هم مبارزه و حماسه، آرامش را از آنها سلب خواهد کرد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۸ شهریور ۱۳۹۴) و همچنین این هشدار راهبردی که «ما آغازگر حمله نخواهیم بود، اما اگر رژیم صهیونیستی غلطی بکند، جمهوری اسلامی تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد» (بیانات در حرم مطهر رضوی، یکم فروردین ۱۳۹۲)، دقیقا در صحنه درگیری‌های متأخر و شلیک‌های نقطه‌زن به عمق خاک اشغالگران عینیت یافت و ابطال‌ناپذیری محاسبات مقاومت را به اثبات رساند.

در نهایت، ارائه تصویر واقعی از رهبر شهید انقلاب به نسل‌های آینده، مستلزم تبیین مستند این حقیقت است که امنیت پایدار و استقلال سرزمینی امروز ایران، ثمره پایبندی به دکترین قوت درون‌زا و مهار متجاوز در مبدا تهدید است. ایشان در جایگاه مدافع حقیقی ایران، نه تنها مانع تجزیه و تضعیف وطن در سنگین‌ترین رویارویی‌های تاریخ معاصر شدند، بلکه میراثی از اقتدار بومی را به یادگار گذاشتند که به همگان ثابت کرد در دنیای گرگ‌های بین‌المللی، تنها تکیه بر قدرت ملی و منطق بازدارندگی است که صلح، عزت و حیات یک ملت را تضمین می‌کند.

---

قدرتی که پیش از جنگ ساخته شد

## مسئله‌ای به نام قوی شدن

فاطمه حسین‌پور
آگاه مسائل فرهنگی

وقتی از رهبر شهید، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و نسبت او با دفاع مقدس حرف می‌زنیم، تصویر فقط به حضور در جبهه یا عضویت در شورای عالی دفاع محدود نمی‌شود. آنچه اهمیت بیشتری دارد، پیوند میان «حضور در میدان» و «ساختن آینده میدان» است. او در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، در کنار شهید مصطفی چمران در سازمان‌دهی جنگ‌های نامنظم نقش داشت و به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع، مسائل جبهه را از نزدیک دنبال می‌کرد. در ماجرای سوسنگرد نیز نقش او در هماهنگی نیروهای نظامی و مقاومت مدافعان شهر، بخشی از همین تجربه میدانی بود.

اما جنگ یک درس مهم دارد: کشوری که امنیت خود را به تجهیزات دیگران گره بزند، در حساس‌ترین لحظه ممکن است با یک سوال ساده روبه‌رو شود؛ اگر ندادند چه؟

پاسخ به همین سوال بود که بعدها در مسیر خودکفایی دفاعی معنا پیدا کرد. یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها، داستان موشک و شهید حسن طهرانی‌مقدم است. او سال‌ها مسئولیت جهاد خودکفایی سپاه را برعهده داشت و بخش مهمی از مسیر شکل‌گیری توان موشکی ایران با نام او گره خورده است. رهبر شهید نیز از این مسیر حمایت می‌کرد؛ مسیری که نتیجه‌اش فقط ساخت یک موشک نبود، بلکه تبدیل «نیاز دفاعی» به «توان بومی» بود.

این تفاوت کوچکی نیست. بازدارندگی یعنی دشمن بداند تصمیم به حمله، هزینه‌ای واقعی دارد. به همین دلیل، «قوی شدن» در این نگاه، دعوت به جنگ نیست؛ اتفاقا تلاشی برای جلوگیری از تحمیل جنگ است. کشوری که توان دفاع از خود را ندارد، حتی اگر صلح‌طلب باشد، لزوما در امنیت نیست. جنگ ۱۲ روزه این مسئله را از یک بحث نظری به یک تجربه عینی تبدیل کرد. پس از این جنگ، رهبر شهید از اتحاد مردم، اعتماد به نفس ملی و ضرورت حفظ توان دفاعی سخن گفت و تاکید کرد که ملت ایران نباید در برابر دشمن خود را طرف ضعیف ببیند. در روایت‌های رسمی جمهوری اسلامی، توان موشکی شکل‌گرفته در سال‌های قبل، در پاسخ نظامی ایران در این جنگ نقش مهمی داشت.

حتی تعبیر «سیلی» که رهبر شهید سال‌ها پیش درباره حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد به کار برد، فقط یک عبارت سیاسی نبود؛ پشت آن، این پیام قرار داشت که دوران حمله بدون هزینه به ایران گذشته است. پیش‌بینی‌های او نیز در همین چارچوب قابل فهم است. در سال ۱۳۹۴، او گفت که رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید. این جمله در آن زمان یک موضع سیاسی و تحلیلی درباره آینده این رژیم بود و در رسانه‌های مختلف بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. امروز، صرف نظر از اختلاف نظرها درباره تفسیر و تحقق دقیق چنین پیش‌بینی‌هایی، خود این موضع نشان می‌دهد که او تحولات منطقه را در افق کوتاه‌مدت نمی‌دید؛ نگاهش معطوف به روندهای بلندمدت بود.

از دفاع مقدس تا جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، یک خط مشترک دیده می‌شود: امنیت، محصول آمادگی لحظه آخر نیست. آنچه در روز جنگ دیده می‌شود، حاصل تصمیم‌هایی است که سال‌ها قبل گرفته شده‌اند؛ از سازمان‌دهی نیرو در سوسنگرد تا سرمایه‌گذاری روی دانش موشکی و تربیت نیروهایی مانند طهرانی‌مقدم.

شاید اگر قرار باشد رهبر شهید را برای نسل آینده معرفی کنیم، بهتر باشد فقط از سخنرانی‌ها و تصاویر رسمی نگوییم. باید داستان آدم‌هایی را روایت کنیم که از یک کشور وابسته در تجهیزات نظامی، به کشوری رسیدند که توان دفاعی خود را تا حد زیادی در داخل ساختند. باید به نوجوان امروز توضیح دهیم که پشت یک موشک، فقط آهن و سوخت نیست؛ سال‌ها دانش، شکست، تجربه، شهید و تصمیم ایستاده است.

نسل آینده بیش از آنکه به یک تصویر رسمی از رهبر شهید نیاز داشته باشد، به یک روایت واقعی نیاز دارد؛ روایتی که نشان دهد «قوی شدن» از شعار شروع نمی‌شود. از پذیرفتن مسئولیت آینده شروع می‌شود. دفاع مقدس تمام شده است، اما درس آن هنوز تمام نشده: دشمن ممکن است شکلش عوض شود، جنگ ممکن است کوتاه یا طولانی شود، اما کشوری که آینده دفاعی خود را از امروز نسازد، در روز حادثه فرصت ساختنش را نخواهد داشت.

---

نقش آقای شهید در دکترین قدرت ایران اسلامی

## معمار بازدارندگی و پیشگوی استراتژیک



حسین انجدانی
پژوهشگر و آگاه مسائل اندیشه‌ای

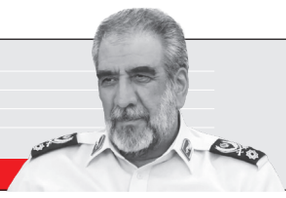
در تاریخ نظامی هر ملتی، نقطه تمایز میان «بقا» و «سقوط»، وجود شخصیتی است که بتواند میان «تلاطم میدان» و «آرامش استراتژیک»، پلی از بصیرت بزند. رهبر شهید انقلاب اعلی‌الله‌مقامه در تاریخ دفاعی ایران، تنها یک فرمانده یا عضو شورای عالی دفاع نبود؛ بلکه ایشان «معمار بازدارندگی» بود که توانست مفهوم «دفاع» را از یک واکنش انفعالی، به یک «دکترین فعال و پیش‌دستانه» تبدیل کند. نقش ایشان در افزایش توان نظامی ایران، حاصل پیوند میان «ایمان قلبی» و «عقلانیت نظامی» بود؛ رویکردی که امروز جهان، آثار آن را در معادلات قدرت منطقه می‌بیند. یکی از کلیدی‌ترین ابعاد اندیشه دفاعی سیدالشهدای انقلاب، تاکید وسواس‌گونه بر «خودکفایی نظامی» بود. در دورانی که بسیاری به تکیه بر خریدهای خارجی یا پیمان‌های نظامی دل خوش بودند، ایشان با بصیرتی ژرف دریافتند که «سلاح وارداتی، زنجیری بر پای اراده و توان ملی است.» سپردن مسئولیت‌ها به نخبگانی چون شهید طهرانی‌مقدم و حمایت بی‌دریغ از توسعه فناوری موشکی، در واقع عملیاتی کردن دکترین «قوی شدن» بود. ایشان می‌دانستند که در برابر متجاوزانی که زبانشان تنها «قدرت» است، تنها «قدرت متقارن و بازدارنده» است که می‌تواند صلح را تضمین کند. از این منظر، صنایع دفاعی ایران نه برای تهاجم، بلکه برای ایجاد «ترس عقلانی» در دل دشمن بنا شد؛ تا دشمن بداند هزینه هرگونه تجاوز، به مراتب بیشتر از سود احتمالی آن است.

اگر بخواهیم اندیشه دفاعی قائد عظیم‌الشان انقلاب را در تراز نظریات بین‌الملل تحلیل کنیم، با نوعی «رئالیسم تدافعی اخلاقی» روبه‌رو هستیم. در حالی که «رئالیسم تهاجمی» غربی، امنیت را در «سلطه و حذف رقیب» می‌بیند، دکترین رهبر شهید، امنیت را در «ایجاد تعادل قدرت و بازدارندگی» تعریف می‌کرد. ایشان بازتعریف کردند که امنیت نسبی، نه از طریق تسلیم یا مذاکره‌های توخالی، بلکه از طریق «آمادگی دائمی» به دست می‌آید. این رویکرد، تفاوت بنیادین میان «قدرت برای سلطه» و «قدرت برای صلح» است؛ قدرتی که ریشه در عدالت دارد و هدفش نه اشغال خاک، بلکه «دفع فساد» و جلوگیری از تجاوز است.

این بصیرت استراتژیک، در سه تجربه جنگی ایران (دفاع مقدس هشت ساله و دو جنگ اخیر ۱۲ و ۴۰ روزه)، به طور عینی متجلی شد. حضور موثر ایشان در شورای عالی دفاع و فرماندهی جنگ‌های نامنظم، باعث شد تا ایران اسلامی بتواند در پیچیده‌ترین لحظات، اولویت‌های دفاعی را به درستی شناسایی کند. پیش‌بینی‌های ایشان درباره شکست آمریکا و پایان عمر رژیم صهیونیستی، نه بر پایه خوش‌بینی‌های عاطفی، بلکه بر اساس «تحلیل ریشه‌ای از انحطاط اخلاقی و ساختاری دشمن» بود. وعده «سیلی زدن» به دشمن که در عملیات‌های اخیر به واقعیت تبدیل شد، در واقع تحقق یک «فرمول ریاضی استراتژیک» بود: «قدرت بازدارنده + اراده مقاوم = شکست متجاوز».

در این میان، باید به این نکته بنیادین اشاره کرد که در اندیشه رهبر شهید، قدرت نظامی هرگز از «ساحت معنویت» جدا نبود. ایشان به ما آموختند که موشک‌ها و پهپادها تنها زمانی بازدارنده هستند که توسط «انسان‌های خداترس و بصیر» هدایت شوند. در واقع، قدرت نظامی در دکترین ایشان، «پوسته» و ایمان قلبی، «مغز» بازدارندگی است. این تلاقی شگفت‌آور میان «تخصص سخت» و «معنویت عمیق» بود که باعث شد نیروهای مسلح ایران، نه به یک ماشین جنگی بی‌روح، بلکه به «سپاهی از مجاهدان در راه حق» تبدیل شود؛ نیروهایی که در عین تخصص، متواضعند و در عین مهربانی، در برابر دشمن، صخره‌ای سخت و نفوذناپذیر هستند.

افق نهایی این دکترین، رسیدن به «صلحی عادلانه» بود که نه بر پایه ترس از قدرت یک طرف، بلکه بر پایه «احترام متقابل به حق حاکمیت» استوار باشد. رهبر شهید با ایجاد بازدارندگی فعال، در واقع در حال ترویج مفهومی از صلح بود که در آن هیچ قدرتی حق استکبار و تجاوز به دیگران را نداشته باشد. ایشان به جهان ثابت کردند که بازدارندگی، نه ابزاری برای جنگ‌افروزی، بلکه تنها راه نجات ملل از دست اشتهای سیری‌ناپذیر امپریالیسم است. بنابراین، قدرت نظامی ایران در اندیشه ایشان، در حقیقت «سپر صلح جهانی» بود تا هیچ ملتی در برابر متجاوزان، بی‌دفاع نماند.



سردار محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ:
## پلیس‌های زن در مدارس دخترانه حضور می‌یابند

پنج‌شنبـه/ ۲ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۶

ازقوی شدن تا بازدارندگی در مکتب امام مجاهد شهید
# وقتی قدرت، محاسبات دشمن را تغییر می‌دهد

**شهاب الدین عالمی**
**آگاه مسائل سیاسی**

جنگ، پیش از آنکه در میدان آغاز شود، در محاسبه دشمن آغاز شده است؛ آنجا که توان تو را اندازه می گیرد و تصمیم می گیرد پیش بیاید یا عقب بنشیند. اگر ضعف ببیند، تهدید می کند و اگر قدرت ببیند، محاسبه اش تغییر می کند. شاید یکی از مهم‌ترین وجوه «قوی شدن» در منظومه فکری امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه ای (قدس الله نفسه الزکیه) را باید از همین جا فهمید: قدرت، پیش از آنکه برای جنگیدن باشد، برای آن است که جنگ و تهدید، گزینه آسان دشمن نباشد.

قوی شدن البته با انباشت سلاح آغاز و به آن ختم نمی‌شود. قدرت دفاعی ماندگار، از علم و فناوری، نیروی انسانی، سازمان، ابتکار، ایمان و حضور مردم ساخته می‌شود. ملتی که فناوری ندارد، در ساخت ابزار دفاعی وابسته می‌ماند؛ ملتی که نیروی انسانی توانمند ندارد، ابزارش را نمی‌تواند به قدرت تبدیل کند و ملتی که مردمش در صحنه نباشند، در لحظه خطر پشتوانه‌ای برای قدرت خود نخواهد داشت. از همین رو، دفاع در این نگاه صرفا حفاظت از مرزها نیست؛ ساختن توان ایستادن است.

امام شهید انقلاب اسلامی این معنا را نه از دور، که در متن دفاع مقدس تجربه کرد. حضور در شورای عالی دفاع، فرماندهی جنگ‌های نامنظم و پیگیری مستقیم وضعیت جبهه‌ها، دفاع را برای او به مسئله‌ای عینی تبدیل کرده بود؛ مسئله‌ای که در سوسنگرد با تشخیص خطر، پیگیری و بسیج ظرفیت‌ها به تصمیم و اقدام رسید. اما تجربه جنگ در همان میدان باقی نماند. خودکفایی دفاعی، توسعه صنایع نظامی و میدان دادن به نیروهای جوان و متخصصی همچون شهید حسن طهرانی‌مقدم، ادامه همان تجربه در مرحله‌ای دیگر بود؛ اگر قرار است امنیت کشور به اراده بیگانه وابسته نباشد، باید توان دفاع از خود را ساخت.

اینجاست که «قوی شدن» به یک راهبرد تبدیل می شود. قدرت موشکی، صنایع دفاعی و فناوری های راهبردی صرفا تجهیزات جنگی نیستند؛ نشانه های تبدیل وابستگی به توانایی‌اند. کشوری که بتواند نیازهای راهبردی خود را تولید کند، فقط سلاح نساخته است؛ بخشی از اختیار تصمیم‌گیری خود را حفظ کرده است. به همین دلیل، خودکفایی دفاعی را باید در امتداد استقلال فهم کرد.

بازدارندگی نیز در همین نقطه شکل می‌گیرد. بازدارندگی الزاما با شلیک سلاح محقق نمی‌شود؛ گاهی مهم‌ترین کار قدرت، شلیک نشدن آن است. وقتی دشمن بداند تعرض، هزینه‌ای واقعی دارد و پاسخ ایران قابل پیش‌بینی و قابل محاسبه برای او نیست، تصمیمش دیگر مانند گذشته نخواهد بود. «قوی شدن» در چنین منطقی، دعوت به جنگ نیست؛ راهی برای بستن راه تحمیل جنگ است. قدرت، زمانی به امنیت تبدیل می‌شود که دشمن را از محاسبه بر مبنای ضعف بازدارد. این نگاه، فهم ما از پیش‌بینی شکست دشمن را نیز تغییر می‌دهد. سخن از شکست‌پذیری دشمن، جدا از شناخت قدرت و ضعف او نیست. دشمن هرقدر مجهز باشد، شکست‌ناپذیر نیست؛ همان‌طور که هیچ ملتی محکوم به ضعف نیست. شناخت دشمن، شناخت ظرفیت‌های خودی و ساختن قدرتی که بتواند این ظرفیت‌ها را در میدان به کار بگیرد، آینده را از حالت تقدیر بیرون می‌آورد. آنچه در دفاع مقدس اول و دوم تجربه شد و در رویارویی‌های اخیر دوباره خود را نشان داد، آزمون همین منطق است: وقتی قدرت از شعار به واقعیت تبدیل شود، محاسبات دشمن هم تغییر می‌کند.

ازاین منظر، سه دوره جنگ هشت‌ساله، جنگ ۱۲ روزه و جنگ کنونی را نباید فقط کنار هم گذاشت و فهرستی از نقش‌ها و رخدادها ساخت. نقطه مشترک آنها یک مسئله است: ایران باید بتواند از خود دفاع کند، بدون آنکه برای حفظ امنیتش چشم به تصمیم دیگری بدوزد. این همان رشته‌ای است که از سوسنگرد تا صنایع دفاعی و از تجربه فرماندهی تا فناوری موشکی امتداد پیدا می‌کند.

اما این منطق اگر درست روایت نشود، در حافظه نسل آینده به چند تصویر از جبهه و چند نام از فرماندهان فروکاسته خواهد شد. آنچه باید باقی بماند، فهم چرایی این مسیر است؛ چرا خودکفایی دفاعی اهمیت داشت؟ چرا برجوانان و دانش تکیه شد؟ چرا قدرت نظامی از علم و مردم جدا نیست؟ و چرا «قوی شدن» شرط امنیت و استقلال است؟ روایت رهبر شهید باید روایت همین پیوند باشد؛ پیوند میان ایمان و عقلانیت، دانش و دفاع، مردم و قدرت.

در این نقطه، مفهوم «ایران قوی» معنای کامل تری پیدا می‌کند. ایران قوی فقط کشوری نیست که قدرت پاسخ نظامی داشته باشد؛ کشوری است که در علم، فناوری، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع نیز توان ایستادن روی پای خود را پیدا کرده و مردمش در بزنگاه های تاریخی «حاضر در صحنه» باشند. تاکید رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای برایران قوی‌تر، حضور موثر مردم، آمادگی و دفاع موثرو پشیمان‌کننده را می‌توان در امتداد همین منطق فهم کرد: قدرت دفاعی آنگاه پایدار است که پشتوانه یک ملت آماده، متحد و حاضر را داشته باشد.

پس مقصد قوی‌تر شدن فقط این نیست که دشمن نتواند حمله کند؛ مقصد آن است که هیچ قدرتی نتواند آینده ایران را به جای ایرانیان تعیین کند. ملتی که قدرت ساختن و دفاع از خود را دارد، دیگر صرفا موضوع تصمیم قدرت‌های بزرگ نیست؛ خود، بخشی از سازنده معادله است. شاید این، عمیق‌ترین معنای قدرت در مکتب رهبر شهید انقلاب اسلامی باشد: قدرت برای غلبه بر دیگران نیست؛ قدرت برای آن است که ملت ایران بتواند آینده خود را خودش بنویسد.

نقش رهبر شهید انقلاب بر افزایش توان نظامی ایران
# فرمانده دفاع از ایران

**امین نازی**
**آگاه مسائل سیاسی**

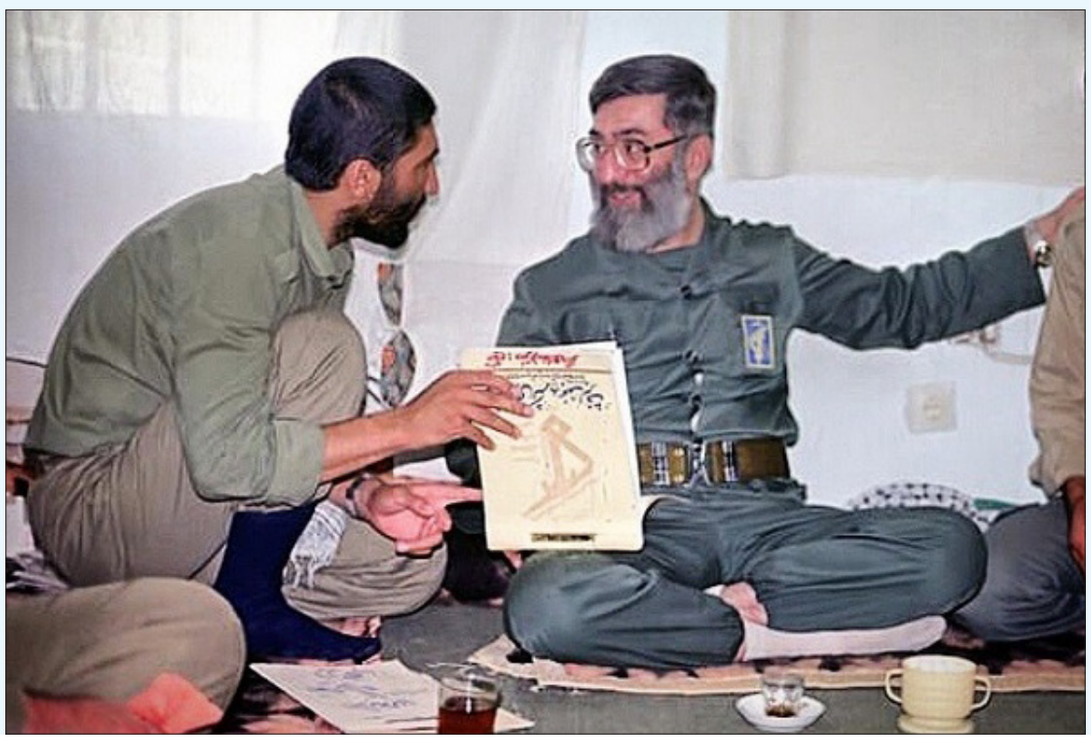
پیروزی انقلاب اسلامی پایان یک مبارزه طولانی بود، اما آغاز مرحله‌ای تازه و دشوار برای اداره کشور به شمار می‌رفت. در این مقطع، جمهوری اسلامی با چالش‌های متعددی از جمله تشکیل نهادهای جدید، بحران‌های امنیتی، اختلافات داخلی و ضرورت ساماندهی ساختارهای سیاسی و دفاعی روبه‌رو بود.

رهبر شهید انقلاب که سال‌ها در صف نخست مبارزات علیه حکومت پهلوی حضور داشت، پس از پیروزی انقلاب نیز در مسئولیت‌های مختلف سیاسی، امنیتی و فرهنگی ایفای نقش کرد و در شکل‌گیری و تثبیت نهادهای اصلی نظام جمهوری اسلامی سهم داشت. با ادغام دولت موقت و شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸، رهبر شهید انقلاب به معاونت امور انقلاب و وزارت دفاع منصوب شد و در کنار شهید مصطفی چمران به فعالیت پرداخت. همزمان، عضویت در کمیسیون امنیتی کشور نیز به ایشان واگذار شد؛ کمیسیونی که مسئول رسیدگی به بحران‌های امنیتی و نظامی در مناطقی همچون کردستان، گنبد و خوزستان بود. اندکی بعد، شورای انقلاب مسئولیت سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نیز به ایشان سپرد. در آن مقطع، سپاه هنوز در حال شکل‌گیری و با برخی اختلافات داخلی روبه‌رو بود.

رهبر شهید انقلاب در مدت مسئولیت خود تلاش کرد ضمن ایجاد هماهنگی میان نیروها، به انسجام و سازماندهی این نهاد نوپا کمک کند. پس از هجوم سراسری ارتش رژیم بعث عراق به خاک ایران و اشغال بخش هایی از آن، چند عملیات کلاسیک در دوران بنی‌صدر اجرا شد که با موفقیت همراه نبود. بعد از ریاست جمهوری آقای شهید ایران و انتصاب ایشان به عنوان رئیس شورای عالی دفاع، ظرف هشت ماه یعنی از ۲۱ مهر ۱۳۶۰ تا ۳ خرداد ۱۳۶۱، سه عملیات بزرگ و موفق طریق القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس انجام شد. یکی از علل موفقیت این عملیات در این مقطع که با هدایت شورای عالی دفاع به ریاست رهبر شهید انقلاب صورت گرفت، از بین رفتن اقدامات و مواضع اختلاف‌افکنانه بنی‌صدر در دوران قبل از آن بود.

درواقع با تحول در فرماندهی جنگ و با هماهنگی بین سپاه و ارتش و با اجرای عملیات بزرگ، مناطق اشغال شده آزاد شد. تشکیل سازمان حفاظت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران بعد از دستگیری عناصر حزب توده در ارتش در بهار ۱۳۶۲ مورد توجه قرار گرفت. لذا در مورخ اول آذر ۱۳۶۲، امام خمینی (ره) با پیشنهاد آقای شهید ایران مبنی بر تشکیل اداره حفاظت اطلاعات زیر نظر رئیس ستاد مشترک ارتش موافقت کردند. در مورخ پنج بهمن ۱۳۶۴، مسئولان سازمان حفاظت اطلاعات ارتش با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رضوان‌الله تعالی علیه) دیدار کردند و ایشان، کار سازمان حفاظت اطلاعات را مانند وظیفه دیده‌بانی توصیف کردند که یک لحظه عدم حضور او می‌تواند فرصت زدن ضربه را به دشمن بدهد. رهبر شهید انقلاب بالا بردن توان نظامی و لجستیکی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را یکی از کارهای مهم و راهبردی می‌دانست و بر همین اساس نیز از همان ابتدا انقلاب نگاه ویژه و بنیادین به افزایش توان نظامی داشتند. بعد از رحلت بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله خمینی (ره)، آقای شهید ایران که به عنوان رهبر ایران انتخاب شدند دست از ارتقای توان آفندی و پدافندی نیروهای مسلح ایران برنداشت و به عنوان فرمانده کل قوا نیز راهبری‌های نظامی و تسلیحاتی سپاه و ارتش با تمام وجود دفاع و حمایت دلسوزانه‌ای انجام دادند. جلسات متعدد و کارشناسانه با فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و امنیتی برای برطرف کردن موانع موجود در توان نظامی ایران و حمایت های بی نظیر و راهبردی برای بالا بردن عملیات‌های نظامی و اجرای رزمایش‌های ملی و بین‌المللی و به نمایش گذاشتن توان رزمی ایران در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تبدیل ایران به عنوان نیروهای مسلح قدرتمند جزو دستاوردهای حکیمانه و دوراندیشانه آقای شهید ایران است.

جنگ ۱۲ روزه و به‌ویژه جنگ ۴۰ روزه ایران با آمریکا و رژیم منحوس صهیونیستی که به شهادت رهبر عزیز ایران منجر شد، بار دیگر توان فوق‌العاده و کم نظیر عملیات‌های آفندی و پدافندی ایران اسلامی را به جهانیان نشان داد. دفاع نیروهای مسلح ایران در پی حملات آمریکایی و صهیونیستی از جنس ترکیبی و با انواع موشک های چند کلاهی و عبور از فوق پیشرفته‌ترین لایه‌های چند گانه پدافندی دشمن برگ جدیدی از توان بازدارندگی نظامی ایران را نمایان‌تر کرد. سیستم یکپارچه داخلی پدافندی کشور توانست پیشرفته‌ترین جنگنده‌های دنیا نظیر F-۳۵ و بیش از صدها پهپاد هرمس، اربیتر، MQ۹ و... را ساقط و منهدم کند. موفقیت ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون توجه خاص خداوند متعال و اهل بیت عصمت و طهارت بوده و مردم ایران نیز مرهون تلاش‌های هوشمندانه و مقتدرانه آقای شهید ایران هستند که با درایت حکمرانی نوین نظامی و دوراندیشی ایشان، نیروهای مسلح توانستند بر فوق پیشرفته‌ترین امکانات و تجهیزات دشمنان آمریکایی و صهیونیستی فائق آیند و فصل جدیدی را در سیستم فرماندهی نظامی و عملیات‌های ترکیبی آفندی و پدافندی رقم بزنند.



درباب اندیشه دفاعی رهبر شهید
# معمار قدرت ملی مقاومت

**وحید رجب‌خانی**
**آگاه مسائل سیاسی**

دفاع مقدس برای رهبر شهید حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای صرفا عرصه مقاومت نظامی نبود، بلکه میدان شکل‌گیری «اعتماد به نفس راهبردی» و تبدیل تهدید به فرصت برای تقویت ظرفیت‌های ملی بود. تداوم این نگاه در سال‌های بعد، در پیش بینی افول قدرت آمریکا و محدود شدن توان رژیم صهیونیستی و نیز در پاسخ‌های عملی ایران به اقدامات نظامی دشمن بازتاب یافت.

دفاع مقدس را نمی‌توان تنها در چارچوب یک جنگ هشت ساله میان ایران و عراق تحلیل کرد؛ این دوره، نقطه عطفی در شکل‌گیری بخشی از ادبیات راهبردی جمهوری اسلامی ایران درباره امنیت، استقلال و بازدارندگی بود. در این میان، رهبر شهید حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، که در دوران جنگ مسئولیت‌های سیاسی و نظامی متعددی بر عهده داشت، بر ضرورت اتکای کشور به ظرفیت‌های داخلی، افزایش توان دفاعی و پرهیز از وابستگی به قدرت های خارجی تاکید می کرد. این تجربه بعدها در تحلیل ایشان از مناسبات قدرت جهانی و آینده آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز انعکاس یافت.

### از سنگرهای دفاع مقدس تا میدان بازدارندگی؛ شکل‌گیری یک راهبرد

یکی از واقعیت‌های مهم دفاع مقدس، فاصله قابل توجه ایران در آغاز جنگ با بسیاری از امکانات و ظرفیت های نظامی مورد نیاز بود. در چنین شرایطی، یکی از پاسخ های راهبردی جمهوری اسلامی، حرکت به سمت خودا تکایی، سازماندهی نیروهای داخلی، تقویت صنایع دفاعی و استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها، مراکز علمی و نیروهای متخصص بود. رهبر شهید در سال های جنگ، بارها بر ضرورت تقویت بنیه دفاعی و افزایش توان کشور تاکید داشت. تجربه جنگ نشان داد که امنیت پایدار صرفا از طریق اتکا به تضمین‌های خارجی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تولید قدرت ملی است.

ازاین منظر، دفاع مقدس را می‌توان یکی از زمینه‌های شکل‌گیری مفهوم «بازدارندگی بومی» در جمهوری اسلامی دانست؛ مفهومی که بعدها در ادبیات سیاسی و امنیتی ایران گسترش یافت. نمونه عینی آن، تحول تدریجی توان دفاعی کشور در طول جنگ و پس از آن بود. مهم‌تر از دستاوردهای صرفا فنی، شکل‌گیری این باور بود که فشار خارجی الزاما به تسلیم منجر نمی‌شود و می‌تواند انگیزه‌ای برای توسعه ظرفیت‌های داخلی ایجاد کند.

این تجربه تاریخی در سال های بعد با نوعی پیش بینی راهبردی درباره آینده نظم بین‌الملل همراه شد. رهبر شهید در سخنرانی‌ها و بیانات مختلف، از افول تدریجی قدرت آمریکا، ناکارآمدی سیاست‌های مداخله‌گرایانه آن و آسیب‌پذیری ساختار قدرت اسرائیل سخن گفته است. یکی از مشهورترین نمونه‌ها، سخنرانی سال ۱۳۹۴ درباره ۲۵ سال آینده رژیم صهیونیستی است که در آن، بقای این رژیم در افق زمانی مورد اشاره، محل تردید جدی قرار گرفت. این گزاره را باید در چارچوب یک تحلیل سیاسی درباره روندهای منطقه‌ای و مقاومت فلسطینی و نه به عنوان پیش‌بینی علمی با تاریخ قطعی فهم کرد. در مورد آمریکا نیز محور استدلال ایشان بیشتر بر فرسایش تدریجی قدرت هژمونیک، افزایش هزینه‌های مداخلات خارجی و ظهور بازیگران جدید در نظام بین‌الملل استوار بوده است. از منظر نظریه روابط بین‌الملل، این تحلیل را می‌توان با بحث «گذار قدرت» و نظریه‌های مربوط به افول هژمونی مقایسه کرد؛ نظریاتی که معتقدند هیچ نظم قدرتی برای همیشه ثابت نمی‌ماند و تغییر توزیع قدرت اقتصادی، سیاسی و فناورانه می‌تواند ساختار نظام بین‌الملل را دگرگون کند. البته این مقایسه به معنای یکسان بودن مبانی نظری این دیدگاه‌ها نیست.

نمونه دیگر، تعبیر «سیلی» به آمریکا پس از حمله به پایگاه عین‌الاسد در ژانویه ۲۰۲۰ است. رهبر شهید در واکنش به حمله موشکی ایران، آن اقدام را «سیلی» به آمریکا توصیف کرد. فارغ از ارزیابی سیاسی این رخداد، اصل واقعه نشان داد که ایران تلاش کرده است تهدید به پاسخ را با اقدام عملی پیوند بزند. در سال‌های بعد نیز عملیات نظامی مستقیم ایران علیه اسرائیل، از جمله عملیات «وعده صادق» در سال ۱۴۰۳، این الگوی اعلام موضع، تهدید و سپس اقدام را برجسته‌تر کرد. درباره تعبیر «تحقق پیش‌بینی‌ها» باید میان وقوع یک رخداد و اثبات قطعی یک پیش‌بینی تفاوت گذاشت؛ زیرا تحقق کامل پیش بینی‌های راهبردی تنها با گذشت زمان و بررسی مجموعه‌ای از شاخص‌ها قابل سنجش است.

ازاین منظر، اهمیت تجربه دفاع مقدس در پیوند میان «تصویر آینده» و «ظرفیت‌سازی» نهفته است. اگر پیش بینی راهبردی بدون تولید قدرت باشد، به گزاره‌ای سیاسی محدود می‌شود؛ اما هنگامی که با تقویت ظرفیت‌های اقتصادی، فناورانه، دفاعی و دیپلماتیک همراه شود، می‌تواند به بخشی از راهبرد ملی تبدیل شود.

### بهره سخن

دفاع مقدس را می‌توان یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری نگرش راهبردی رهبر شهید دانست؛ نگرشی که بر خودا تکایی، افزایش قدرت ملی، مقاومت در برابر فشار خارجی و توجه به تحولات بلند مدت نظام بین‌الملل تاکید دارد. از این منظر، سخنان بعدی ایشان درباره افول آمریکا، آینده رژیم صهیونیستی و ضرورت پاسخ به اقدامات نظامی دشمن، ادامه همان تجربه تاریخی است. با این حال، تحلیل علمی این پیش بینی‌ها مستلزم تفکیک میان «گزاره سیاسی»، «برآورد راهبردی» و «پیش بینی قابل آزمون» است. اهمیت میراث دفاع مقدس نیز دقیقا در همین نقطه قرار دارد؛ تبدیل تجربه تهدید به ظرفیت و تبدیل اعتماد به نفس سیاسی به قدرت ملی.



وقتی ایمان با عقلانیت پیوند می‌خورد
# قدرت دفاعی

**شادی ورشوچی**
**دکتری کلام اسلامی**

دفاع مقدس را نمی‌توان فقط در قاب خاطرات جبهه ها و عملیات های نظامی دید. یکی از مهم‌ترین میراث‌های آن دوران، شکل‌گیری نوعی «عقلانیت دفاعی» در جمهوری اسلامی ایران بود؛ عقلانیتی که تلاش کرد ایمان و قدرت، معنویت و تدبیر و توکل و آمادگی را جمع کند.

از منظر اعتقادات اسلامی، اصل نخست در مواجهه با تهدید، حفظ حیات و دفع ظلم است. قرآن کریم در توصیف فلسفه دفاع می‌فرماید: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ» (حج: ۴۰). بنابراین، دفاع صرفا یک مسئله نظامی نیست؛ بلکه در سطحی عمیق‌تر، با صیانت از انسان، جامعه، امنیت و امکان زیست دینی پیوند دارد.

در چنین چارچوبی، سخن از «قوی شدن» را نباید صرفا به افزایش تجهیزات یا توسعه ظرفیت‌های نظامی تقلیل داد. قدرت دفاعی هنگامی پایدار است که پشتوانه علمی، فناورانه، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی داشته باشد. تجربه دفاع مقدس نیز نشان داد که وابستگی در حوزه های حساس، می‌تواند امنیت ملی را آسیب‌پذیر کند. از همین رو، حرکت به سوی توانمندی بومی در حوزه دفاعی، در ادبیات جمهوری اسلامی به‌تدریج به یکی از مولفه‌های مهم سیاست بازدارندگی تبدیل شد. در این میان، نقش امام شهیدمان سیدعلی خامنه‌ای در سال‌های دفاع مقدس را می‌توان از زاویه «پیوند میدان و راهبرد» بررسی کرد. ایشان در دوران جنگ ایران و عراق، هم در شورای عالی دفاع حضور داشت و هم در مقاطعی در عرصه عملیاتی جنگ‌های نامنظم فعالیت کرد. این تجربه، برای یک مسئول سیاسی درگیر جنگ، صرفا تجربه‌ای شخصی نبود؛ بلکه امکان مواجهه نزدیک با واقعیت‌های میدان، محدودیت‌های تجهیزات، اهمیت ابتکار و ضرورت سازماندهی نیروها را فراهم می‌کرد.

اما اهمیت این تجربه زمانی آشکارتر می‌شود که آن را در امتداد سال‌های بعد مطالعه کنیم. تاکید مکرر بر افزایش توان دفاعی و کاهش وابستگی خارجی، در واقع تلاشی برای تبدیل تجربه جنگ به یک الگوی پایدار سیاست دفاعی بود. از این منظر، «قدرت» در اندیشه دفاعی جمهوری اسلامی صرفا برای استفاده در جنگ تعریف نمی‌شود؛ بلکه قرار است با ایجاد هزینه برای مهاجم، اساسا احتمال جنگ را کاهش دهد. این همان نقطه‌ای است که مفهوم «بازدارندگی» وارد بحث می‌شود.

بازدارندگی، در ساده‌ترین تعریف، یعنی ایجاد شرایطی که طرف مقابل بداند اقدام خصمانه، هزینه‌ای جدی در پی خواهد داشت. این مفهوم در نظریه های روابط بین‌الملل نیز جایگاه مهمی دارد؛ اما تفاوت اساسی در مبانی توجیه‌کننده قدرت است. در قرائت اسلامی، قدرت دفاعی در صورتی مشروعیت می‌یابد که در خدمت دفع تجاوز و حمایت از امنیت و مصالح عمومی باشد، نه اینکه خود به ابزاری برای سلطه‌جویی تبدیل شود.

از همین رو، می‌توان میان «قدرت برای دفاع» و «قدرت برای توسعه‌طلبی» تمایز گذاشت. این تمایز از منظر کلامی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا یکی از پرسش های همیشگی درباره نسبت دین و قدرت آن است که آیا قدرت با اخلاق دینی سازگار است؟ پاسخ را می‌توان در تمایز میان «قدرت هدف» و «قدرت ابزار» جست‌وجو کرد. در منطق دینی، قدرت فی‌نفسه غایت نیست؛ ابزار تحقق خیر عمومی و جلوگیری از ظلم است. بنابراین، قدرتی که امکان دفاع از جامعه را فراهم می‌کند، با قدرتی که برای تحمیل اراده بر دیگران به کار می‌رود، از نظر اخلاقی و کلامی یکسان نیست.

ازاین منظر، تجربه دفاع مقدس و تحولات پس از آن را می‌توان یک آزمایش تاریخی برای این گزاره دانست؛ جامعه‌ای که می‌خواهد مستقل بماند، باید از «توان دفاع از خود» برخوردار باشد. البته این گزاره به معنای نادیده گرفتن هزینه‌های انسانی و اجتماعی جنگ نیست. برعکس، عقلانیت دفاعی زمانی معنا پیدا می‌کند که هدف آن جلوگیری از تکرار جنگ و کاهش آسیب به جامعه باشد.

شاید یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که باید برای نسل آینده روایت شود، همین نکته باشد: دفاع، پیش از آنکه هنر جنگیدن باشد، هنر جلوگیری از جنگ است. جامعه‌ای که هیچ توان دفاعی ندارد، اگر صلح طلب هم باشد، الزاما در موقعیت امنی قرار ندارد. در مقابل، قدرتی که با عقلانیت، اخلاق و مسئولیت همراه شود، می‌تواند به جای آنکه جنگ را آغاز کند، هزینه تجاوز را چنان افزایش دهد که جنگ برای مهاجم نیز انتخابی پرهزینه باشد.

ازاین زاویه، بازخوانی نقش امام شهید و تصمیم‌گیران دوران دفاع مقدس نباید به قهرمان‌سازی یا روایت‌های احساسی محدود شود. نسل جدید بیش از هر چیز به تحلیل نیاز دارد؛ اینکه چگونه یک کشور درگیر جنگ، تجربه‌های تلخ خود را به دانش، سازمان، فناوری و بازدارندگی تبدیل کرد و چگونه مفهوم قدرت در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی با مفاهیمی چون استقلال، دفاع، مقاومت و مسئولیت اخلاقی پیوند خورد. باید به این نکته مهم پی ببریم، «قوی شدن» از منظر اعتقادات اسلامی، صرفا برخورداری از قدرت بیشتر نیست؛ بلکه توانایی صیانت از حق، جلوگیری از ظلم و حفظ کرامت جامعه است. قدرت هنگامی ارزشمند است که در خدمت انسان قرار گیرد و هنگامی مشروعیت اخلاقی خود را از دست می‌دهد که انسان را وسیله تحقق خود کند. این تمایز، کلید فهم درست میراث دفاع مقدس برای نسل امروز است: ایمان بدون تدبیر، کافی نیست و قدرت بدون اخلاق نیز خطرناک است؛ آنچه امنیت پایدار می‌سازد، پیوند ایمان، عقلانیت و توان دفاعی است.



بختیاری، رئیس کمیته امداد:

## بیش از یک میلیون دانش‌آموز، تحت پوشش کمیته امداد است

پنج‌شنبه/ ۲ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۶

بازخوانی دکترین دفاعی امامین انقلاب در ترازوی نظریات بین‌الملل

# از رئالیسم تا توحید



علیرضا احمدی قره زاغ
آگاه مسائل سیاسی

پرسش از سازوکار «بقا در نظام فاقد مرجع مرکزی و داور بالادستی» (نظام آنارژیک)، نظریه‌پردازان را به دو بن‌بست بنیادین «واقع‌گرایی تهاجمی» و «معمای امنیت» کشانده است. منطق «واقع‌گرایی تهاجمی» بقا را تنها در گرو تهاجم پیش‌دستانه، توسعه‌طلبی بی‌مهار و تبدیل شدن به قدرت مسلط هژمونیک می‌داند؛ رویکردی که نتیجه محتوم آن تجاوزگری و بی‌ثباتی فراگیر است و منطق «معمای امنیت» در واقع‌گرایی تدافعی که در آن هر گام دفاعی یک واحد سیاسی، از سوی رقیب به عنوان تهدید تفسیر شده و به مسابقه تسلیحاتی فرساینده و ناپایدار می‌انجامد.

تجربه زیسته هشت سال دفاع مقدس و سیره عینی امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) از حضور در خطوط مقدم و ستاد جنگ‌های نامنظم در کنار شهید چمران و عضویت در شورای عالی دفاع، تا سال‌ها راهبری صنایع خودکفایی، نشان داد که جمهوری اسلامی توانسته است با عبور از این دوگانه بن بست، الگویی نوین از «عقلانیت راهبردی متکی به وحی» را پی‌ریزی کند.

دکترین دفاعی امامین انقلاب گذار از «بیشینه‌خواهی تهاجمی» به «واقع‌گرایی تدافعی مقید به اخلاق» است. امامین انقلاب در عین پذیرش اصل «واقع‌بینی در برابر تهدیدات واقعی جهان»، با توسعه‌طلبی نظامی و هژمونی‌خواهی مرزبندی بنیادین دارد و آن را با دو ضابطه فقهی و قرآنی بازتعریف کرده است: ضابطه اول تطبیق اصل اعدا با دکترین بازدارندگی و مهار جنگ است؛ بر مبنای آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ ... تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال/۶۰)، راهبرد نظامی اسلام بر پایه انباشت تجهیزات برای تهاجم و توسعه ارضی استوار نیست؛ بلکه غایت این آمادگی، صرفا «ترهیب» به معنای بازدارندگی، برهم زدن خطای محاسباتی دشمن و جلوگیری از وقوع جنگ است. بر این مبنا، موضع آغازین نظام اسلامی طبق نص «وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال/۶۱)، صلح و ثبات عادلانه است. این اصل قرآنی مرز فارق جمهوری اسلامی با تجاوزگری قدرت‌های سلطه‌گر است.

ضابطه دوم مهار ساختاری ابزار خشونت با قاعده لاضرر و نفی عدوان است؛ برخلاف نظریات قدرت غربی که هیچ حد ذاتی برای ابزار کشتار قائل نبوده و تسلیحات کشتار جمعی را ابزار نهایی موازنه قدرت می‌دانند، نوآوری اجتهادی رهبر انقلاب در تحریم مطلق فقهی ساخت، انباشت و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، تجلی برتری احکام الهی بر جبر مادی است. این حکم برآمده از قواعد محکم فقهی نظیر نفی مثله، منع اتلاف نفوس بی‌گناه و آیه شریفه «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰) است؛ امری که نشان می‌دهد دکترین دفاعی ایران اسیر تکنولوژی کور و بی‌مهار نیست.

### بازتعریف «امنیت درون‌زا» و دکترین موازنه نامتقارن

بزرگ‌ترین آسیب در نظریات امنیتی مرسوم، تجویز «موازنه‌سازی خارجی» به معنای ائتلاف با ابرقدرت‌ها یا خرید چتر امنیتی استیجاری است؛ الگویی که کشورهای منطقه را به مصرف‌کنندگان وابسته و آسیب‌پذیر صنایع نظامی مبدل ساخته است. در مقابل، نوآوری راهبردی رهبری شهید، مفهوم بازدارندگی را بر دو پایه کاربردی مستقر ساخت؛ پایه اول؛ پیوند قاعده «نفی سبیل» با نهضت جهاد خودکفایی است؛ طبق قاعده فقهی «وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱)، ایجاد هرگونه انقیاد و وابستگی ساختاری به بیگانگان نامشروع است. وابستگی تسلیحاتی، مستقیم‌ترین راه تحمیل اراده دشمن بر ارکان کشور است؛ چنانکه زمینگیر شدن ارتش‌های وارادات محور در بزنگاه‌ها مشهود بوده است. تاکید مستمر رهبر انقلاب از دوران دفاع مقدس بر تشکیل نهضت قطعه‌سازی و جهاد خودکفایی در نیروی هوایی، صنایع موشکی و پهپادی، امنیت را از یک «کالای وارداتی شکننده» به یک «سرمایه درون‌زا و پایدار» بدل کرد که هیچ تحریمی قادر به تعطیلی آن نیست.

پایه دوم؛ دکترین موازنه نامتقارن یعنی؛ تولید هزینه حداکثری در برابر سود حداقلی است؛ نظریات بین‌الملل قدرت را صرفا در مقیاس‌های متقارن مانند؛ تعداد ناو، رزم‌ناو و بودجه نظامی می‌سنجند. تدبیر دفاعی رهبری با نگاه به آیه شریفه «إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» (آل عمران/۱۶۰)، راهبرد جنگ نامتقارن را به صحنه آورد؛ یعنی تمرکز بر فناوری‌های بومی کم هزینه اما نقطه‌زن و فلج‌کننده همچون دقت بالای موشکی و پهپادهای تهاجمی. این شیوه، معادله هزینه-فایده ائتلاف‌های پیشرفته نظامی را دچار فروپاشی کرد و سبب شد پیش‌بینی‌های رهبری مبنی بر ناکامی سناریوهای دشمن نظیر شکست طرح‌های اشغالگری و محاصره ایران در عمل محقق شود.

بنا بر این می‌توان گفت؛ نظریه دفاعی امامین انقلاب، یک «الگوی بومی واقع‌گرایی اخلاق محور» است. این مکتب توانسته است از یک سو از وادی خوش‌خیالی‌های آرمان‌گرایانه دور بماند و با دستیابی به توان نقطه‌زن، هزینه هرگونه تعرض را برای دشمن غیرقابل جبران سازد و از سوی دیگر با ابتنا بر نفی سبیل، بازدارندگی ترهیبی و تحریم تسلیحات غیرانسانی، بن‌بست اخلاقی و فرسایشی، نظریات امنیتی غرب را خنثی کند. این منطق اجتهادی، مهم‌ترین دستاورد هشت سال دفاع مقدس و جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه است که امروز ضامن قطعی امنیت، استقلال و پیشرفت ایران اسلامی و شکست قطعی و به زانو درآمدن دشمن به شمار می‌رود.



از سوسنگرد تا ستاد جنگ‌های نامنظم

# تصویر واقعی؛ در برابر روایت تحریف‌شده

فاطمه آزاد
آگاه مسائل فرهنگی

هر شخصیت تاریخی دو بار روایت می‌شود؛ یک بار در میدان و بار دیگر در فضای رسانه. روایت نخست به سند و شاهد تکیه دارد و روایت دوم به شتاب و تکرار. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای(ره)، بنا بر منابع رسمی ایران و منابع بین‌المللی، در ۹ اسفند ۱۴۰۴ در حملات گسترده آمریکا و اسرائیل به تهران به شهادت رسیدند. برای شناخت نقش ایشان در قدرت دفاعی ایران، باید سراغ اسناد رفت.

### ایستادن در برابر دشمن متجاوز

شهریور ۱۳۵۹ سوسنگرد اشغال شد. شهید آیت‌الله خامنه‌ای (ره) در آن روزها نماینده امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع بود. بنا بر روایت‌های منتشرشده، هنگام تصمیم به آزادسازی شهر، هماهنگی یگان‌ها به تاخیر افتاد و ایشان در نامه‌ای به فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز بر ورود به موقع نیرو تاکید کردند. این نشان می‌دهد نقش ایشان تنها نظارتی و تشریفاتی نبود، بلکه در لحظه‌های حساس، با تصمیم‌گیری و پیگیری میدانی، بسیار تاثیرگذار بودند.

در روزهای نخست جنگ، ارتش در حال بازسازی توان خود بود و نیروهای مردمی خودجوش به منطقه می‌آمدند. شهید آیت‌الله خامنه‌ای (ره) در کنار شهید مصطفی چمران ستاد جنگ‌های نامنظم را راه‌اندازی کردند تا از پیشروی دشمن کاسته و از مدافعان خرمشهر و آبادان پشتیبانی بیشتری شود. به روایت محافظان ایشان، هر هفته پس از نماز جمعه تهران راهی جبهه می‌شدند. در تیر ۱۳۶۰ نیز در یک ترور آسیب جدی دیدند و دست راست‌شان دچار آسیب دائمی شد.

### خودکفایی؛ میراثی که در تحریم و جنگ دوام آورد

تجربه هشت سال دفاع مقدس، با محدودیت‌هایی که ایران در تامین سلاح و تجهیزات داشت، یک نتیجه روشن داشت؛ امنیت را نمی‌توان به دیگران سپرد. تاکید مکرر رهبر شهید ایران بر تولید داخلی تجهیزات دفاعی، توسعه توان موشکی و پهپادی و بازدارندگی، برهمین قاعده استوار است. این قاعده در جهان هم بی‌سابقه نیست؛ کشورهایی چون هند، ترکیه و کره جنوبی نیز سال‌هاست «خودکفایی راهبردی» را سیاست اصلی دفاعی خود قرار داده‌اند. تفاوت ایران این است که این قاعده را زیر فشار تحریم و در سایه جنگ در سیاست دفاعی خود حفظ کرده است.

شهید آیت‌الله خامنه‌ای (ره) بارها تکرار می‌کردند که فشار و تهدید خارجی ایران را نابود نمی‌کند و مخالفان جمهوری اسلامی ایران با اشتباهات راهبردی خودشان تضعیف می‌شوند. در سال ۱۳۹۴ نیز گفتند رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید. اینها دیدگاه‌ها و پیش‌بینی‌های ایشان بود؛ قضاوت درباره آنها با گذر زمان و بررسی مستقل، ممکن خواهد بود.

### در جنگ روایت‌ها، سند بهترین پشتوانه است

پرسش اصلی از همین جا آغاز می‌شود: وقتی هر طرف روایت پیروزی خود را دارد و در یک شبانه روز هزاران خبر، تصویر و شایعه در شبکه‌های اجتماعی دست به‌دست می‌شود، تصویر یک شخصیت تاریخی هم در همان میدان شکل می‌گیرد. چگونه می‌توان تصویر واقعی را به نسلی رساند که بیش از کتاب تاریخ، صفحه گوشی‌اش را ورق می‌زند؟

**۱. نامه را روی صفحه بیاوریم:** نامه سوسنگرد ظرفیت یک ویدیوی ۶۰ ثانیه‌ای را دارد؛ دست‌خط، تاریخ، نقشه شهر و یک پرسش ساده برای مخاطب؛ چه کسی در آن روز تصمیم گرفت، چه کسی پیگیری کرد و چه شد؟ مخاطب امروز شعار را رد یا قبول می‌کند، اما سند را می‌بیند و خودش قضاوت می‌کند.

**۲. شاهد را جلوی دوربین بنشانیم:** مصاحبه با کسانی که هر هفته، پس از نماز جمعه تهران، همراه رهبر شهید راهی اهواز می‌شدند، پادکست پنج دقیقه‌ای خوبی می‌سازد. جاده، ستاد، بازدید از خط مقدم و بازگشت به تهران برای جمعه بعد، همه جزئیاتی‌اند که هیچ شبهه‌ای نمی‌تواند نادیده‌شان بگیرد. می‌توان یک خط زمانی تصویری هم ساخت: ۱۳۵۹، اهواز و سوسنگرد؛ ۱۳۶۰، ترور و آسیب دست راست؛ ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸، ریاست جمهوری در سال‌های جنگ.

**۳. شبهه را با سند پاسخ دهیم:** در برابر یک شبهه یا روایت تحریف‌شده، نه سکوت پاسخ می‌دهد و نه فریاد؛ بهترین راه این است که ادعا و سند را کنار هم بگذاریم؛ ادعا چیست، مدرک چه می‌گوید و منبعش کجاست. این قالب هم برای مخاطب ساده است و هم هرکسی می‌تواند خودش منبع را بررسی کند. اگر حرفی بخشی از حقیقت را داشت، پذیرفتن آن را هم نباید از دست داد، چون صداقت در یک بخش، اعتماد مخاطب به بقیه روایت را بیشتر می‌کند.

مردی که هفته ها میان تهران و اهواز رفت و آمد می کرد، در ستاد جنگ های نامنظم کنار چمران ایستاد و سال ها بعد بر خودکفایی دفاعی پافشاری کرد، سزاوار روایتی است که نه بزرگ نمایی کند و نه فراموشش کند. روایت او را نمی‌توان به دست تحریف سپرد؛ باید سند به سند، خاطره به خاطره و تصویر به تصویر، به نسل بعد رساند تا خودشان ببینند و خودشان داوری کنند.

بازخوانی نقش دفاعی رهبر شهید

# معماری ادراک نسل فردا و بازنمایی چهره مدافع حقیقی ایران

فاطمه شبانی آرانی
آگاه مسائل سیاسی

در عصر منازعات شناختی و امواج پردامنه تبلیغاتی، صحنه‌های نبرد از فضاهای فیزیکی به قلمرو ادراکی جامعه، به ویژه نسل نو منتقل شده است. این نسل در معرض هجمه سنگینی از انگاره سازی‌های وارونه قرار دارد، فضایی که در آن امپراتوری‌های رسانه‌ای می‌کوشند سرمایه‌های نمادین و اسطوره‌های پایداری ملی را تحریف کنند یا پیوند عمیق تصمیم‌های دفاعی با منافع ملی را مبهم جلوه دهند.

در این میان، بازخوانی و بازنمایی چهره رهبر شهید در بستر دفاع مقدس و منطق دفاعی کشور، اقدامی حیاتی در سنگر تبیین اندیشه‌ای برای تثبیت هویت ملی فردا است. مسئله اساسی این است که چگونه می‌توان چهره حقیقی شخصیتی را که همواره مدافع بی بدیل ایران و تمامیت ارضی آن در دشوارترین بزنگاه‌ها بوده است، فارغ از شعارزدگی و غبار تحریف، به درستی به نسل‌های آینده نشان داد.

### گذر از کلیشه‌ها با سند و مختصات تاریخی

نخستین و محوری‌ترین راهکار، بازگشت شجاعانه به مستندات عینی و دوری از توصیف‌های کلیشه‌ای است. ذهن پرسشگر نسل جدید با تجلیل‌های انتزاعی اقناع نمی‌شود، بلکه تشنه سند، مختصات تاریخی و ماجراهای واقعی میدان است. باید تاریخ را از دل وقایع تلخ و شیرین آغاز جنگ بازگو کرد؛ از روزهایی که ایشان به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع، شخصا لباس جهاد پوشید و همراه شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم اهواز، مانع سقوط حتمی خوزستان شد.

نسل تازه باید بداند فرمان شکستن حصر سوسنگرد با دست خط قاطع و پیگیری بی وقفه شبانه روزی ایشان در آبان ۱۳۵۹ صادر شد، یا اینکه نخستین هسته جهاد خودکفایی نیروی هوایی برای بازسازی جنگنده‌ها و نهضت قطعه‌سازی، با حمایت مستقیم ایشان در برابر کارشکنی‌های بنی‌صدر جوانه زد. انتشار اسناد، صورت جلسه‌های علنی شده از دوران دفاع مقدس، دست نوشته‌های عملیاتی و ثبت بی واسطه خاطرات رزمندگان و پیشکسوتان گمنام از حضور میدانی ایشان در خطوط مقدم، تصویری واقعی از یک مدیر میدانی، میهن‌دوست و شجاع می‌سازد که هیچ بیگانه‌ای توان انکار آن را ندارد.

### نوسازی زبان روایت و پیوند با هنر مدرن

دومین راهبرد، نوسازی قالب‌های انتقال روایت و همنشین کردن محتوا با هنر مدرن است. متون خشک اداری و سخنرانی‌های کلیشه‌ای، جاذبه‌ای برای نسل دیجیتال ندارند؛ نسلی که در معرض هجوم بی‌وقفه روایت‌های موازی قرار دارد و کلام رسمی را برنمی‌تابد، بلکه تشنه زبان تصویر، گفت‌وگوی صریح و اقناع ذهنی است.

برای نمایش عقلانیت راهبردی ایشان، باید به سمت خرده‌روایت‌های جذاب و روایت‌های مستند رویداد محور رفت. اعتماد بی‌نظیر ایشان به جوان ۲۵ ساله‌ای چون حسن طهرانی مقدم برای راه‌اندازی توپخانه سپاه و سپس بنیان‌گذاری صنعت موشکی از هیچ، حاوی برترین ظرفیت‌های حماسی و هویت ساز ملی است. اگر پادکست‌های پژوهشی، رمان‌های مستند و پویانمایی‌های خوش‌ساخت بسازیم، این حقیقت آشکار می‌شود که توان بازدارندگی امروز، میراث یک عقلانیت درون‌زا و متکی به اراده جوانان ایرانی با هدایت و راهبری مستقیم ایشان بوده است.

### پاسخ عقلانی به شبهات با منطق بازدارندگی

سومین گام، پاسخگویی فعال، عقلانی و مستند به شبهات ذهنی است. ماشین رسانه‌ای دشمن همواره تلاش می‌کند پیشرفت‌های موشکی و صنایع دفاعی را مغایر با رفاه عمومی، پرهزینه و ماجراجویانه بازنمایی کند. تبیین اندیشه‌ای ایجاب می‌کند با زبان علم و منطق بین‌الملل، نشان دهیم که راهبرد قوی شدن بر پایه یک رئالیسم تدافعی اخلاقی استوار بوده است.

نسلی که تلخی موشکباران دزفول و تهران و ویرانی خرمشهر را در دفاع هشت ساله ندیده، با دیدن نقشه منطقه‌ای ناامن درمی یابد که اگر دست بسته بودیم، دشمن لحظه‌ای در تکه تکه کردن ایران درنگ نمی‌کرد. بازخوانی این واقعیت که قدرت دفاعی سپر بقای این سرزمین است، مهم‌ترین عامل خنثی‌کننده سناریوهای جنگ شناختی خواهد بود.

نسل امروز باید پیوند توان موشکی را با پیش‌بینی‌های راهبردی رهبر انقلاب ببیند. بیانات مکرر ایشان درباره خطای محاسباتی دشمن و قطعیت شکست جبهه استکبار، پیشگویی خیالی نبود؛ بلکه تحلیلی عینی از افول دشمن بر پایه موازنه بازدارندگی به شمار می‌رفت. تحقق عینی این پیش‌بینی‌ها در میدان، بهترین گواه بر صدق این عقلانیت دفاعی است.

فرجام سخن آنکه پاسداری از میراث معنوی و راهبردی دفاع مقدس بدون طراحی هوشمندانه نقشه ادراکی برای آیندگان ممکن نیست. اگر پژوهشگران، هنرمندان و اهالی قلم میدان روایت را با شجاعت و بیان نو تصاحب نکنند، جریان رقیب جای ارزش‌ها را دگرگون خواهد کرد. ارائه تصویر واقعی از این شخصیت تاریخی، در گرو نشان دادن آمیختگی دین داری با وطن‌دوستی، عقلانیت راهبردی با شجاعت میدانی و اتکای تام به حقیقت است. این تبیین صریح و مستند، ضامن بقای حافظه تاریخی و خودباوری نسل جوان و ملتی خواهد بود که بقای خویش را مدیون خادمان و مدافعان راستین خویش است.

**نسل امروز باید پیوند توان موشکی را با پیش‌بینی‌های راهبردی رهبر انقلاب ببیند. بیانات مکرر ایشان درباره خطای محاسباتی دشمن و قطعیت شکست جبهه استکبار، پیشگویی خیالی نبود؛ بلکه تحلیلی عینی از افول دشمن بر پایه موازنه بازدارندگی به شمار می‌رفت**

از تجربه دفاع مقدس تا بازدارندگی

# رهبر شهید و منطق قوی شدن

سیده رباب سیدکاظمی
آگاه مسائل سیاسی

دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین تجربه‌های جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری نگاه جدید به قدرت دفاعی کشور به شمار می‌آید. جنگ در شرایطی آغاز شد که نیروهای مسلح با محدودیت در تامین تجهیزات، قطعات و پشتیبانی فنی مواجه بودند و بخشی از توان نظامی کشور به تجهیزات و پشتیبانی خارجی وابستگی داشت. این شرایط، اهمیت برخورداری از ظرفیت‌های داخلی و توانایی حفظ و توسعه تجهیزات دفاعی بدون اتکای تعیین‌کننده به خارج را آشکار کرد. با این حال، توجه به خودکفایی دفاعی را نمی‌توان تنها به دوران جنگ نسبت داد. چند ماه پیش از آغاز جنگ تحمیلی، در مرداد ۱۳۵۸، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در یک گفت‌وگوی مطبوعاتی بر ضرورت برخورداری کشور از قدرت نظامی و دفاعی تاکید کرد. اهمیت این موضع در تقدم زمانی آن است؛ در آن مقطع هنوز جنگ آغاز نشده و ابعاد بسیاری از تهدیدهای امنیتی آینده نیز آشکار نشده بود. از این منظر، تقویت بنیه دفاعی را می‌توان بخشی از نگاه اولیه ایشان به ضرورت استقلال و توانمندی دفاعی کشور دانست.

دوران دفاع مقدس این نگاه را با واقعیت‌های میدان پیوند زد. آیت‌الله خامنه‌ای در آن دوره، از یک سو به عنوان نماینده امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع و از سوی دیگر با حضور در جبهه‌ها، با مسائل عملیاتی و نیازهای نیروهای مسلح ارتباط مستقیم داشت. حضور در جبهه‌های جنوب و همکاری با شهید مصطفی چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم، بخشی از این تجربه را شکل داد. در چنین شرایطی، مسئله خودکفایی از سطح یک ضرورت کلی فراتر رفت و به نیازهایی عینی مانند تعمیر و بازسازی تجهیزات، تامین قطعات و استفاده از توان تخصصی نیروهای داخلی پیوند خورد.

در ارتش، شکل‌گیری «جهاد خودکفایی» یکی از نمونه‌های مهم این روند محسوب می‌شود. روندی که در صبحگاه مشترک هشتم فروردین ۱۳۶۲ در منطقه یکم دریایی بندرعباس با ایراد سخنانی توسط آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در ارتش ج.ا.ا به عنوان سرآغاز حرکت جدی خودکفایی در ارتش جمهوری اسلامی اعلام شد. حرکتی که بعدها نیز در بیانات متعدد دیگری توسط ایشان، این تجربه را نمونه‌ای از شکل‌گیری روحیه استقلال، خودباوری و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی در نیروهای مسلح دانستند. در کنار ارتش، سپاه پاسداران نیز در جریان جنگ با مسئله تامین تجهیزات و تبدیل نیازهای عملیاتی به ظرفیت تولید داخلی مواجه شد. گزارش‌های منتشرشده درباره تجربه واحدهای ادوات و ضدزره سپاه نشان می‌دهد که محدودیت دسترسی به تجهیزات، ارتباط میان رزمندگان، بخش‌های فنی و صنایع را تقویت کرد و در مواردی به تولید تجهیزاتی مانند خمپاره‌اندازها و برخی تجهیزات ضدزره انجامید. این تجربه بعدها در قالب سازمان‌های تحقیقاتی و جهاد خودکفایی سپاه ادامه پیدا کرد.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که این مسیر در آن به شکل ملموس‌تری ادامه یافت، توسعه توان موشکی کشور بود. تجربه جنگ و محدودیت دسترسی به تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز، اهمیت برخورداری از توان داخلی در حوزه موشکی را آشکار کرد و در سال‌های پس از جنگ، تلاش نیروهای نظامی و مجموعه‌های تحقیقاتی و صنعتی به توسعه تدریجی این ظرفیت انجامید.



سپاه پاسداران در این روند نقش برجسته‌ای در توسعه توان موشکی ایفا کرد و این توان در کنار ظرفیت‌های دفاعی ارتش و سایر بخش‌های صنعت دفاعی کشور گسترش یافت. به این ترتیب، خودکفایی دفاعی از تعمیر و تامین قطعات و تولید تجهیزات مورد نیاز در دوران جنگ فراتر رفت و به حوزه‌های پیچیده‌تری مانند طراحی، تولید و توسعه سامانه‌های موشکی رسید؛ حوزه‌ای که بعدها به یکی از مولفه‌های مهم توان بازدارندگی دفاعی کشور تبدیل شد.

این تجربه تاریخی، زمینه فهم بهتر تاکیدهای بعدی آیت‌الله خامنه‌ای بر مفهوم «قوی شدن» را فراهم می‌کند. ایشان در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش در ۱۹ بهمن ۱۳۹۸، تقویت توان دفاعی را با هدف حفظ امنیت و جلوگیری از تهدید مرتبط کردند و گفتند: «برای آنکه جنگ نشود و برای آنکه تهدید تمام شود، باید قوی شد.» در همان سخنان، بر این نکته نیز تاکید کردند که ضعف می‌تواند دشمن را به اقدام تشویق کند و نیروهای مسلح باید برای تقویت بنیه دفاعی و استفاده از ظرفیت‌ها و استعدادهای داخلی تلاش کنند.

در ادبیات مطالعات بازدارندگی نیز میان افزایش توان دفاعی و جلوگیری از اقدام نظامی طرف مقابل ارتباط برقرار می‌شود. در مفهوم «بازدارندگی از طریق ممانعت»، هدف اصلی آن است که توان دفاعی کشور، احتمال موفقیت مهاجم در دستیابی به اهداف خود را کاهش دهد. بنابراین، بازدارندگی تنها به اعلام آمادگی نظامی وابسته نیست؛ توانایی‌های واقعی دفاعی و برداشت طرف مقابل از میزان کارآمدی آنها نیز در محاسبات بازدارندگی اهمیت دارد.

از این منظر، قوی شدن را می‌توان در امتداد تجربه‌ای تاریخی فهم کرد که پیش از جنگ آغاز شد، در میدان دفاع مقدس ابعاد عملی پیدا کرد و در سال‌های بعد به توسعه ظرفیت‌های علمی، فنی و نظامی انجامید. در این روند، خودکفایی دفاعی یکی از ابزارهای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش امکان تصمیم‌گیری مستقل در حوزه دفاعی محسوب می‌شود. حاصل این مسیر را می‌توان در پیوند میان چهار عنصر دید: شناخت آسیب‌پذیری‌ها، تقویت ظرفیت‌های داخلی، افزایش توان دفاعی و ایجاد بازدارندگی از طریق کاهش احتمال موفقیت تجاوز.



می‌دری، وزیر کار:
## با جداسازی دانش‌آموزان عادی از استثنایی، مخالفیم

پنج‌شنبه/ ۲ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۶

سه رهبر، یک نقشه راه برای «ایران قوی»
# انسان‌سازی و مسئله قدرت ملی

**دکتر مرتضی امیری نژاد**
**استاد دانشگاه و کارشناس مسائل سیاسی**

«ایران قوی» صرفا با انباشت تجهیزات نظامی، افزایش شاخص‌های اقتصادی یا توسعه فناوری ساخته نمی‌شود. قدرت پایدار، پیش از آنکه در ابزارها و زیرساخت‌ها متجلی شود، در «انسان» شکل می‌گیرد، انسانی که توان ایستادگی، مسئولیت‌پذیری، ابتکار، فداکاری و حل مسئله در شرایط دشوار را داشته باشد. از این منظر، می‌توان مسیر شکل‌گیری ایران قوی را در یک زنجیره سه مرحله‌ای تحلیل کرد: انسان‌سازی، قدرت‌سازی و روایت‌سازی؛ سه مرحله‌ای که از یکدیگر جدا نیستند و هرکدام مقدمه مرحله بعدی‌اند:

### ۱. انسان‌سازی؛ نقطه آغاز قدرت ملی

نخستین حلقه این زنجیره، انسان‌سازی است. یکی از مهم‌ترین میراث امام خمینی (ره)، ایجاد منظومه‌ای تربیتی بود که در آن انسان از فردیت محدود خود عبور می‌کرد و نسبت خویش را با مردم، کشور، آرمان و مسئولیت اجتماعی تعریف می‌کرد. شخصیت‌هایی مانند شهیدان مهدی باکری، حسین خرازی و قاسم سلیمانی را می‌توان نمونه‌هایی از این الگوی تربیتی دانست، فرماندهانی که ویژگی‌هایی همچون شجاعت، اخلاص، مسئولیت‌پذیری، ابتکار و مدیریت میدان را در کنار یکدیگر جمع کردند. تداوم این مسیر در نسل‌های بعدی نیز در شکل‌گیری بخشی از ظرفیت دفاعی و بازدارندگی کشور نمود یافت. بنابراین، اگر «ایران قوی» هدف باشد، «انسان قوی» نقطه آغاز آن است. کشوری که سرمایه انسانی توانمند، مسئول و خلاق داشته باشد، در مواجهه با بحران‌ها صرفا واکنش نشان نمی‌دهد؛ بلکه می‌تواند تهدیدها را مدیریت، فرصت‌ها را شناسایی و مسیر آینده را طراحی کند.

### ۲. قدرت‌سازی؛ تبدیل سرمایه انسانی به اقتدار ملی

مرحله دوم، تبدیل انسان توانمند به قدرت سازمان‌یافته است. قدرت زمانی معنا پیدا می‌کند که ظرفیت‌های انسانی در قالب نهادها، فناوری، اقتصاد، نیروهای دفاعی، دیپلماسی، علم و شبکه‌های همکاری به اثرگذاری واقعی تبدیل شوند. در این چارچوب، رهبری شهید را می‌توان در پیوند دادن توان دفاعی ایران با مفهوم بازدارندگی و شکل‌گیری شبکه‌های منطقه‌ای مقاومت بررسی کرد. در این نگاه، امنیت صرفا به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود و قدرت نیز تنها به تعداد تجهیزات نظامی وابسته نیست، بلکه مجموعه‌ای از ظرفیت‌های به هم پیوسته است که می‌توانند هزینه تهدید را افزایش داده و امکان تحمیل اراده دیگران بر کشور را کاهش دهند. ایران قوی زمانی شکل می‌گیرد که قدرت نظامی، اقتصاد، علم و فناوری، دیپلماسی، سرمایه اجتماعی و انسجام ملی در یک منظومه هماهنگ قرار گیرند. در واقع، قدرت ملی زمانی به اقتدار راهبردی تبدیل می‌شود که بتواند از ظرفیت‌های پراکنده، «اثر مشترک» و پایدار ایجاد کند.

### ۳. روایت‌سازی؛ تبدیل قدرت مادی به قدرت ادراکی

اما قدرتی که درست روایت نشود، ممکن است در میدان ادراک عمومی دیده نشود. جهان امروز علاوه بر میدان نظامی و اقتصادی، میدان رقابت روایت‌هاست. رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و جریان‌های اطلاعاتی می‌توانند برداشت جامعه از واقعیت را شکل دهند. از این منظر، تاکید رهبر انقلاب بر روایت قوت و قدرت ایران، یک مسئله صرفا رسانه‌ای نیست، بلکه بخشی از معادله قدرت ملی است. روایت ایران قوی البته به معنای پنهان کردن ضعف‌ها، مشکلات یا ناکارآمدی‌ها نیست. روایت معتبر باید بتواند همزمان مسئله و ظرفیت حل مسئله را نشان دهد، هم ضعف را ببیند و هم توان اصلاح و غلبه بر آن را تبیین کند. در چنین شرایطی، رسانه از یک ابزار انتقال خبر فراتر می‌رود و به بخشی از زنجیره قدرت تبدیل می‌شود. خبرنگار، تحلیلگر، دانشگاهی، فعال اجتماعی و کاربر شبکه‌های اجتماعی، هرکدام می‌توانند در شکل‌دهی به تصویر واقعی و مستند از کشور نقش داشته باشند.

### جمع‌بندی راهبردی؛ از ساختن قدرت تا ساختن تصویر قدرت

نقشه راه ایران قوی را می‌توان در یک زنجیره روشن خلاصه کرد:

**انسان‌سازی← قدرت‌سازی← روایت‌سازی**

انسان‌سازی، سرمایه انسانی می‌سازد، قدرت‌سازی، این سرمایه را به توان و قدرت ملی تبدیل می‌کند و روایت‌سازی، واقعیت این توان را در میدان افکار عمومی و محاسبات رقبا قابل مشاهده می‌سازد. اگر انسان تربیت شود اما قدرت سازمان‌یافته شکل نگیرد، ظرفیت‌ها پراکنده می‌مانند. اگر قدرت ساخته شود اما روایت آن به دیگران واگذار شود، امکان شکل‌گیری تصویری ناقص از توان و ظرفیت کشور وجود دارد و اگر روایت قدرت از واقعیت فاصله بگیرد، اعتماد عمومی آسیب می‌بیند.

بنابراین ماموریت امروز تنها ساختن ایران قوی نیست، بلکه باید ایران قوی را واقع‌بینانه، مستند، هوشمندانه و اقناع‌کننده روایت کرد. قدرت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که انسان توانمند، ظرفیت سازمان‌یافته و روایت معتبر در کنار یکدیگر قرار گیرند؛ سه ضلع یک هندسه واحد که می‌توان آن را نقشه راه عبور از «ظرفیت» به «اقتدار» و از «اقتدار» به «اثرگذاری» دانست.



خوانشی از منطق دفاعی «رهبر شهید»
# از ستاد اهواز تا هندسه جدید قدرت

**مصطفی یزدان پناه**
**کارشناس و پژوهشگر مذهبی**

وقتی از «دفاع مقدس» سخن می‌گوییم، اغلب حافظه جمعی ما به سمت خطوط مقدم، سنگرها و تصاویر جان‌فشانی رزمندگان می‌رود. اما جنگ‌ها فقط در میدان نبرد فتح یا واگذار نمی‌شوند؛ جنگ‌ها پیش از هر چیز در قلمرو «منطق دفاعی»، «تجهیز» و «اراده استراتژیک» رقم می‌خورند. در تاریخ معاصر ایران، اگر بخواهیم نقطه پیوند عقلانیت نظامی، خودباوری ملی و افق‌نگری استراتژیک را پیدا کنیم، باید به نقش شهید آیت‌الله خامنه‌ای در دوران دفاع مقدس و پس از آن بازگردیم؛ نقشی که نه از پشت میزهای عافیت، بلکه از دل خاکریزهای اهواز و ستاد جنگ‌های نامنظم آغاز شد و تا ساخت دژ تسخیرناپذیر دفاعی کشور ادامه یافت.

### از ستاد جنگ‌های نامنظم تا شورای عالی دفاع: حضور در متن حادثه

حضور ایشان در روزهای نخست جنگ در جبهه‌های جنوب و همراهی با شهید چمران در شکل‌دهی به «ستاد جنگ‌های نامنظم»، صرفا یک اقدام روحیه‌بخش نبود. این حضور عینی، پیام مهمی برای مدیریت جنگ داشت: شکستن بروکراسی عریض و طویل نظامی و پیوند دادن انضباط ارتش با شور و انعطاف‌پذیری نیروهای مردمی.

در روزهایی که کشور با تحریم همه‌جانبه تسلیحاتی روبه‌رو بود و بنی‌صدر منطق «زمین بدهیم تا زمان بخریم» را ترویج می‌کرد، حضور نماینده امام در شورای عالی دفاع، نماینده جریانی بود که منطق مقاومت فعال را جایگزین انفعال ساختاری کرد. همان نگاه حضوری و فهم مستقیم از نیازهای خط مقدم بود که بعدها پایه تصمیمات بزرگ‌تری در ساختار دفاعی ایران شد.

### خودکفایی تسلیحاتی؛ بذرپاشی در اوج تحریم

ارزش یک استراتژیست در ظرف زمان سنجیده می‌شود. در سال‌های ۶۰ تا ۶۷، زمانی که ایران حتی در تامین سیم خاردار با درهای بسته کشورهای غربی و شرقی مواجه می‌شد، ایده «جهاد خودکفایی» در نیروهای مسلح کلید خورد. پشتیبانی و هدایت مستقیم ایشان از جهاد خودکفایی ارتش و سپاه در همان سال‌های ناامیدی، بذری بود که امروز درخت تناور صنعت موشکی و پهپادی ایران را به بار آورده است.

اگر با عینک نظریات روابط بین‌الملل به ویژه مکتب «واقع‌گرایی ساختاری» (Structural Realism) به این مسیر نگاه کنیم، امنیت ملی در یک جهان خودکمک (Self-Help) تنها با اتکا به مولفه‌های بومی قدرت پایدار می‌ماند. پیش‌بینی ایشان از تحولات آینده نشان داد که وابستگی تسلیحاتی، امنیت یک ملت را به گروگان تصمیمات قدرت‌های بیرونی می‌برد. خودکفایی نظامی ایران، نه یک رویکرد تهاجمی، بلکه یک «بازدارندگی فعال» برای سلب طمع متجاوز بود.

### خطای محاسباتی دشمن و پیش‌بینی شکست

یکی از شاخص‌های برجسته رهبری استراتژیک، توانایی خوانش درست از «توان خودی» و «ضعف ساختاری دشمن» است. پیش‌بینی شکست تحرکات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دشمنان طی سه دهه گذشته، متکی بر یک تحلیل دقیق از موازنه قوا بود. صدام و حامیان غربی‌اش در محاسبات خود، ظرفیت هویت ملی و عقیدتی ایران را به حساب نیاورده بودند. در محاسبات ریاضی و تکنوکراتیک جنگ، ایران با حجم تحریم‌ها و عدم توازن تجهیزاتی باید شکست می‌خورد؛ اما آنچه معادلات را تغییر داد، فرمول «مقاومت مردم‌پایه» و «تولید قدرت از درون» بود. همان سریالی از خطاهای محاسباتی که غربی‌ها در صدام دیدند، بعدها در ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه ایران نیز تکرار شد و پیش‌بینی شکست دشمن، متکی بر همین دست‌کم گرفتن مولفه‌های پنهان قدرت ایران بود.

### ارائه تصویر واقعی به نسل فردا: عبور از کلیشه‌ها

برای انتقال این واقعیت تاریخی به نسل جدید، نسلی که جنگ را ندیده و در معرض بمباران روایتی و شبهه‌افکنی رسانه‌های بیگانه قرار دارد، نمی‌توان با شعارهای کلیشه‌ای و ادبیات سفارشی پیش رفت. نسل امروز تشنه «روایت عینی»، «سند» و «عقلانیت» است. برای ترسیم چهره واقعی ایشان به عنوان «مدافع حقیقی ایران»، سه راهکار عملیاتی ضروری است:

**۱. روایت عینی و مستند:** باید پرونده‌های کمتر دیده شده از نامه‌نگاری‌ها، جلسات شورای عالی دفاع، نقش ایشان در تجهیز نیروها و هدایت عملیات‌های کلیدی بدون دستکاری و با زبانی مدرن منتشر شود. وقتی جوان امروزی ببیند فرمانده نظامی با بالگرد به قلب محاصره سوسنگرد رفته تا خط شکن باشد، واقعیت را بی‌واسطه درک می‌کند.

**۲. پاسخ ساختارمند به تحریف‌ها:** رسانه‌های معاند می‌کوشند توان دفاعی را عاملی برای انزوای کشور نشان دهند. پاسخ مستند و تحلیلی با ارجاع به وضعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه نشان می‌دهد که بدون توان بازدارندگی بومی، امنیت زیرساخت‌ها، اقتصاد و آرامش شهروندان، نخستین قربانی تجاوز خواهد بود.

**۳. زبان هنر و روایتگری نو:** ابزارهایی مانند مستندهای پرتره با استانداردهای جهانی، روایت‌های صوتی (پادکست‌های تاریخی)، و بازآفرینی هنری صحنه‌های تصمیم‌گیری استراتژیک، بسیار کارآتر از یادداشت‌های رسمی اداری است.

تاریخ نشان داده است کشورهایی که امنیت خود را اجاره کرده‌اند، در بزنگاه‌های تاریخی فروریخته‌اند. آنچه رهبر شهید در طول دوران دفاع مقدس و پس از آن بنا نهاد، تبدیل ایران از یک «مصرف‌کننده امنیت» به یک «تولیدکننده بازدارندگی» بود. یادآوری این مسیر در هفته دفاع مقدس، صرفا تجلیل از گذشته نیست؛ بلکه بازخوانی نقشه راهی است که ایران را در پرتلاطم‌ترین منطقه جهان، استوار و سرپا نگه داشته است.

سهم پنهان خانواده در هندسه بازدارندگی
# سنگر خاموش

**دکتر نصیبه سادات حسینی**
**پژوهشگر و مدرس دانشگاه**

در ادبیات مسلط روابط بین‌الملل، «قدرت بازدارندگی» مفهومی منحصرا سخت‌افزارانه، فنی و محصور در پادگان‌ها، سیلوهای موشکی و سامانه‌های راداری پنداشته می‌شود. در این دستگاه محاسباتی تک ساحتی، نهاد خانواده و به ویژه زنان صرفا در حاشیه پیامدهای نبرد و در هیئت «قربانیان منفعل جنگ» بازنمایی می‌شوند؛ تصویری که هدف غایی آن تحمیل هراس، فرسایش اراده اجتماعی و توجیه تسلیم‌پذیری است. با این حال، بازخوانی منظومه دفاعی رهبر شهید انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که بازدارندگی در نگاه ایشان، متغیری تک بعدی نیست، بلکه ریشه در یک عقلانیت عمیق توحیدی دارد که در آن دیواره‌های دفاعی مرز با عمق روانی و معنایی کانون خانواده پیوندی ساختاری برقرار می‌سازد. از این منظر، دکترین «قوی شدن» و تحقق پیش‌بینی‌های تاریخی مبنی بر شکست قطعی دشمنان، حاصل هم‌افزایی همزمان بازدارندگی تسلیحاتی با انگیزه، ایمان و ثبات درون جامعه است.

اگرچه راه‌اندازی صنایع دفاعی بومی، پایه‌ریزی توان موشکی و سپردن این بار سترگ به نخبگانی مومن، شالوده مادی اقتدار ایران را استوار ساخت، اما سلاح به خودی خود واجد فاعلیت نهایی در میدان نبرد نیست. تجربه تاریخی هشت سال دفاع مقدس و منازعات بعدی اثبات کرد که حتی پیشرفته‌ترین فناوری‌های دفاعی، بدون «انسان مؤمن، صبور و فداکار» کارایی نخواهند داشت. چنین انسانی در هیچ سازوکار اداری و پادگانی تولید نمی‌شود؛ خاستگاه تکوین این اراده، محیط خانواده و دامان تربیتی است که استقلال خواهی، حریت و شجاعت اخلاقی را به مثابه یک ارزش بنیادین نهادینه می‌سازد. از همین روست که صنایع دفاعی و سامانه‌های نقطه‌زن، تجسم کالبدی همان روحیه‌ای هستند که نخست در افق زیست خانوادگی تنفس کرده و جامعه را به سطحی از آگاهی رسانده که در مواجهه با خطرات سهمگین، تن به تحقیر و سازش ندهد. در حقیقت، توان سخت‌افزاری کشور بر شالوده نرم‌افزار تربیتی خانواده استوار شده است.

سیر تحول تهدیدات در دهه‌های اخیر، به ویژه در جنگ‌های متراکم و برق‌آسای منطقه‌ای نظیر نبردهای ۱۲ روزه و ۴۰ روزه و تقابل‌های موشکی اخیر، بیانگر تغییری راهبردی در الگوهای تخاصم است. دشمن مستکبر با ادراک ناتوانی در اشغال فیزیکی سرزمین و مواجهه مستقیم با سد بازدارندگی موشکی، ثقل عملیاتی خود را به «جنگ شناختی و فرسایش روانی جامعه» منتقل کرده است. در این الگوی نوین، بمباران تبلیغاتی و شایعه‌پراکنی رسانه‌ای با هدف ایجاد اضطراب فلج‌کننده و بحران مشروعیت، مستقیما کانون آرامش خانه را نشانه می‌رود تا عقبه مردمی نیروهای مسلح را متزلزل سازد. در چنین آورده‌گاه حساسی، زن در مقام مدار عاطفی خانه نقشی پیش‌برنده و خط‌شکن ایفا می‌کند. اوست که با درک بصیرت‌مندانه از میدان، امواج ترس غریزی را مهار کرده و آن را به وقار، طمأنینه و استقامت عقلانی در میان فرزندان و همسر بدل می‌سازد. زن در مقام مدیر امنیت روانی خانه، سنگر نخست پدافند غیرعامل در برابر جنگ شناختی است؛ چرا که فروریختن آرامش ادراکی خانواده، پیشرفته‌ترین ابزارهای رزمی را در جبهه‌ها ناکارآمد خواهد ساخت.

از سوی دیگر، بازخوانی این مکتب دفاعی در تراز نظریات کلان امنیت، وجوه تمایز آن را با رئالیسم تهاجمی نظام سلطه آشکار می‌کند. اگر در منطق استکباری، توسعه نظامی ابزاری برای هژمونی، ویران‌سازی زیست‌بوم ملت‌ها و تسلط بر منابع است، در منظومه فکری رهبر شهید این اقتدار مصداق «رئالیسم تدافعی اخلاقی» است. موشک‌های دقیق و صنایع پدافندی ایران پیش از آنکه متوجه میدان‌های نبرد باشند، دیواره مستحکم حراست از حریم امن خانه و صیانت از آرامش خانواده ایرانی در برابر تعدی متجاوزان به شمار می‌روند. این دکترین، سلاح را در خدمت کرامت انسانی و تثبیت صلح عادلانه قرار می‌دهد تا تجربه تلخ ناامنی‌های گذشته هرگز برای نسل‌های فردا تکرار نشود.

بدین ترتیب، سنت شکست‌ناپذیری جبهه حق و تحقق وعده‌های صادق رهبری در عقب راندن استکبار، بر پایه ریزی دو لایه دفاعی جدایی‌ناپذیر شکل گرفته است؛ بازدارندگی قاطع سخت در پیشانی مرزها و بازدارندگی نرم اخلاقی و ایمانی در بستر خانواده. اولی وظیفه دور ساختن سایه تهدید از آسمان میهن را بر دوش دارد و دومی با بازتولید روحیه ایثار و خلق سکینه در طوفان‌های سهمگین، سرمایه انسانی و اراده پایدار این اقتدار را تضمین می‌کند. هنر بی‌بدیل رهبر شهید، پیوند زدن این دو ساحت بود؛ رویکردی ژرف که نشان داد امنیت یک تمدن تنها با سرانگشتان رزمندگان ساخته نمی‌شود، بلکه ریشه در صبوری، عقلانیت و فضیلت مادران و خانواده‌هایی دارد که نبض ایستادگی و امید به پیروزی را همواره زنده نگه می‌دارند.

راهبرد رهبر شهید انقلاب در ساخت قدرت دفاعی ایران
# از مدیریت میدان تا راهبرد

**مونا عادلی نیک**
**آگاه مسائل اندیشه**

دفاع مقدس، فقط یک جنگ هشت‌ساله نبود؛ کارگاهی بود که در آن بنیان‌های قدرت دفاعی ایران اسلامی شکل گرفت. در این میان، نقش رهبر شهید انقلاب از همان روزهای نخست، نه در حاشیه تصمیم‌ها، بلکه در متن مدیریت بحران و ترسیم راهبرد بلندمدت دفاعی قرار داشت. این نوشتار می‌کوشد تنها بر یک موضوع تمرکز کند؛ نقش ایشان در افزایش توان دفاعی و خودکفایی نظامی؛ موضوعی که امروز به یکی از ستون‌های اصلی بازدارندگی ایران تبدیل شده است.

### مدیریت میدان و راهبرد

در روزهای آغازین جنگ، وقتی بخش‌هایی از خاک کشور در اشغال دشمن بود و ساختار دفاعی نوپای انقلاب هنوز انسجام کامل نداشت، رهبر انقلاب به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع حضور یافت. این حضور، تشریفاتی نبود. ایشان همراه شهید چمران، ستاد جنگ‌های نامنظم را راه‌اندازی کرد؛ ستادی که با اقدامات سریع و غیرکلاسیک، پیشروی دشمن را در جبهه‌های حساس متوقف کرد. یکی از نقاط عطف این دوره، محاصره سوسنگرد بود. وقتی بنی‌صدر اجازه حمله نمی‌داد، ایشان با نوشتن نامه به فرمانده لشکر ۹۲ و تماس با بیت امام، دستور حمله را صادر کرد و سوسنگرد از محاصره نجات یافت. این نمونه، نشان می‌دهد که رهبر انقلاب در دفاع مقدس، هم در سطح راهبردی تصمیم می‌گرفت و هم در سطح میدانی پیگیری می‌کرد.

### «نه» به وابستگی؛ «آری» به خودکفایی

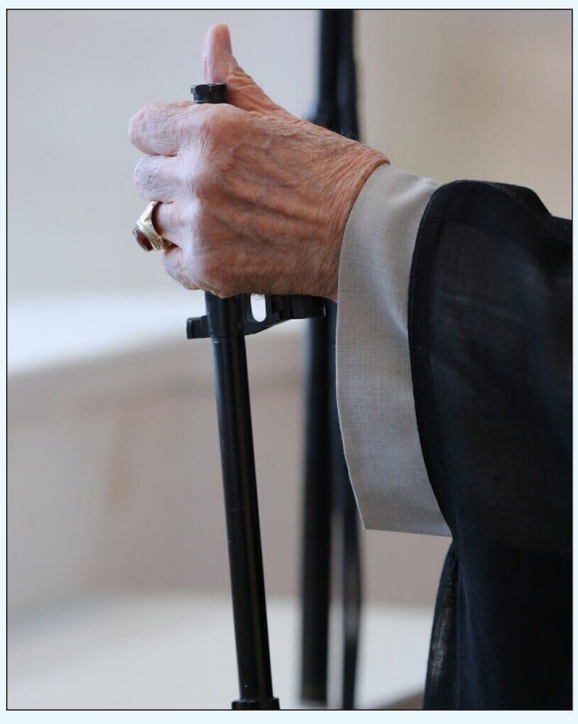
اما مهم‌ترین دستاورد راهبردی ایشان، تغییر مسیر صنعت دفاعی کشور از وابستگی به خودکفایی بود. در شرایطی که بسیاری از مسئولان، با توجه به فشار تحریم‌ها و نیاز فوری جبهه‌ها، خرید تسلیحات آماده از کشورهای خارجی را راه حل می‌دیدند، رهبر انقلاب با درکی عمیق از تله‌های استراتژیک وابستگی، مسیر دیگری را توصیه کرد: «خودتان بسازید.» این جمله کوتاه، به یک دکترین تبدیل شد. حمایت ایشان از چهره‌هایی چون شهید حسن طهرانی‌مقدم، زمینه‌ساز شکل‌گیری صنعت موشکی بومی شد؛ صنعتی که امروز از موشک‌های نقطه‌زن دقیق تا پهپادهای راهبردی را در اختیار نیروهای مسلح قرار داده است. سردار سنایی‌راد در این باره می‌گوید: «اصرار ایشان بر تولید داخل به جای خرید خارجی، امروز صنعت موشکی و پهپادی ایران را به جایگاه بالایی رسانده است.» این راهبرد، فقط یک صنعت نبود؛ یک فرهنگ بود: فرهنگ عدم وابستگی و اتکا به توان داخلی.

### دکترین «قوی شدن» و بازدارندگی واقعی

رهبر انقلاب بارها بر یک اصل قرآنی تاکید کرده‌اند: «وَأَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّة». این تاکید، ریشه در یک منطق راهبردی دارد: «باید قوی شویم تا اساسا نیازی به جنگ نداشته باشیم و در صورت تحمیل هرگونه نبرد، بازدارندگی لازم را داشته باشیم.» این همان دکترین «قوی شدن» است. از منظر نظری، این اندیشه را می‌توان با «رئالیسم تدافعی اخلاقی» مقایسه کرد؛ رویکردی که بر افزایش امنیت نسبی و کاهش احتمال وقوع جنگ تمرکز دارد، نه بر قدرت نسبی و کاهش احتمال شکست در جنگ. پژوهش‌های دانشگاهی نشان می‌دهد اندیشه دفاعی رهبر انقلاب «غالبا مبتنی بر افزایش امنیت نسبی و نه قدرت نسبی است؛ که به شکلی واقع‌گرایانه بازتعریف و بر مبنای ملاحظات اخلاقی (اسلامی) صورت‌بندی شده است.» تمایز اصلی این نظریه با رئالیسم تهاجمی، همین توجه به ملاحظات اخلاقی و انقلابی است.

### از خودکفایی تا پیش‌بینی شکست دشمن

ثمره این راهبرد، امروز در میدان‌های نبرد و در پیش‌بینی‌های محقق شده نمایان است. وعده «سیلی زدن» به دشمن، در عملیات‌های «وعده صادق» به منصه ظهور رسید. پیش‌بینی افول آمریکا و فروپاشی رژیم صهیونیستی نیز در پیام‌های رسمی و بیانات رهبر انقلاب بارها تکرار شده است. در پیام ایشان به امت اسلامی، به صراحت به «سخن قاطع و آینده‌نگر ۱۰ سال قبل رهبر عظیم‌الشان شهید» اشاره شده که «رژیم متزلزل صهیونی و غده سرطانی اسرائیل به مراحل پایانی عمر منحوس خود نزدیک شده و ۲۵ سال بعد از آن تاریخ را نخواهد دید.» تحولات پس از طوفان الاقصی و افزایش انزوای جهانی رژیم صهیونیستی، نشان می‌دهد این پیش‌بینی‌ها در مسیر تحقق قرار گرفته است. رهبر انقلاب، از مدیریت میدانی در سوسنگرد تا ترسیم دکترین «قوی شدن» و از حمایت از نابغه‌هایی چون شهید طهرانی‌مقدم تا پیش‌بینی شکست ابرقدرت‌ها، همواره در میدان دفاع از ایران اسلامی حاضر بوده است. بازخوانی این میراث، وظیفه‌ای راهبردی برای نسل امروز و آینده است؛ نسلی که باید بداند قدرت دفاعی ایران، محصول یک انتخاب آگاهانه و یک راهبرد بلندمدت است، نه یک اتفاق.





سردار حسن‌زاده، فرمانده سپاه تهران بزرگ:

## رزمایش ۴۰ هزار موتورسوار «جان‌فدای ایران» در تهران برگزار می‌شود

دکترین دفاعی جمهوری اسلامی از زاویه‌ای متفاوت

# راهبرد ملی دفاع موثر

**نفیسه محمدی**
**آگاه مسائل اندیشه**

اگر دفاع را صرفا واکنش به حمله و جلوگیری از پیشروی دشمن بدانیم، بخش مهمی از تجربه جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدهای نظامی توضیح‌ناپذیر می‌ماند. دفاع می‌تواند از دفع ضربه فراتر برود و به راهبردی برای گرفتن ابتکار عمل، افزایش هزینه تجاوز و تغییر محاسبات مهاجم تبدیل شود. بر این اساس، توسعه توان موشکی، تقویت ظرفیت‌های اطلاعاتی و فناورانه، ایجاد عمق راهبردی و حتی پاسخ به منشأ تهدید، لزوما خروج از منطق دفاعی نیست؛ اگر هدف آن دفع تهدید، بازگرداندن امنیت و جلوگیری از تکرار تجاوز باشد. تفاوت میان دفاع منفعل و دفاع فعال در همین نقطه آشکار می‌شود. دفاع منفعل عمدتا پس از رسیدن تهدید واکنش نشان می‌دهد؛ اما دفاع فعال با آمادگی پیشینی و ابتکار در میدان می‌کوشد شرایطی ایجاد کند که مهاجم نتواند اهداف خود را با هزینه‌ای قابل قبول دنبال کند. بنابراین، پرسش دفاع فعال فقط این نیست که «چگونه ضربه دشمن را دفع کنیم؟»؛ پرسش مهم‌تر آن است که «چگونه شرایطی ایجاد کنیم که دشمن نتواند با اطمینان از موفقیت، دست به حمله بزند؟»

تجربه ایران در سه جنگ تحمیلی را می‌توان از همین منظر بازخوانی کرد. در جنگ هشت ساله، دفاع از سرزمین به تدریج به گرفتن ابتکار عمل انجامید؛ در جنگ ۱۲ روزه، حفظ امکان پاسخ در برابر تهدیدی چندلایه و فناورانه اهمیت یافت و در جنگ ۴۰ روزه، استمرار قدرت، ترمیم ظرفیت‌های آسیب‌دیده و جلوگیری از فرسایش برجسته‌تر شد. بنابراین، پیوند این سه تجربه را باید در تحول مفهوم دفاع جست‌وجو کرد؛ دفاع از تحمل ضربه فاصله گرفت و به توانایی اثرگذاری بر محاسبات دشمن نزدیک شد.

در جنگ هشت‌ساله، مسئله نخست حفظ تمامیت ارضی و متوقف کردن پیشروی دشمن بود. اما ماندن در وضعیت واکنشی نمی‌توانست امنیت پایدار ایجاد کند. با سازماندهی نیروها، افزایش توان عملیاتی و شناخت بهتر از ظرفیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های دشمن، وضعیت تغییر کرد. عملیات‌های ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس نشان دادند که دفاع می‌تواند از وضعیت انتظار خارج شود و ابتکار عمل را در میدان به دست گیرد. آزادسازی خرمشهر نماد روشن این تغییر بود. عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو نیز نشان داد که مدافع می‌تواند با انتخاب میدان مناسب، دشمن را وادار به واکنش کند.

از این منظر، اقدام تهاجمی را نمی‌توان صرفا براساس ظاهر آن، خارج از منطق دفاعی دانست؛ هدف، زمینه و کارکرد اقدام تعیین می‌کند که یک عملیات در خدمت تجاوز قرار دارد یا دفاع. دفاع موثر فقط توان تحمل ضربه نیست؛ توان انتقال هزینه به مهاجم نیز هست. مدافعی که صرفا آسیب را تحمل می‌کند، اگر نتواند هزینه ادامه تجاوز را افزایش دهد، همچنان در موقعیت انفعالی باقی می‌ماند. دفاع فعال از جایی آغاز می‌شود که مدافع بتواند رابطه هزینه و فایده جنگ را برای مهاجم تغییر دهد.

جنگ ۱۲ روزه همین منطق را در محیطی متفاوت آشکار کرد. تهدید در اینجا با مولفه‌های نظامی، اطلاعاتی و فناورانه درهم تنیده بود و دفاع نمی‌توانست فقط به حفاظت از مرزها یا مقابله با حمله در نقطه اصابت محدود بماند. حفظ توان موشکی، استمرار فرماندهی و کنترل، بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده و امکان پاسخ متقابل، بخشی از توان دفاعی شد. تفاوت مهم با جنگ هشت‌ساله در این بود که اگر آنجا مسئله اصلی گرفتن ابتکار عمل بود، در اینجا حفظ امکان ابتکار عمل پس از ضربه نخست اهمیت یافت. مهاجم باید بداند که ضربه نخست، پایان قدرت پاسخ طرف مقابل نیست.

در جنگ ۴۰ روزه، مسئله یک مرحله دیگر پیش می‌رود. هنگامی که جنگ طولانی‌تر و چندلایه می‌شود، مسئله فقط وارد کردن ضربه یا حفظ توان پاسخ نیست؛ مسئله، دوام آوردن بدون از دست دادن قدرت اثرگذاری است. ترمیم ظرفیت‌های آسیب‌دیده، حفظ زیرساخت‌های حیاتی، استمرار تصمیم‌گیری و جلوگیری از فرسایش توان و اراده مقاومت، خود به مولفه‌های دفاع تبدیل می‌شوند.

از این منظر، سه تجربه را می‌توان در یک زنجیره تحلیلی خلاصه کرد: در جنگ هشت ساله، گرفتن ابتکار عمل؛ در جنگ ۱۲ روزه، حفظ امکان پاسخ و در جنگ ۴۰ روزه، حفظ قدرت اثرگذاری در برابر فرسایش. این تحول، مفهوم بازدارندگی را نیز روشن می‌کند. بازدارندگی زمانی شکل می‌گیرد که دشمن پیش از اقدام، هزینه‌ها و پیامدهای آن را محاسبه کند و به این نتیجه برسد که دستیابی به هدف، ارزش هزینه‌ای را که باید بپردازد، ندارد. بنابراین، قدرت دفاعی فقط برای روز جنگ نیست؛ بخش مهمی از کارکرد آن به پیش از جنگ و محاسبات مهاجم مربوط است.

با این حال، بازدارندگی پایدار فقط با قدرت نظامی شکل نمی‌گیرد. اقتصاد، علم و فناوری، اطلاعات، دیپلماسی و انسجام اجتماعی نیز در توان دفاعی نقش دارند. اقتصادی که توان تحمل فشار نداشته باشد یا جامعه‌ای که در بحران گرفتار فرسایش اعتماد شود، دامنه انتخاب‌های کشور را محدود می‌کند. قدرت ملی زمانی به بازدارندگی تبدیل می‌شود که اجزای آن یکدیگر را پشتیبانی کنند و کشور بتواند تهدید را شناسایی، ضربه را تحمل، ظرفیت‌های آسیب‌دیده را ترمیم و امکان پاسخ را حفظ کند. از همین‌رو، «از دفاع تا تهاجم» به معنای عبور از دفاع به جنگ‌افروزی نیست؛ مسئله، عبور از دفاع منفعل به دفاع فعال است؛ از انتظار برای رسیدن ضربه به آمادگی پیشینی، از صرفا متوقف کردن حمله به تغییر محاسبات مهاجم و از واکنش مقطعی به ایجاد قدرتی که بتواند تهدید را پیش از تبدیل شدن به جنگ مهار کند.

هدف نهایی چنین راهبردی جنگ نیست؛ کاهش احتمال تحمیل جنگ است. دفاع موثر زمانی به یک راهبرد ملی تبدیل می‌شود که با آمادگی، ابتکار، توان پاسخ، قدرت ترمیم و انسجام ملی، تصمیم دشمن برای تجاوز را دشوار کند. در این معنا، قدرت نه مقدمه جنگ بلکه یکی از ابزارهای جلوگیری از آن است؛ زیرا بهترین دفاع، دفاعی نیست که صرفا پس از آغاز جنگ دوام بیاورد؛ دفاعی است که هزینه و عدم قطعیت جنگ را پیش از آغاز آن وارد محاسبه مهاجم کند.



چرا انقلاب اسلامی از ابتدا مورد تجاوز نظامی قرار گرفت؟

# جاه‌طلبی بیگانه



**مرتضی مرادی**
**آگاه مسائل سیاسی**

بسیاری از جنبش‌های انقلابی جهان، پس از طی کردن روند گذار سیاسی و پایه‌گذاری نظام سیاسی جدید، در معرض حمله نظامی قرار گرفته‌اند.

جنبش آزادی‌بخش الجزایر یکی از شاخص‌ترین جنبش‌های انقلابی جهان بود که از ابتدا، در معرض حمله نظامی قرار گرفت و از نخستین روزهای اعلام پیروزی و طی کردن روند استقرار حاکمیت جدید، درگیر تنش نظامی شد. دولت مراکش به دلیل نگرانی و احساس خطر از رشد و گسترش انقلاب الجزایر که می‌توانست به تهدید بزرگی علیه دولت مستقر مراکش تبدیل شود، وارد تنش نظامی با الجزایر شد. البته دولت استعمارگر فرانسه نیز نقش موثری در تحریک دولت مراکش علیه انقلاب آزادی‌بخش الجزایر ایفا کرد.

اعلام استقلال دولت تازه تاسیس الجزایر از دولت استعمارگر فرانسه و منع غارتگران فرانسوی از تصاحب سرمایه‌های ملی الجزایر توسط دولت جدید این کشور، به هیچ وجه برای فرانسه قابل پذیرش نبود و فرانسه را به اقدام علیه دولت انقلابی الجزایر مجاب کرد. فرانسه این هدف را از رهگذار تحریک مراکش دنبال کرد و مراکش را به جان الجزایر انداخت.

بدین ترتیب دولت مراکش قوای نظامی خود را در مرزهای الجزایر مستقر و متمرکز کرد و الجزایر در معرض یک جنگ گسترده و فراگیر قرار گرفت. حتی درگیری‌های جزئی و پراکنده‌ای نیز میان دو کشور رخ داد اما در ادامه، روند تحولات به سمت دیگری رفت و سرانجام بین الجزایر و مراکش، صلح حاکم شد.

رایزنی‌های دیپلماتیک رهبران الجزایر در کنار کمک‌های خیرخواهانه جمال عبدالناصر، رئیس جمهور وقت مصر، مانع گسترش جنگ شد و در ادامه، تداوم جنگ و تنش را منتفی کرد. جنبش انقلابی کوبا نیز در آغازراه، با چنین خطراتی روبه‌رو شد. پس از پیروزی یاران فیدل کاسترو و سرنگونی رژیم فولخنسیو باتیستا و به خطر افتادن منافع آمریکا در این کشور، کوبا مغضوب آمریکا شد و در معرض خطر حمله نظامی آمریکا قرار گرفت. تا جایی که احتمال حمله نظامی آمریکا به کوبا هر لحظه افزایش می‌یافت و موجودیت حاکمیت جدید کوبا را تهدید می‌کرد.

اگرچه دولت وقت کوبا روش‌هایی به کار گرفت که در مقطعی موجب تعویق حمله آمریکا شد ولی آمریکا دست از سر کوبا برنداشت و از طریق پشتیبانی، بسیج و تجهیز نیروهای مخالف کاسترو، کوبا را به جنگ و تنش دچار کرد و عملیات خلیج خوک‌ها را علیه کوبا تدارک دید. غافل از آنکه هنگام اجرای عملیات خلیج خوک‌ها، حکومت کاسترو دیگر مانند روزهای آغازین پیروزی انقلاب کوبا، سست و متزلزل نبود و موجودیت نظام سیاسی جدید توسط کاسترو کاملا تثبیت شده بود. کاسترو از راه تثبیت نظام سیاسی جدید، خطر سقوط و سرنگونی را از خود دور کرد و دشمنان خود را ناکام گذاشت. او مهاجمین خارجی را در جریان عملیات خلیج خوک‌ها به ناکامی و شکست سختی دچار کرد و از خطر حمله نظامی گسترده نجات یافت. در اثر این شکست، چنان ضربه‌ای به اعتبار نظامی آمریکا وارد شد که فکر حمله نظامی به کوبا به منظور سرنگونی حکومت کاسترو را کنار گذاشت. انقلاب اسلامی ایران نیز اگرچه در آغازراه، مورد هجوم نظامی قرار گرفت اما در مسیر دفع جنگ و تامین امنیت پایدار، با موانع سخت‌تری مواجه شد. دفع حمله نظامی عراق از راه رایزنی‌های دیپلماتیک یا تثبیت نظام سیاسی جدید، میسر نبود. چرا که این بار نیروی متجاوز خارجی، اهدافی در سر داشت که ایران را در معرض زوال تمدنی قرار می‌داد. صدام به دنبال پیشبرد یک پروژه توسعه‌طلبانه و امپریالیستی بود تا تمامیت ارضی ایران را نقض و خاک عراق را توسعه دهد. صدام ۱۳ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در شورای عالی انقلاب عراق به صراحت اعلام کرد که سودای بازپس‌گیری شط‌العرب دارد و به زعم او، بهترین فرصت تاریخی برای بازپس‌گیری شط‌العرب و سرزمین‌های عربی از ایران فرا رسیده است.

صدام در حالی طی گفت‌وگو با ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه وقت ایران، از تمایل خود به ایجاد صلح و آرامش میان ایران و عراق از طریق مجاری دیپلماتیک سخن گفت که در واقعیت هیچ باوری به رفع مسالمت‌آمیز اختلافات دو کشور نداشت. او تنها چند دقیقه از پایان این دیدار، از نیت شوم خود پرده برداشت و صلاح عمر العلی، نماینده وقت عراق در سازمان ملل را از رایزنی دیپلماتیک با ایران به منظور حل مشکلات دو کشور، نهی کرد و به او گفت: چه حل مشکلی بین ما و ایران صلاح؟ این فرصتی است که شاید در طول هر قرن بیشتر از یک بار اتفاق نیفتد. اینها اهوازرا از ما گرفتند. شط‌العرب را از ما گرفتند و ما الان که دچار از هم گسیختگی هستند، دچار تفرقه هستند و بین شان درگیری است، این یک فرصت تاریخی است که تمامی حقوق‌مان را از آنها پس بگیریم. در این میان، اعلام حمایت و پشتیبانی بلوک شرق (شوروی سابق و متحدانش) و بلوک غرب (آمریکا و متحدانش) از حمله عراق به ایران، بر جاه‌طلبی صدام افزود و صدام را به پیروزی در برابر ایران امیدوارتر کرد. البته که در نهایت حتی یک وجب از خاک ایران تسلیم ارتش بعث عراق نشد و قوای نظامی ایران پس از بارها ناکامی در حفظ تمامیت ارضی از تعرض بیگانگان، در عصر انقلاب اسلامی به این چرخه تاریخی پایان داد.

بازخوانی راهبرد فعال در سه جنگ تحمیلی

# از چه چیز دفاع می‌شود؟

**محمد جواد ازغنده**
**آگاه مسائل سیاسی**

هفته دفاع مقدس امسال با یک پرسش راهبردی گره خورده است: چرا در هر سه تجربه جنگی ملت ایران (از جنگ هشت ساله تا جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه) همچنان از واژه «دفاع» استفاده می‌شود، در حالی که رفتار میدانی جمهوری اسلامی در دو تجربه اخیر، آشکارا فراتر از یک واکنش منفعلانه بوده است؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند بازتعریف مفهوم دفاع در ادبیات راهبردی و دینی جمهوری اسلامی است؛ دفاعی که نه انفعال، بلکه بازدارندگی فعال را در دل خود دارد.

نام‌گذاری جنگ تحمیلی هشت ساله به «دفاع مقدس» از دو منبع مشروعیت می‌گرفت: مشروعیت حقوقی - چرا که تجاوز از سوی رژیم بعث آغاز شد - و مشروعیت فقهی، که دفاع در برابر متجاوز را نه تنها مجاز، بلکه واجب می‌شمارد. همین چارچوب در جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی و جنگ ۴۰ روزه با محور آمریکایی نیز تکرار شد؛ در هر دو مورد، جرقه نخست را طرف مقابل زد. اما تفاوت اساسی در اینجاست که مشروعیت آغاز به معنای انفعال در ادامه نیست. فقه اسلامی میان «آغازگر نبودن» و «واکنش صرفا تدافعی» تفکیک قائل است؛ دفاع مشروع می‌تواند به معنای انتقال میدان نبرد به داخل خاک متجاوز یا حتی اقدام پیش‌دستانه برای خنثی‌سازی تهدید قریب‌الوقوع باشد. به همین دلیل، «دفاع» در ادبیات انقلاب اسلامی، عنوانی حقوقی-اخلاقی است، نه توصیفی نظامی از نوع رفتار میدانی.

### دفاع از چه چیز؟

آنچه در هر سه جنگ هدف تهاجم دشمن قرار گرفت، فراتر از مرزهای جغرافیایی بود؛ موجودیت نظام سیاسی برخاسته از انقلاب، الگوی استقلال از قدرت‌های بزرگ و توان بازدارندگی منطقه‌ای. رژیم بعث با حمایت غرب و اعراب می‌کوشید نظام نوپای انقلابی را در نطفه خفه کند؛ رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه، زیرساخت‌های نظامی و علمی کشور را هدف گرفت تا توان بازدارندگی ایران را از میان بردارد و در جنگ ۴۰ روزه، ائتلاف آمریکایی-صهیونی به صورت مستقیم‌تر وارد معادله شد. تفاوت در ابزار و بازیگران بود، اما هدف مشترک همه (فروپاشی یا تضعیف بنیادین جمهوری اسلامی) ثابت ماند.

### قلب راهبرد: از دفاع ایستا تا بازدارندگی تهاجمی

هسته اصلی این تحول را باید در اندیشه دفاعی امامین انقلاب جست‌وجو کرد. امام خمینی (ره) با طرح «دفاع همه‌جانبه» و بسیج نیروی انسانی، دفاع را از یک اقدام صرفا نظامی به یک پدیده اجتماعی-مردمی تبدیل کرد؛ رویکردی که در عملیات‌های آزادسازی و عمق‌بخشی به جبهه‌ها در جنگ هشت‌ساله، ابعاد تهاجمی خود را نشان داد. اما تحول کیفی‌تر در دوران رهبری انقلاب رخ داد؛ گذار از «راهبرد تدافعی واکنشی» به «بازدارندگی فعال و پیش‌دستانه». در این چارچوب، دفاع دیگر به معنای انتظار برای ضربه دشمن نیست، بلکه به معنای بالا بردن هزینه هر تهاجم احتمالی، پیش از وقوع آن است.

نمونه‌های عینی این تحول را می‌توان در جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه مشاهده کرد؛ پاسخ‌های موشکی گسترده به هدف‌های راهبردی، جابه‌جایی سریع میدان نبرد به عمق سرزمین دشمن و بهره‌گیری از «دفاع متحرک» به جای پدافند ایستا. این رویکرد، که می‌توان آن را راهبرد «قوی شدن» نامید، بر این منطق استوار است که بازدارندگی پایدار، نه از طریق کاهش تنش، بلکه از طریق افزایش هزینه تجاوز برای متجاوز حاصل می‌شود.

### مبانی قرآنی و روایی

این راهبرد ریشه در نصوص دینی دارد. آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» بر مقابله متقابل و مشروعیت پاسخ تاکید می‌کند، اما آیه «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ» فراتر می‌رود و آمادگی و اقتدار پیشینی را واجب می‌شمارد؛ مفهومی که در فقه سیاسی به «رباط الخیل» یا نگاه داشت دائمی توان بازدارنده تعبیر شده است. این آیه، بنیاد نظری بازدارندگی فعال است: قدرت باید پیش از تهدید آماده شود، نه پس از آن. در همین راستا، آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» منطقی فلسفی‌تر عرضه می‌کند: مقابله و رویارویی، نه یک شر اجتناب‌ناپذیر، بلکه سازوکاری الهی برای جلوگیری از فساد و سلطه‌طلبی در نظام بین‌الملل است. آنچه از این بازخوانی به دست می‌آید، این است که «دفاع» در ادبیات جمهوری اسلامی نه یک وضعیت انفعالی، بلکه یک چارچوب مشروعیت‌بخش برای اقدامی است که می‌تواند کاملا تهاجمی باشد. راهبرد ایران، نه تسلیم در برابر فشار است و نه جنگ متقارن با قدرت‌های بزرگ، بلکه مسیر سومی است: بازدارندگی فعال، مبتنی بر آمادگی دائمی، پاسخ‌های بازدارنده و انتقال هزینه به سوی متجاوز. سه جنگ تحمیلی، سه ایستگاه از یک مسیر واحدند: مسیری که از دفاع ایستای دهه ۶۰ آغاز شد و به بازدارندگی پویا و پیش‌دستانه در جنگ‌های اخیر رسید.

از خاکریز تا بازدارندگی

# دفاع فعال

**فاطمه لطف آبادی**
**آگاه مسائل فرهنگی**

هر بار اسم دفاع مقدس می‌آید، ذهن ما به سرعت می‌رود سراغ تصاویر خاکریزها، صدای بمب‌ها و پایداری بی‌نظیری که در برابر موج حملات نشان دادیم؛ اما اگر عمیق‌تر نگاه کنیم، می‌بینیم که دفاع در جمهوری اسلامی، هرگز فقط به معنای دوام آوردن و پس زدن ضربات نبوده است. ما از یک دفاع ساده و واکنشی عبور کرده‌ایم و به جایی رسیده‌ایم که دفاع برای ما، یعنی مدیریت فعال تهدید. در واقع، ما از دورانی که فقط سپر می‌شدیم و ضربات دشمن را تحمل می‌کردیم، به دورانی رسیده‌ایم که یاد گرفته‌ایم چطور جرات حمله را از دشمن بگیریم و پیش از آنکه ضربه‌ای وارد شود، مانع آن شویم.

ریشه این نگاه را باید در قرآن جست‌وجو کرد. در آیه «وأعدوا لهم ما استطعتم من قوة» (انفال، آیه ۶۰) دستور صریحی به آمادگی و قدرت پیدا کردن داده شده است. نکته ظریف اینجاست که این قدرت، نه برای جنگ‌طلبی و تهاجم به دیگران، بلکه برای این است که دشمن اصلا به فکر حمله نیفتد. این یعنی قدرت برای صلح. در سوره بقره هم وقتی خداوند از دفع فساد حرف می‌زند «وَلَوْلَا دَفْعُ اللهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره، آیه ۲۵۱)، در واقع به ما می‌گوید که هر جا تجاوز و ظلمی است، باید با قدرت جلوی آن را گرفت تا زمین به فساد نکشد. پس بازدارندگی فعال ما، در واقع جاری کردن همین دستور خدا در دنیای امروز است؛ برای اینکه صلح داشته باشیم و جلوی ظلم را بگیریم، باید قدرتمند باشیم و این قدرت را به گونه‌ای نمایش دهیم که دشمن دچار تردید شود.

ما در تمام سه تجربه جنگی - از جنگ هشت ساله تا تقابل‌های اخیر با صهیونیسم و آمریکا - از یک حق دفاع کردیم. در تمام این سال‌ها، هدف ما یک چیز بوده و هست: حفظ عزت، استقلال و اقتدار کشور. هیچ‌کدام از اینها از دیگری جدا نیستند؛ چون بدون عزت، استقلال معنا ندارد و بدون اقتدار، عزت در دنیای امروز پذیرفته نمی‌شود؛ اما تفاوت اصلی در روش است. در جنگ اول، ما در میانه میدان، با ایمان و تهاجم، عزت و استقلالمان را ثابت کردیم. آن زمان دفاع ما، دفاعی بود که با خون و جان به دست آمد تا نظام نوپا را حفظ کند؛ اما امروز، این عزت و اقتدار را با بازدارندگی فعال حفظ می‌کنیم. یعنی طوری قدرت می‌گیریم و این قدرت را به نمایش می‌گذاریم که دشمن بداند هر ضربه‌ای بزند، پاسخی می‌گیرد که هزینه‌اش برای او غیرقابل تحمل است.

واقعیت این است که هر کسی بخواهد مدل جدیدی از زندگی و حکومت داشته باشد و از مسیر تعیین‌شده توسط قدرت‌های بزرگ دنیا خارج شود، ناخودآگاه هدف حملات قرار می‌گیرد. در جنگ اول، دشمن با ارتش و تانک‌ها می‌جنگید؛ اما امروز صهیونیسم و آمریکا از روش‌های پیچیده‌تری مثل جنگ‌های نامتقارن، فشارهای اقتصادی و حملات سایبری استفاده می‌کنند. به همین دلیل، راهبرد ما هم باید تکامل می‌یافت. ما نمی‌توانستیم با ابزارهای سال ۶۰ در برابر تهدیدهای سال ۱۴۰۵ بجنگیم. به همین دلیل، راهبرد ما از دفاع منفعل به بازدارندگی فعال تغییر کرد. یعنی دیگر منتظر نمانیم تا دشمن ضربه بزند و بعد ما واکنش نشان دهیم؛ بلکه طوری قدرت بگیریم که دشمن حتی تصمیم به حمله نگیرد.

این تحول، دقیقا همان چیزی است که امام خمینی (ره) و رهبر شهید انقلاب روی آن تاکید داشتند. امام (ره) به ما یاد دادند که با ایمان و بسیج همه‌جانبه، حتی در برابر بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا می‌توان ایستاد و پیروز شد. ایشان مفهوم دفاع را از یک کار نظامی خشک، به یک جنبش اجتماعی و مردمی تبدیل کردند. رهبر شهید انقلاب هم این مسیر را کامل کردند و به ما فهماندند که در دنیای امروز، راه نجات ما قوی شدن است. ایشان به ما آموختند که قدرت، تنها راهی است که دشمن را به میز مذاکره می‌کشاند یا او را مجبور می‌کند که از توطئه‌هایش دست بکشد.

اگر به مسیر ما از خاکریزهای خرمشهر تا امروز نگاه کنیم، می‌بینیم که این مسیر درواقع سفر از سپر به تیغ بوده است. تفاوت این دو در چیست؟ سپر برای تحمل ضربه است؛ اما تیغ برای بریدن دست تهدید. بازدارندگی فعال یعنی اینکه به دنیا بفهمانیم ما به دنبال جنگ نیستیم و هرگز اولین ضربه را نمی‌زنیم؛ اما اگر کسی به ما تجاوز کند، پاسخی می‌گیرد که هرگز فراموش نخواهد کرد.

امروز دفاع ما دیگر فقط یک واکنش نظامی نیست؛ بلکه یک پیام سیاسی و اجتماعی است. این پیام می‌گوید که ایران، کشوری است که صلح را می‌خواهد؛ اما صلح از موضع قدرت. این همان تکامل راهبردی است که باعث شده امروز، دفاع ما، هوشمندانه‌تر و اثرگذارتر از هر زمان دیگری باشد و ما بتوانیم در دنیای پرآشوب امروز، استقلال و عزت خود را حفظ کنیم.

# آگاه

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

روزنامه ۶۴۶

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا

۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳

agaah_ir | m@agaah.ir | www.Agaah.ir


پنج‌شنبه

۲ مهر ماه ۱۴۰۵

۱۲ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۶

| | |
|---|---|
| اذان صبح | ۰۴:۲۹ |
| اذان ظهر | ۱۱:۵۷ |
| اذان مغرب | ۱۸:۱۸ |
| نیمه‌شب‌شرعی | ۲۳:۱۴ |

کاغذی

## قدر کتابفروش را بدان

چند روز پیش انتشارات هارپرکالینز در انگلستان به ۲۱ کتابفروشی جایزه جالبی داد. هر کتابفروشی منتخب ۱۰۰۰ پوند پول نقد گرفت. (تقریبا به اندازه قیمت ۱۰۰ جلد کتاب).

البته برنده‌ها را خود ناشر انتخاب نکرد. از ۲۱ نویسنده‌اش خواست کتابفروشی‌ای را معرفی کنند که برای معرفی کتابشان تلاش ویژه‌ای کرده است. این تلاش‌ها شکل‌های مختلفی داشت؛ معرفی خلاقانه کتاب به مشتری، نمایش جالب درویترین، برگزاری رویداد یا معرفی مداوم کتابی که هنوز خوانندگانش را پیدا نکرده بود.

پشت این طرح یک ایده ساده است: همسو کردن منافع ناشر و کتابفروش. ناشر و پدیدآورنده از فروش بیشتر سود می‌برند و کتابفروش با هنرش در پیشنهاد، ویترین و رویداد می‌تواند برای کتاب بازار بسازد. ناشر با این جایزه به کتابفروش می‌گوید: زحمتی که برای دیده شدن کتاب می‌کشی، دیده می‌شود.

## شروع پاییز و شیوع افسردگی نگاهی به تغییر رفتار فصلی

یک روانپزشک، با بیان اینکه با شروع پاییز و کوتاه‌تر شدن طول روز و کمتر شدن نور خورشید احتمال ابتلا به افسردگی افزایش می‌یابد، گفت: تغییرات خلق مستقیما به تغییرات فصلی مرتبط است.

جمال شمس با بیان اینکه در برخی فصول سال به دلایل نامعلوم ممکن است خلق برخی افراد دستخوش تغییراتی شود، اظهار کرد: افسردگی فصلی اختلالی است که معمولا با تغییر فصل به بالاترین میزان خود می‌رسد. وی افزود: به طور کلی افسردگی فصلی نوعی اختلال است که در آن فرد در دیگر زمان‌های سال شرایطی عادی دارد ولی در فصلی خاص احساس اضطراب و افسردگی می‌کند.

شمس با اشاره به اینکه تابش نور خورشید و ساعت بیولوژیکی بدن که تنظیم کننده ترشح هورمون‌هاست می‌تواند خلق و خو و خواب را تحت تاثیر قرار دهد، تاکید کرد: افرادی که با تغییر فصل دچار افسردگی می‌شوند، به هر میزان نور بیشتری دریافت کند زودتر از افسردگی و تنگی خلق رهایی می‌یابند.

عضو هیات علمی گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی گفت: خلق ۱۱ درصد از عموم مردم با شروع فصل پاییز و سرد شدن هوا کاهش پیدا می‌کند. وی با تاکید بر اینکه تمامی افرادی که دچار افسردگی فصلی می‌شوند ضرورتا مبتلا به اختلال افسردگی نیستند، توضیح داد: ممکن است درصد کمی از افرادی که به یک باره با تغییر فصل دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند به درمان‌های مداخله‌ای نیاز داشته باشند. این روانپزشک با بیان اینکه اختلال عاطفی و یا افسردگی فصلی افراد را به شکل‌های متفاوتی تحت تاثیر قرار می‌دهد، افزود: احتمال تغییر خلق در فصل بهار نیز وجود دارد.

شمس با اشاره به اینکه احتمال بروز افسردگی با شروع فصل پاییز به مراتب بیشتر از بهار است، توضیح داد: شیدایی یا مانیا حالتی از افسردگی است، در این مدل از اختلال خلق که همزمان با فصل بهار آغاز می‌شود انرژی فرد بسیار زیاد می‌شود به شکلی که این اختلال با تظاهراتی همانند نشاط زدگی، تحریک‌پذیری، فعالیت بیش از حد، خلق بالا به صورت شادی، خوش‌بینی افراطی، بیقراری حرکتی، اشکال در تمرکز و برنامه‌ریزی‌های بلندپروازانه دیده می‌شود. عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی گفت: در مبتلایان به بیماری دوقطبی، علائم مانیا و شیدایی با شروع فصل بهار و اختلال افسردگی در فصل پاییز عود می‌کند.

این روانپزشک با بیان اینکه علائم و نشانه‌های افسردگی فصلی با اختلال افسردگی دائم شباهت زیادی دارد خاطرنشان کرد: کاهش انرژی، تغییرات محسوس در میزان خواب، میل جنسی، توجه و تمرکز و تغییر در میزان اشتها از نشانه‌های افسردگی است. وی، تنها فاکتوری که افسردگی فصلی را نسبت به سایر اختلالات روانی و افسردگی‌ها متفاوت می‌کند، زمان بروز افسردگی فصلی دانست و گفت: افسردگی فصلی در بازه زمانی خاص در سال عود می‌کند. شمس با بیان اینکه احتمال بروز تمامی بیماری‌ها و اختلالات روان تقریبا یکسان است، خاطرنشان کرد: به طور مثال بیشترین سن بروز افسردگی بین ۳۰ تا ۴۰ سال است یا اختلال دوقطبی یا بروز شیدایی در ۲۰ تا ۲۵ ساله‌ها بیشتر دیده می‌شود.

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با اشاره به اینکه به طور کلی انواع بیماری‌ها که اختلالات روان هم از این قاعده مستثنی نیست تاریخ دقیق شروع یا سن خاصی ندارد، تاکید کرد: حتی ممکن است فردی در سن بالای ۵۰ یا کمتر از ۲۰ سال دچار افسردگی یا افسردگی فصلی شود. شمس با اشاره به اهمیت درمان انواع افسردگی‌ها، تاکید کرد: اگر این بیماری به موقع تشخیص و درمان‌ها پیش از شدت گرفتن علائم آغاز شود، روند درمان تا حدود زیادی از بروز مشکلات بعدی جلوگیری خواهد کرد. وی استفاده از درمان‌های دارویی، غیر دارویی یا مشاوره را از جمله روش‌های درمان افسردگی فصلی دانست و تاکید کرد: درمان این اختلال به کمک نور درمانی، دارو و روش‌های روان پزشکی انجام می‌شود و اگر فرد به اختلال دوقطبی مبتلا باشد باید به پزشک خود اطلاع دهد چرا که این موضوع برای زمان تجویز نور درمانی و دیگر داروهای ضد افسردگی بسیار اهمیت دارد. این روانپزشک گفت: درمان با داروهای ضد افسردگی برای برخی بیماران مبتلا به اختلال عاطفی فصلی، خصوصا اگر علائم شدید باشد، بسیار موثر خواهد بود.

آب و هوا



## تغییرات جوی در راه است

مدل‌های هواشناسی از تداوم گرما در نخستین روزهای پاییز و تغییر شرایط جوی در برخی مناطق شمالی خبر می‌دهند.

بررسی آخرین خروجی مدل هواشناسی نشان می‌دهد طی امروز پنج‌شنبه جوی پایدار در بخش عمده‌ای از کشور حاکم خواهد بود و دما در بسیاری از مناطق همچنان بالاتر از نرمال در این زمان از سال قرار دارد. در مناطق شمالی کشور طی امروز شرایط نسبتا پایداری پیش بینی می شود، اما از روز جمعه به بعد با تغییر الگوی جوی، افزایش ابر و احتمال بارش در بخش‌هایی از شمال کشور مطرح است.

از امروز تغییر تدریجی شرایط در نوار شمالی کشور روی می‌دهد، به طوری که ناپایداری‌های جوی در سواحل دریای خزر تشدید خواهد شد. این در حالی است که برای مناطق مرکزی، جنوبی و شرقی کشور طی روزهای پیش رو همچنان شرایط نسبتا پایدار و کم بارش پیش‌بینی می‌شود.

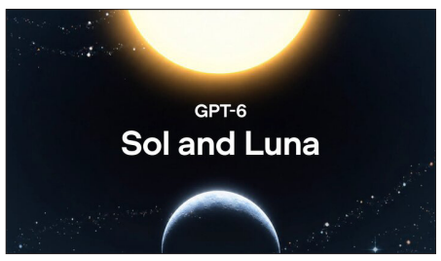


اجرای نمایش «شهریارمن» در تبریز

نمایش «شهریارمن» به نویسندگی و کارگردانی بهنام پناهی و با حضور حدود ۱۲۰ بازیگر در تبریز روی صحنه رفت. این نمایش با نگاهی به زندگی و جهان شعری استاد محمدحسین شهریار، سه برهه از دوران کودکی، جوانی و میانسالی این شاعر نامدار را روایت می‌کند.

عکس: مینا نوعی / مهر

## «اوپن‌ای‌آی» از مدل‌های ارزان‌تر هوش مصنوعی خود رونمایی کرد




معرفی شدند و سطوح گوناگونی از سلسله مراتب مدل‌های اوپن‌ای‌آی را نمایندگی می‌کنند. مدل Sol برای وظایف پیچیده‌ای همچون کدنویسی طراحی شده است. به گفته اوپن‌ای‌آی، مدل Luna برای کارهای اداری و دفتری مناسب‌تر است؛ یعنی وظایف پرتکرار با هدفی مشخص مانند خلاصه سازی اسناد، استخراج اطلاعات یا پاسخ‌دهی به پرسش‌های سریع.

«اوپن‌ای‌آی» مدل‌های «Sol» و «Luna» هوش مصنوعی «GPT-۶» را با وعده هزینه پایین‌تر و خطاهای کمتر عرضه کرد.

شرکت «اوپن‌ای‌آی» اوایل همین ماه مدل «GPT-۶ Astra» را معرفی کرد که آن را قدرتمندترین و توانمندترین مدل خود تا به امروز و بهترین مدل جهان برای طیف وسیعی از فعالیت‌ها از جمله کار با رایانه و کدنویسی می‌داند. به نقل از تک‌کرانچ، اکنون این مجموعه در حال گسترش نسل GPT-۶ با نسخه‌های به روزرسانی شده‌ای از مدل‌های کوچک‌تر «Sol» و «Luna» است. این شرکت در توضیح مدل‌های جدید خود نوشت: GPT-۶ Astra نسل جدیدی از هوش را معرفی کرد. این مدل‌ها با کارآمدتر و دردسترس‌تر کردن آن هوش، مزایایش را گسترش می‌دهند.

نخستین مدل‌های سری Sol و Luna اوایل امسال شرکت اوپن‌ای‌آی بر بهبودهای چشمگیر در زمینه بهره‌وری و مقرون به صرفه بودن نیز تاکید دارد؛ به ویژه از طریق کاهش قابل توجه قیمت دسترسی به API. مدل‌های سری ۶ با نصف هزینه مدل‌های سری ۵٫۶ Sol و Luna عرضه خواهند شد؛ کاهش قیمتی که اوپن‌ای‌آی آن را ناشی از بهبودهایی در فرآیندهای «کشینگ» و «استنتاج» می‌داند.

نسخه‌های جدید Sol و Luna اکنون در «چت جی پی تی ورک» و «کدکس» برای بیشتر حساب‌های پولی و همچنین در API چت جی پی تی در دسترس هستند. Luna نیز برای کاربران نسخه‌های Free و Go و اپلیکیشن دسکتاپ عرضه خواهد شد. اوپن‌ای‌آی انتظار دارد که این مدل‌ها را به تدریج برای اپلیکیشن و وب سایت چت جی پی تی منتشر کند.

سبک زندگی

چربی و آلودگی‌ها، راه تخلیه سینک را بدبو می‌کند

## مسیر بازگشت بوی خوش به آشپزخانه



بوی بد سینک یکی از مشکلات رایج در آشپزخانه و حمام است که می‌تواند فضای خانه را ناخوشایند کند. بسیاری از افراد تصور می‌کنند این بو حتما از فاضلاب یا مشکل جدی در لوله‌کشی ساختمان ایجاد شده است، اما در بسیاری از موارد علت بسیار ساده‌تر است. تجمع چربی، باقیمانده غذا، صابون، مو، خمیردندان و سایر آلودگی‌ها داخل لوله فاضلاب یا قسمت خروجی آب سینک، محیط مناسبی برای رشد باکتری‌ها ایجاد می‌کند و در نتیجه بوی نامطبوع به وجود می‌آید. اگر می‌خواهید بدانید چطور بوی بد سینک را از بین ببریم، قبل از هر کاری بهتر است محل اصلی تجمع آلودگی را پیدا کنید.

یکی از مهم‌ترین دلایل بوی بد سینک، تجمع مواد زائد در لوله فاضلاب و سیفون است. چربی و ذرات غذا به مرور زمان به دیواره داخلی لوله می‌چسبند و همراه با رطوبت، محل مناسبی برای فعالیت باکتری‌ها ایجاد می‌کنند. البته ممکن است لوله‌ها و سیفون را کاملا تمیز کرده باشید اما همچنان بوی بد وجود داشته باشد. در این شرایط، بهتر است توری و قسمت خروجی آب سینک را بررسی کنید. گاهی یک لایه نازک و چسبناک از چربی و آلودگی درست در زیر توری تخلیه جمع می‌شود؛ قسمتی که معمولا هنگام تمیزکردن سینک دیده نمی‌شود.

### قبل از هر چیز لوله و سیفون را تمیز کنید

اگر بوی نامطبوع از سینک می‌آید، ابتدا سیفون و لوله‌های زیر سینک را بررسی کنید. در صورت امکان، سیفون را بازکرده و آن را به خوبی بشویید. لوله خرطومی و سایر قسمت‌های قابل دسترس را نیز تمیز کنید تا چربی و رسوبات از داخل آنها خارج شود. تمیزکردن لوله‌ها علاوه بر کاهش بوی نامطبوع، می‌تواند به بهتر شدن جریان آب و جلوگیری از گرفتگی لوله کمک کند. اگر نمی‌خواهید سیفون را بازکنید، می‌توانید از روش‌های مناسب تمیزکردن لوله استفاده کنید تا رسوبات چربی و آلودگی‌های داخل مسیر تخلیه کاهش پیدا کنند. اگر بعد از تمیزکردن لوله‌ها هنوز بوی بد فاضلاب سینک از بین نرفته است، احتمال دارد منبع بو خود خروجی آب باشد.

برای تمیزکردن آن یک سکه و پیچ گوشتی آماده کنید. قسمت بالایی خروجی آب و توری سینک را بازکنید. هنگام بازکردن، قسمت زیرین خروجی را با دست نگه دارید تا سیفون یا قطعات زیر سینک جابه‌جا نشوند. توری را خارج کنید و قسمت زیر آن را به دقت بررسی کنید. چربی، صابون، مو، خمیردندان و سایر آلودگی‌های جمع شده را کاملا پاک کنید. حتی اگر سطح سینک کاملا تمیز باشد، ممکن است زیر توری یک لایه مرطوب و چسبناک از آلودگی وجود داشته باشد. همین لایه می‌تواند محل رشد باکتری‌ها و ایجاد بوی نامطبوع باشد.

### بهترین روش برای تمیزکردن توری و خروجی آب

برای پاک کردن آلودگی‌ها می‌توانید از یک مسواک قدیمی، اسفنج یا برس کوچک استفاده کنید. دیواره‌های داخلی خروجی آب و خود توری را با دقت برس بکشید. قسمت‌هایی که چربی و جرم بیشتری دارند نیاز به تمیزکاری بیشتری دارند. ابتدا می‌توانید با یک دستمال خشک، بخش زیادی از کثیفی را از روی توری فلزی بردارید. سپس مقدار مناسبی محلول تمیزکننده مناسب روی آن اسپری کنید و با مسواک تمام قسمت‌ها را تمیز کنید. در پایان، توری و قسمت بالایی خروجی را زیر آب جاری کاملا بشویید تا هیچ گونه باقیمانده‌ای از آلودگی یا مواد شوینده روی آن باقی نماند.

### نصب دوباره توری و بررسی نشتی

بعد از اینکه تمام قسمت‌ها را شستید و خشک کردید، توری و خروجی آب را دوباره در جای خود نصب کنید. سپس آب را باز کنید و چند لحظه اجازه دهید جریان داشته باشد. قسمت زیر سینک، سیفون و اتصالات را بررسی کنید تا مطمئن شوید هیچ نشتی یا چکه‌ای وجود ندارد. همچنین بررسی کنید که آب بدون مشکل تخلیه شود. اگر آب به راحتی پایین می‌رود و اطراف اتصالات خشک باقی می‌ماند، نصب قطعات به درستی انجام شده است.

#تجربه_کردم

اگه «احتیاج» داری دوستی... رفیقی... معلمی... عزیزی رو ببینی... و مانع مهمی از سوی طرف نیست...
هی دو دوتا- چهارتا نکن!... برو ببینش! اگه گند دماغی و تکبرت نمی‌ذاره هم که «حتمی» برو! اگه قرار باشه تشری هم بزنن بهت که دیگه برات عالیه!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشرپرنده

بهترین میان‌وعده‌ها برای دانش‌آموزان چیست؟

## ۱۵ خوراکی سالم و کم‌هزینه برای کیف مدرسه

انتخاب میان‌وعده مناسب برای دانش‌آموزان فقط به سیر شدن آنها محدود نمی‌شود و می‌تواند به تامین انرژی مورد نیاز در ساعات مدرسه کمک کند. به جای چیپس، پفک و شیرینی‌های صنعتی، می‌توان با چند خوراکی ساده و کم‌هزینه مانند لقمه پنیر و گردو، میوه، تخم‌مرغ، میان‌وعده‌ای متنوع و مغذی برای کیف مدرسه آماده کرد.

مشکل اصلی خوراکی‌های صنعتی، بالا و پایین شدن سریع قند خون است. مواد موجود در چیپس، پفک یا شیرینی‌های صنعتی، انرژی را در بدن کودک به‌صورت ناگهانی بالا می‌برند و به همان سرعت هم باعث افت انرژی می‌شوند. نتیجه این نوسان، خستگی مفرط دانش‌آموز در زنگ‌های آخر و کاهش تمرکز اوست؛ انگار که سوخت کافی برای موتور ذهن او فراهم نشده باشد.

حقیقت ساده این است که تغذیه، در واقع سوخت مغز است. هر چقدر خوراکی‌هایی که همراه دانش‌آموز می‌فرستیم به مواد طبیعی نزدیک‌تر باشند، یادگیری او در کلاس بهتر پیش می‌رود. برای اینکه دانش‌آموز از خوردن میان‌وعده لذت ببرد و در عین حال انرژی پایداری داشته باشد، باید به «ترکیب مواد» دقت کنیم. اینجا ۱۵ پیشنهاد کاربردی با نکاتی که کمتر به آنها توجه می‌شود، آمده است:

**۱. لقمه نان، پنیر و گردو:** این میان‌وعده قدیمی هنوز از همه موفق‌تر است؛ پنیر پروتئین رشد را می‌دهد و گردو امگا ۳ مغز را. اگر نان سنگک یا سبوس‌دار استفاده کنید، قند خون کودک به‌تدریج بالا می‌رود و تا آخر کلاس گرسنه نمی‌ماند. یک لقمه ساده که هیچ‌کدام از خوراکی‌های رنگی جای آن را نمی‌گیرد.

**۲. ساندویچ مرغ خانگی:** اگر شب قبل کمی مرغ بپزید و ریش کنید، صبح فردا کار سختی در انتظارتان نیست. به جای مایونز پرچرب، مرغ را با ماست چکیده، کمی روغن زیتون و سبزی معطر طعم‌دار کنید تا ساندویچ هم خوشمزه شود و هم خشک و بی‌مزه نباشد. بچه‌ها این ساندویچ را راحت‌تر از هر فست‌فودی می‌خورند.

**۳. تخم مرغ آب‌پز:** یک پروتئین کامل و البته در دسترس که مخصوصا برای بچه‌های پرتحرک، سوخت فوق‌العاده‌ای است. اگر نگران بوی آن هستید، تخم مرغ را درست قبل از خوردن پوست بگیرید یا همراهش یک گوجه فرنگی کوچک بگذارید. ترکیبش هم چشم‌نواز است و هم اشتهاآور.

**۴. میوه‌های تازه فصل:** سیب و موز همیشه در دسترس‌ترین انتخاب‌ها هستند، اما بچه‌ها به ظاهر هم اهمیت می‌دهند. سیب را قاچ بزنید و فقط چند قطره آب لیمو رویش بپاشید؛ هم طعمش بهتر می‌شود و هم رنگش تیره نمی‌شود. یک ظرف میوه قاچ‌شده، معمولا تا آخر زنگ تفریح تمام می‌شود.

**۵. هویج و خیارقلمی:** این دو، اسنک‌های ترد کلاس درسند؛ جویدن مواد ترد به بچه‌ها کمک می‌کند هیجان و استرس روزشان تخلیه شود. هویج را خلالی کنید و یک ظرف کوچک ماست و سبزی کنارش بگذارید. دیدن این دیپ خانگی، بچه را برای خوردن سبزیجات تشویق می‌کند.

**۶. مغزها و آجیل خام:** مهم‌ترین نکته خام بودن آجیل است؛ نوع شور آن باعث تشنگی و فشار خون می‌شود. یک مشت کوچک بادام، پسته و فندق، حافظه کوتاه‌مدت را برای یادگیری تقویت می‌کند. بهتر است در کیسه یا ظرف پارچه‌ای کوچکی بریزید تا در کیف له نشود.

**۷. خرما و ارده:** برای بچه‌هایی که صبح‌ها حوصله صبحانه ندارند، این ترکیب یک بمب انرژی واقعی است. کافی است هسته خرما را دربیاورید و داخلش را با کمی ارده یا یک تکه گردو پر کنید. طعمی شبیه شکلات‌های گران‌قیمت پیدا می‌کند، اما کاملا طبیعی و سالم می‌ماند.

**۸. ماست یونانی با تکه‌های میوه:** ماست یونانی پروتئین بیشتری از ماست معمولی دارد و برای رشد کودک عالی است. در یک ظرف در دار کوچک، آن را با تکه‌های توت فرنگی، موز و کمی عسل مخلوط کنید. نتیجه، دسری سالم است که جای بستنی و خوراکی‌های کارخانه‌ای را می‌گیرد.

**۹. بیسکویت‌های سبوس‌دار:** همه بیسکویت‌ها ممنوع نیستند؛ نوعی که با آرد کامل تهیه شده باشد، کربوهیدرات مفید به بدن کودک می‌رساند. فقط کافی است پشت بسته‌بندی را بخوانید و گزینه‌ای را انتخاب کنید که قندش کمتر و فیبرش بیشتر باشد. انتخاب هوشمندانه، همین‌ها هستند.

**۱۰. گوجه گیلاسی:** رنگ قرمز و اندازه کوچک این گوجه‌ها، برای بچه‌ها جذاب و اشتها برانگیز است. گوجه گیلاسی سرشار از آنتی‌اکسیدان است و سیستم ایمنی را مقاوم می‌کند؛ چیزی که در فصل سرما و روزهای شیوع سرماخوردگی، خیلی به کار دانش‌آموز می‌آید.

**۱۱. کشمش و نخودچی:** شاید قدیمی به نظر برسد، اما از نظر علمی یکی از بهترین ترکیب‌ها برای تنظیم قند خون در ساعات طولانی کلاس است. نخود و کشمش دیرهضم می‌شوند و کودک را تا آخر روز سیر نگه می‌دارند. همان نوقای مادربزرگ‌ها که هنوز حرف اول را می‌زند.

**۱۲. کره بادام‌زمینی و موز:** این ترکیب برای بچه‌های بدغذا یک ناجی واقعی است. کره بادام‌زمینی را روی نان تست سبوس‌دار بمالید و حلقه‌های موز را رویش بچینید. هم انرژی بخش است و هم برای بچه‌ها شیک و جذاب به نظر می‌رسد.

**۱۳. برگه میوه‌های خشک:** انجیر خشک، توت خشک و برگه زردآلو، سرشار از آهن و مواد معدنی هستند. برای دانش‌آموزانی که زود خسته می‌شوند، خوردن سه تا چهار عدد انجیر خشک واقعا اثر معجزه‌آسا دارد. خوشمزگی‌اش هم مزیت اضافه‌ای برای انتخاب این گزینه است.

**۱۴. کیک‌های خانگی ساده:** کیکی که خودتان با آرد گندم کامل و کمی گردو یا کشمش بپزید، بسیار سالم‌تر از انواع بسته‌بندی است. اگر به شکل کاپ‌کیک و اندازه‌های کوچک درستش کنید، هم برای خوردن راحت‌تر است و هم در کیف مدرسه له نمی‌شود.

**۱۵. سیب‌زمینی پخته یا تنوری:** برخلاف تصور رایج، سیب‌زمینی پخته بدون سس‌های مضر، یک میان‌وعده سیرکننده و مغذی است. اگر کمی در فر تنوری‌اش کنید تا ترد شود، چیزی شبیه چیپس خانگی اما سالم خواهید داشت. برای کودکان پرتحرک، یک انتخاب فوق‌العاده است.

